



روان شناسی زرد
تله شادمانی

«آچاره‌بوی»

۵ نماینده مجلس در گفت وگو با «جام جم»
چرایی اظهارات دوگانه مقامات آمریکایی
در قبال ایران را تشریح کردند

حرکت زیگزاگی کاخ سفید

۲۱۰۰

رئیس مرکز ارتباطات و رسانه آستان قدس رضوی
از تولید یک برنامه نخبگانی می‌گوید

قاب فاخر سیما
در مدرسه میرزا جعفر

۷۱۰۰

چالش‌ها و فرصت‌های
طرح تغییر ساعت کاری ادارات را بررسی کرده‌ایم

ساز ناکوک
ساعت کاری

۱۲۱۰۰

جشنواره پژواک به ایستگاه پایانی رسید

ستاره‌های پژواک
در آسمان رادیو

۶۱۰۰

روزگاری

در حالی که روز گذشته چهارمین دور مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در پایتخت عمان برگزار شد، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه ایران، از آن با تعبیر «دشوار اما مفید» یاد کرد. وزیر امور خارجه کشورمان نیز گفت‌وگوهای غیرمستقیم تهران-واشنگتن را «رو به جلو» ارزیابی کرد و گفت: «مذاکرات دور چهارم مذاکرات بسیار جدی‌تر و صریح‌تری بود. ما مقدار زیادی از فضاها‌ی کلی فاصله‌گرفتیم و وارد موارد جزئی‌تری شدیم.» عراقچی تصریح کرد: در این شرایط مذاکرات دشوارتر می‌شود اما به‌رغم دشواری و صراحتی که در مذاکرات بود بحث‌های بسیار مفیدی انجام شد و الا‌ن می‌توانیم بگوییم که دو طرف درک بهتری از مواضع همدیگر دارند و درباره مقدار زیادی از موضوعات اصلی مورد اختلاف، بحث شده، ابعاد آن بیشتر یا شده، درک بهتری وجود دارد و مواضع، مقداری به هم نزدیک‌تر شده‌است؛ در نهایت می‌توان مذاکرات را رو به جلو ارزیابی کرد. او با بیان این‌که «ما تصمیم گرفتیم که این مذاکرات ادامه پیدا کند»، گفت: هر دو طرف مصمم هستند و برای جلسه بعدی توافق شده اما روز و محل آن را به عهده وزیر خارجه عمان گذاشتیم ولی فکر می‌کنم مثلاً با فاصله تقریباً یک هفته‌ای، حلالی‌کی دو روز کم یا زیاد، برگزار خواهد شد.

او درباره موضوعات مورد مذاکره نیز گفت: موضوعات رفع تحریم و موضوع غنی‌سازی، دو موضوع اصلی مذاکره هستند. از نظر ما غنی‌سازی موضوعی است که حتماً باید ادامه پیدا کند و هیچ جای مصالحه در خصوص آن وجود ندارد. ممکن است مواردی مانند ابعاد، اندازه، سطح و میزان آن به جهت اعتمادسازی، مثلاً در یک دوره‌ای شامل محدودیت‌هایی شود ولی اصل موضوع غنی‌سازی اصلاً قابل مذاکره نیست؛ همین‌طور بحث تحریم‌ها. منظور و مقصود ما از مذاکره، رفع تحریم‌هاست. رفع تحریم‌ها در هر شرایطی، یکی از پایه‌های مذاکره ما هست و این مورد پذیرش دو طرف قرار دارد.

در همین حال آکسیوس و آسوشیتدپرس به‌نقل از یک مقام آمریکایی گفتند: «ما از نتیجه امروز مذاکرات، دلگرم شده‌ایم و مشتاقانه منتظر نشست بعدی هستیم که در آینده نزدیک، برگزار خواهد شد.» به‌گفته این مقام آمریکایی، این دور از مذاکرات حدود سه ساعت در مسقط، پایتخت عمان، که میانجی مذاکرات است، طول کشید.

بدر بو سعیدی، وزیر خارجه عمان نیز اعلام کرد: مذاکرات هسته‌ای در عمان دربردارنده ایده‌های مفید و نوآورانه‌ای بود که نشان‌دهنده تمایل به دستیابی به یک توافق شرافتمندانه است. وی خبر داد دور مذاکرات هسته‌ای آتی میان واشنگتن و تهران، به‌محض رایزنی دو طرف با مقامات عالی رتبه دو کشور برگزار خواهد شد.

ادامه در همین صفحه

گزارش

اظهارات افراد درگیر در مذاکرات هم نشان‌دهنده پیچیدگی فضای گفت‌وگوهاست و هم حکایت از تمایل طرفین به ادامه مسیر دیپلماتیک دارد؛ حتی در شرایطی که طرف آمریکایی، مواضع دوگانه و پرابهامی را اتخاذ کرده و تلویحا به پایان دادن به مذاکرات تهدید کرده بود. این دور از مذاکرات، با حضور هیأت‌های تخصصی دو طرف و در قالب گفت‌وگوهای غیرمستقیم برگزار شد؛ در روزهایی که واشنگتن تلاش می‌کرد با بالابردن سطح فشارها، مذاکرات را در فضایی پر از بدبینی و مطالبه‌های حداکثری پیش ببرد و تیم ایرانی را مرعوب فضاسازی خود کند، این آمریکا بود که یک‌بار دیگر دوگانگی در مواضع را نشان داد. برای فهم بهتر فضای پیش از مذاکرات بهتر است آخرین موضع‌گیری‌های ویتکاف پیش از دور چهارم گفت‌وگوها را یک‌بار دیگر بررسی کنیم.

۴۸ ساعت پیش از مذاکرات؛ پیش‌شرط‌های غیرواقع‌بینانه آمریکا

تنها دو روز پیش از آغاز گفت‌وگوها در مسقط، استیو ویتکاف، نماینده ویژه دونالد ترامپ در امور خاورمیانه، ویتکاف در مصاحبه‌ای ۴۰ دقیقه‌ای در ساختمان اجرایی آیزنهاور، لحن تندی از سیاست دولت متبوعش ارائه داد؛ سیاستی مبتنی بر تهدید، حداکثرخواهی و فشار. او در بخشی از این گفت‌وگو، با اشاره به احتمال شکست مذاکرات گفت: «اگر فکر کنیم مذاکرات روز یکشنبه سازنده نخواهد بود، مسیر متفاوتی را انتخاب خواهیم کرد.» ویتکاف که به‌وضوح از برنامه غنی‌سازی ایران

دور چهارم گفت‌وگوها، رسانه‌ای و غیرواقعی بودن مواضع مذاکره‌کننده ارشد آمریکا را ثابت کرد

ویتگاف

پاسخ ایران؛ حقوق غیر قابل مذاکره

در واکنش به این اظهارات، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران و رئیس هیأت مذاکره‌کننده بیش از عزیمت به عمان جهت حضور در مذاکرات ایران و آمریکا، تناقض‌گویی‌های واشنگتن را که هر بار خط‌قرمز جدیدی را مطرح می‌کند، محکوم کرد. وی گفت: تناقض موجود هم در داخل اتاق مذاکره یا بیرون آن یا در فضای رسانه‌ای را شاهد هستیم. مواضع طرف مقابل مرتب عوض و جابه‌جا می‌شود که یکی از مشکلات مذاکره است. جمهوری اسلامی ایران برعکس طرف مقابل مواضعی شناخته‌شده و مبتنی بر اصول دارد؛ ما در یک خط کاملاً مستقیم حرکت کردیم و مواضع ما کاملاً روشن است. عراقچی تأکید کرد: برنامه هسته‌ای ایران از پایه‌های حقوقی و قانونی قوی برخوردار است و تمامی ابعاد صلح‌آمیز آن همواره تحت نظارت اژانس بوده و خواهد بود. این جزو حقوق مردم ایران است که قابل مذاکره و معامله نیست. غنی‌سازی یکی از دستاوردها و افتخارات ملت ایران است و برای این غنی‌سازی هزینه سنگینی پرداخت شده و خون دانشمندان هسته‌ای ما پای این دستاورد وجود دارد و قطعاً قابل معامله نیست؛ این موضع روشن ما بوده و همواره آن را اعلام کرده‌ایم. وی با اشاره به آمادگی ایران برای اعتمادسازی و انجام اقدامات بیشتر در زمینه فعالیت‌های

عصبانی به‌نظر می‌رسید، اظهارات تندی علیه فعالیت هسته‌ای ایران مطرح کرد: «ما باید سه تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم در فردو، نطنز و اصفهان را برچینیم. برنامه غنی‌سازی اورانیوم در ایران دیگر نمی‌تواند وجود داشته باشد. آنها نمی‌توانند سانترفیوژ داشته باشند. این خط قرمز ماست - بدون غنی‌سازی!» او همچنین افزود: «اگر بتوانیم ایران را وادار کنیم که داوطلبانه از یک برنامه غنی‌سازی کنار برود، این دائمی‌ترین راه برای اطمینان از عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است.» در اظهارات او، نه‌تنها نشانی از پذیرش حقوق ایران به‌عنوان عضو NPT دیده نمی‌شد، بلکه طرح مطالباتی برخلاف معاهدات بین‌المللی به‌صراحت دنبال می‌شد. از جمله در بخش دیگری از این مصاحبه که گفت: «ایران باید تمام تأسیسات غنی‌سازی را نابود کند... ما توافقی مانند برجام را که تعهدات ایران را به پایان برساند، نخواهیم پذیرفت.» با وجود مواضع سختگیرانه، ویتکاف تلاش کرد در بخشی از مصاحبه، چهره‌ای دیپلماتیک از ترامپ نشان دهد. او گفت: «رئیس‌جمهور ترامپ به صلح از طریق قدرت معتقد است... اگر بتوان از راه‌ی مسالمت‌آمیز به راه‌حلی موفق و به‌نفع ایالات متحده رسید، این بهترین نسخه برای حل مشکلات جهانی است.»

دیپلماتیک برای احیای توافق هسته‌ای دست‌کشیدند. سیدعباس عراقچی در ابتدای این یادداشت نوشت: دو کشور انگلیس و فرانسه که حدود یک قرن پیش مرزهای نوین آسیای غربی را ترسیم می‌کردند، اکنون در وضعیتی گرفتار شده‌اند که از تحولات دیپلماتیک منطقه کنار گذاشته شده‌اند. به‌طوری‌که دیپلمات‌های اروپایی در مهم‌ترین گفت‌وگوهای در جریان منطقه - از جمله مذاکرات غیرمستقیم بین ایران و ایالات متحده- صرفاً در نقش ناظرانی منفعل ظاهر شده‌اند. واقعیت این است که انفعال کنونی اروپا نتیجه راهبردی است که آنان انتخاب کرده‌اند؛ راهبردی که به‌همه‌واز جمله خود آنان آسیب رسانده است. شرکت‌های اروپایی به جای عمل به تعهدات دولت‌های خود، به تحریم‌های آمریکا پایبند

اروپا در این توافق پایان می‌دهد، بلکه این اقدام به‌صورت بالقوه به افزایش تنش‌هایی غیرقابل ترمیم نیز منجر خواهد شد. وی تأکید کرد: سه کشور اروپایی باید از خود بپرسند چرا به چنین بن‌پستی گرفتار شده‌اند. در دوران دولت قبلی آمریکا، سه کشور اروپایی به‌عنوان واسطه کلیدی گفت‌وگوهای غیرمستقیم بین تهران و واشنگتن در این گفت‌وگوها نقش داشتند و ایران هم به‌طور سازنده‌ای با آنان همکاری کرد اما زمانی‌که اراده سیاسی در واشنگتن برای رسیدن به یک توافق از بین رفت، اروپایی‌ها نیز به تدریج تلاش‌های خود در این زمینه را قطع کردند. آنها به جای تطبیق خود با شرایط جدید، موضع تقابلی گرفتند و از بهانه‌هایی مانند حقوق بشر و روابط مشروع ایران با روسیه استفاده کرده و از تحرکات

برش

هشدار ایران نسبت به عواقب سوءاستفاده اروپا از مکانیزم ماشه

وزیر امور خارجه کشورمان در یادداشتی در روزنامه فرانسوی لویوئن نسبت به استفاده از سازوکار ماشه توسط اروپا هشدار داد. سیدعباس عراقچی در این روزنامه نوشت: ایران موضع خود در برابر احتمال استفاده اروپایی‌ها از مکانیزم ماشه را به‌صورت شفاف اعلام کرده است. ما به‌صورت رسمی به تمامی امضاکنندگان برجام هشدار داده‌ایم که سوءاستفاده از سازوکار ماشه عواقبی به‌همراه خواهد داشت؛ از جمله این‌که نه‌تنها به نقش

دکتر پزشکیان در جلسه هیأت دولت:

کنار گذاشتن تأسیسات هسته‌ای قابل قبول نیست



هیأت دولت بعد از ظهر دیروز یکشنبه به ریاست دکتر مسعود پزشکیان تشکیل جلسه داد و رئیس‌جمهور در این جلسه بر عزم دولت برای حفاظت از دستاوردهای هسته‌ای صلح‌آمیز کشور تأکید کرد و اظهار داشت: ما می‌توانیم این اطمینان را بدهیم که جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه به دنبال سلاح هسته‌ای نبوده، نیست و نخواهد بود.

رئیس‌جمهور با تأکید دوباره بر این‌که جمهوری اسلامی ایران به دنبال بمب هسته‌ای نبوده و نیست، تصریح کرد: اساساً به‌لحاظ اعتقادی با این مسأله مشکل داریم و طبق فتوای مقام معظم رهبری هر اقدامی در جهت ساخت سلاح هسته‌ای حرام است. البته بحثی که درباره کنار گذاشتن کل تأسیسات هسته‌ای ایران مطرح شده، برای ما قابل قبول نیست؛ فناوری هسته‌ای و دستاوردهای دانشمندان کشورمان در عرصه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای در بخش‌های مختلف از جمله تولید دارو و درمان، کشاورزی، محیط زیست و صنعت کارایی‌هایی دارد و ما با قدرت فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را دنبال خواهیم کرد. دکتر پزشکیان بر سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران در تعاملات صلح‌آمیز با جهان تأکید کرد و با بیان این‌که در مذاکره جدی و به دنبال توافق هستیم، افزود: ما گفت‌وگویی کنیم برای این‌که صلح می‌خواهیم؛ ما کشوری هستیم که به دنبال صلح و امنیت در منطقه‌ایم و بر این باوریم که کشوری منطقه برادرند، با هم در صلح و صفای زندگی می‌کنند و نیازی به این نیست که از آن طرف دنیا کسی بیاید برای ماکاری انجام دهد؛ این رژیم صهیونیستی است که به دنبال ایجاد ناامنی و ناآرامی در منطقه است.

در این جلسه علاوه بر طرح موارد اجرایی دستگاه‌ها توسط اعضای دولت، گزارش مفصلی از برگزاری نمایشگاه بین‌المللی نفت از سوی وزیر نفت ارائه شد. براساس این گزارش، در این نمایشگاه ۲۰۰۰ شرکت داخلی و ۱۷۰ شرکت خارجی از ۱۶ کشور شرکت کرده‌اند.

همزمان با برگزاری این رویداد بزرگ، کار حفاری در دریای خزر بعد از ۲۸ سال توقف، مجدداً آغاز شد. همچنین قراردادی سه‌جانبه میان تولیدکنندگان، شهرداری، وزارت نفت و سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان‌های بهره‌بردار مثل شرکت پست و دی‌جی‌کالا جهت تحویل ۲۰ هزار دستگاه موتورسیکلت برقی و تعویض آنها با موتورهای فرسوده و کهنه در تهران منعقد شد.

در ادامه جلسه دیروز هیأت دولت، وزیر گردشگری و میراث فرهنگی گزارشی از سفر به کشور مصر و شرکت در اجلاس دی ۸ ارائه کرد. وی همچنین توصیفی از شدت علاقه‌ای که بعد از دیدار دکتر پزشکیان با آقای السیسی، رئیس‌جمهور مصر نزد مردم، نخبگان و سیاستمداران این کشور نسبت به ایران و فرهنگ ایرانی ایجاد شده و اشتیاق موجود برای بازگشایی سفارتخانه‌ها و آموذ مشه میان گردشگران دو کشور بین مصری‌ها ارائه کرد.

صبح ایران

ویژه فرهنگی هنر و رسانه

به انگیزه اعزام زائران بیت الله الحرام، روایتی متفاوت از این سفر را مرور کردیم

زیر سایه نخلستان مدینه

صفحه ۱۱

سفر جهانی ریاضی

در گفت‌وگو با دکتر زهرا گویا، ریاضیدان و استاد دانشگاه شهید بهشتی از تأثیرات جهانی مریم میرزاخانی در حوزه علم پرسیدیم



۸۱

قاب فاخر سیمای در مدرسه میرزا جعفر

رئیس مرکز ارتباطات و رسانه آستان قدس رضوی از تولید یک برنامه نخبگانی می‌گوید



۷۱

ستاره‌های پژواک در آسمان رادیو

جشنواره پژواک به ایستگاه پایانی نزدیک می‌شود



۶۱

گفت‌وگو

گفت‌وگو با محمد خیراندیش در حاشیه اختتامیه جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰

حضور جسورانه فیلمسازان جوان



چراکه افراد زیادی در این رویداد مطرح شده‌اند. چه آنان که نامزد دریافت جایزه شدند و چه آنان که جایزه نهایی را کسب کردند؛ به‌ویژه آن‌که سطح آثار نامزدشده، تفاوت‌چندانی با آثار برگزیده نداشت و گاه تنهااختلاف سلیقه‌داوران در انتخاب نهایی مؤثر بود. وی خاطرنشان کرد: کسانی که در این جشنواره مطرح شده‌اند، می‌توانند توانایی و ظرفیت لازم را در خود ببینند و در بخش‌های بلندتری حرفه‌ای‌تر سینما نیز حضور پیدا کنند؛ همان‌گونه که در سال‌های گذشته نیز این مسیر را شاهد بودیم.

اتفاق نظر داوران؛ ویژگی متمایز این دوره

خیراندیش در توضیح شاخص‌های مورد نظر خود برای ارزیابی آثار جشنواره اظهار داشت: برای من محتوا، شامل ایده، پرداخت و آنچه‌که می‌توان به‌عنوان «حرف پشت کار» از آن یاد کرد، در یک سبد قرار داشت و اجرا، شامل کارگردانی و فیلمبرداری و در مورد آثار انیمیشن، انیمیت و ترکیب‌بندی بصری

و دیگر عناصر زیبایی‌شناسی در سبدهای دیگر جا می‌گرفت. این دو بخش را در کنار هم سنجیدم و جمع‌بندی نهایی را بر این اساس انجام دادم. خیراندیش یکی از ویژگی‌های قابل توجه این دوره از داوری را اتفاق نظر میان اعضای هیأت داوران دانست و گفت: در این دوره درباره بسیاری از آثار نوعی توافق ضمنی وجود داشت. نکته مهم این بود که پیش از آن‌که داوران در جلسات مشترک حضور یابند، به‌صورت مستقل به آثار نمره داده بودند و در نهایت مشخص شد تعدادی از آثار نسبت به بقیه فاصله محسوسی

عوضو هیأت داوران چهاردهمین جشنواره فیلم ۱۰۰ در گفت‌وگو با جام جم گفت: فیلم‌بدی که امروز ساخت آن آغاز شود از فیلم خوبی که فردا قرار است ساخته شود جلوتر است. در روزهایی که نسیم اردیبهشتی تهران عطر شکوفه‌های فرهنگ و هنر را در فضای پردیس سینمایی ملت می‌پراکند، چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ به‌سان مجالی باشکوه برای تبلور نبوغ جوانان این سرزمین برگزار شد. این جشنواره که در بازه‌ای سه‌روزه میزبان صدها اثر از سراسر کشور بود، در روز نوزدهم اردیبهشت‌ماه هم‌زمان با میلاد خجسته علی بن موسی‌الرضا(ع) با مراسمی پرشور به کار خود پایان داد.

در حاشیه اختتامیه این رویداد، محمد خیراندیش، طراح کاراکتر، انیماتور، نویسنده و کارگردان به ارزیابی خود از ماهیت جشنواره و تأثیر آن بر تربیت‌بوم سینمای ایران پرداخت.

جشنواره فیلم ۱۰۰؛ فرصتی برای جسارت آغاز

محمد خیراندیش در ارزیابی خود از جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ اظهار داشت: با توجه به فرمت این جشنواره که فیلم‌هایی با حداکثر زمان ۱۰۰ ثانیه را دربرمی‌گیرد، به‌نظر من این قالب جرأت آغاز را به جوانان می‌بخشد و این ویژگی بسیار ارزشمند است.

البته مقصودم آن نیست که این جشنواره صرفاً برای تازه‌کارهاست اما به‌طور حتم به کسانی که در اندیشه ورود به عرصه فیلمسازی هستند، این انگیزه و جسارت را می‌دهد که قدم اول را بردارند.

وی افزود: این ویژگی یکی از امتیازات برجسته جشنواره فیلم ۱۰۰ است که آن را به رویدادی تازه‌نفس و پویا بدل کرده. به همین دلیل، به تمامی علاقه‌مندان فیلمسازی در هر قالبی- اعم از مستند، داستانی یا انیمیشن- توصیه می‌کنم مسیر خود را از جشنواره فیلم ۱۰۰ آغاز کنند. خیراندیش در ادامه تصریح کرد: از دیگر نکات قابل توجه درباره این جشنواره، خروجی‌های مطلوب آن در سال‌های گذشته است

دوشنبه‌نوشته‌ها

سینما- کتاب مغفول و معزول!!

فضای شهر به‌یمن برپایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب، آکنده از بوی کاغذ و مرکب شده و حال و هوای کتاب و کتابخوانی بسیاری از شهروندان را به‌خود معطوف کرده است. اگرچه آمار نشر و کتابخوانی کشورمان چندان ارضی‌کننده نیست ولی در ایام نمایشگاه فروش کتاب‌ها خوب می‌شود و اهالی فرهنگ و نشر روزهای متفاوتی را پشت سر می‌گذارند اما برای ما اهالی سینما توجه به کتاب از دریچه‌ای دیگر تجلی می‌یابد و آن هم مقوله‌ای تحت عنوان اقتباس است. متأسفانه در این زمینه اوضاع از آمار نشر و انتشار و کتابخوانی به‌مراتب بدتر است. یعنی تولید فیلم‌های اقتباسی نزدیک به صفر است. در حالی فیلمسازان ما با کتاب کمتر الفت دارند و برای این‌که به‌سمت برداشت از ادبیات و رمان‌های مطرح قدم پیش بگذارند، لنگ می‌زنند که می‌دانیم سینمای غالب جهان هیچ‌گاه از آثار برجسته ادبی غافل نبوده‌اند. نکته قابل توجه این است که ما دارای سینما هستیم، یعنی از نظر تولید و کمیت اثر، با ساخت نزدیک ۱۰۰ فیلم بلند داستانی، جزو کشورهای صاحب صنعت سینما شناخته می‌شویم. آن‌وقت سالانه یک‌دهم این امر به فیلم‌های اقتباسی اختصاص نمی‌یابد. با تأمل در فهرست فیلم‌های ماندگار تاریخ سینمای جهان و فیلمسازان مشهور به این نتیجه می‌رسیم که دست‌نهایی این جایگاه را عامل اقتباس دارد. مثلاً در هالیوود، اعم از کارگردان‌های آمریکایی تا مهاجران به این کشور، آنهایی دارای مقام برتری هستند که کارنامه پربازتری از فیلم‌های اقتباسی دارند. کلاسیک‌هایی مانند جان فورد، هارولد هاکس، آلفرد هیچکاک و...

تا جدیدترها و مدرن‌ها یا فیلمسازان دیگر کشورهای دارای سینما، از جمله ژاپن، فرانسه، ایتالیا و... معمولاً از ناحیه ارتباط مداوم‌شان با کتاب و ساخت فیلم‌های متعدد از روی کتاب‌ها زبانه داخل و خارج شده‌اند. این رویکرد چنان بازار گرمی دارد که بعضاً از روی برخی آثار نویسندگان مشهور تا ۱۰ نسخه توسط کارگردان‌های مختلفی هم ساخته شده است. مثل رمان‌های ویکتور هوگو، چارلز دیکنز، جورج اورول و برخی نویسندگان دیگر روسی و فرانسوی و...

... و رابطه ادبیات و سینما فرصتی برای هر دو عرصه است تا از ظرفیت هم بهره‌برند. سینما در محتوا از کتاب ارزش می‌گیرد و با حال و هوای تازه‌ای عرض اندام می‌کند و کتاب با سینما، حیات دوباره می‌یابد و دامنه مخاطبانش گسترده‌تر می‌شود. بنابراین ارتباط دائمی و مستمر میان اهالی نشر و فیلمسازان، از جنبه‌های مختلفی ثمربخش و ارزشمند است که نقطه تلاقی این رابطه را عمق یافتن سینما و ماندگاری آن تشکیل می‌دهد. تاریخ سینمای ایران نشان می‌دهد که هر وقت سینما به ادبیات روی خوش نشان داده، خروجی منتهی به رونق و تحول و استقبال بوده است. در عین این‌که فیلمسازانی دارای اسم و رسم جدی شده‌اند که همانا مشهور به ارتباط با کتابند، من جمله مرحوم داریوش مهرجویی (با بیشترین اثر اقتباسی) ناصر تقوایی، مسعود کیمیایی، امیر نادری و بعدتر بهروز افخمی، مرحوم کیومرث پوراحمد، فرزاد مؤتمن و... کارگردان‌هایی هستند که در نمای بیرونی خود نیز شهره به ارتباط با کتاب بوده و هستند. البته گرایش به اقتباس در سینمای دفاع مقدس، نه مطلوب اما بهتر از دیگر گونه‌هاست چرا که در اینجا، حمایت‌های ارگانی وجود دارد. مثلاً در همین دو سال گذشته

بیشتر از ۱۰ عنوان از فیلم‌های قابل قبول در گرایش دفاع مقدس، اقتباس از دستمایه‌های مرتبط با جنگ بوده است؛ وضعیتی که تا حدودی رونق دهه ۶۰ را تداعی می‌کند. با این حال هنوز بسیاری از موضوعات مختلف از خبری گرفته تا داستانی و پژوهشی در این زمینه وجود دارد که در صورت اهتمام قوی‌تر نهادهای فیلمسازان، بحران و کمبود ایده، سوز و داستان‌های بکرو تازه در سینما برطرف می‌شود. خلاصه این‌که وقتی همه بر کمبود فیلم‌نامه خوب تأکید دارند

اصلی‌ترین دلیل تنزل سینما را سناریو معرفی می‌کنند، تنها راه برون‌رفت از این ضعف مفرط، گرایش به اقتباس از دستمایه‌های ادبی و تاریخ شفاهی است.



مهدی سادات منتقد سینما

داشتند و در همین آثار، تقریباً اجماع نظر وجود داشت.

اهمیت لحظه کلیدی در وفاداری به زبان سینما

خیراندیش با اشاره به این‌که شخصاً تجربه گسترده‌ای در حوزه فیلم کوتاه ندارد و بیشتر در عرصه آثار بلند داستانی فعالیت داشته است، اظهار داشت: در فیلم کوتاه آن لحظه کلیدی یا همان «بیت» موجود در ایده، اهمیت ویژه‌ای دارد. نقطه چرخش داستانی که مانند قند در ذهن مخاطب بنشیند و اثر بگذارد، جای بروز و ظهورش در قالب فیلم کوتاه است. البته این کار دشواری‌های خاص خود را دارد اما آثاری که از چنین ویژگی‌ای برخوردار بودند به خوبی درخشیدند. وی در ادامه به ضرورت بهره‌گیری صحیح از زبان سینما تأکید کرد و افزود: نکته مهم این است که فیلمسازان جوان واقعاً سینما بسازند. به عبارتی نباید صرفاً به شعار یا روایت‌هایی که فرم سینمایی ندارند اکتفا کنند. باید ببینند ایده‌ای که در اختیار دارند، چگونه می‌تواند از دل ابزارهای سینمایی و با بهره‌گیری از فرم مناسب، به بهترین شیوه ارائه شود. اگر به این دو نکته توجه کنند، سطح آثارشان ارتقا خواهد یافت.

مضامین پرتکرار؛ از فرزندآوری تا امیدآفرینی

او با تأکید بر توجه فیلمسازان به برخی موضوعات اجتماعی و فرهنگی در آثارشان بیان کرد: فرزندآوری از جمله مواردی بود که به‌وضوح در تعدادی از آثار مشاهده شد. همچنین پرداخت به مسائل مرتبط با معلولین و جانبازان نیز در چند فیلم مورد توجه قرار گرفته بود. خیراندیش در ادامه افزود: از دیگر مفاهیمی که در آثار امسال نمود داشت، مسأله امید و امیدآفرینی بود که به‌نظر می‌رسد حضور پررنگ و قابل توجهی در میان فیلم‌های جشنواره داشت.

همین امروز شروع کنید

خیراندیش در پایان سخنان خود توصیه‌ای مهم و کلیدی به فیلمسازان جوان و نوپا ارائه داد و با تأکید بر اصل «شروع کردن» گفت: بدترین فیلمی که امروز ساخت آن آغاز شده باشد، از بهترین فیلمی که فردا قرار است شروع شود ارزشمندتر است. آنچه اهمیت دارد، آغاز مسیر است. بنابراین کسانی که امروز ساخت فیلم خود را آغاز می‌کنند، مسیر بهتری را نسبت به کسانی که در انتظار شروعی ایده‌آل در آینده‌اند در پیش گرفته‌اند.



آیین اختتامیه چهارمین جشنواره بین‌المللی برنامه‌های رادیویی پژواک، امروز با اجرای پیمان طالبی برگزار می‌شود.

به گزارش ستاد خبری این جشنواره، مراسم با حضور دکتر پیمان جبلی رئیس سازمان صداوسیما، علی بخشی‌زاده معاون صدای رسانه ملی و حمیدرضا افتخاری دبیر جشنواره، همراه با مدیران، هنرمندان

اختتامیه جشنواره پژواک برگزار می‌شود

جشنواره پژواک به ایستگاه پایانی نزدیک می‌شود

ستاره‌های پژواک در آسمان رادیو

شهید آقای سیدصادق و خانم لیلاسادات موسوی و حاج‌مرتضی دستاویز، از فرماندهان و مدافعان حرم و همین‌طور نیروهای حزب‌الله و نیروهای سوری به بیان ویژگی‌های شخصیتی ایشان پرداختند.

این مستندساز با اشاره به برگزاری جشنواره پژواک در سال‌های اخیر، تصریح کرد: پژواک به تلاش برنامه‌سازان برای یافتن سوزه‌های تازه با معرفی افراد و اقدامات تأثیرگذاری منجر شده به ارتقای سطح کیفی برنامه‌ها و توجه به جزئیات و مسائل فنی آنها، کمک قابل توجهی کرده است؛ ضمن این‌که شرکت در جشنواره، فرصتی ارزشمند برای ارزیابی برنامه‌سازان فراهم کرده تا بتوانند فعالیت خود را محک بزنند. اگرچه این رقابت اهمیت زیادی برای همه ما دارد اما امیدوارم بیش از هر چیزی، ساخت برنامه آقاسید، فرصتی برای معرفی یکی از قهرمانان ناشناخته کشور فراهم کرده باشد و به کسانی که گمنام در زمین و خوشنام در آسمانند، ادای دین کرده باشیم.

مسابقه «پیشه‌کا» در جشنواره

مهدی اوشیب‌نناج از مرکز مازندران تاکید کرد: در مسابقه «پیشه‌کا» چهار نفر شرکت‌کننده با یکدیگر رقابت می‌کنند و این مسابقه با هدف معرفی ظرفیت‌های استان در راستای ایجاد اشتغال تهیه می‌شود. وی ادامه داد: هدف نهایی این برنامه شناسایی و معرفی ظرفیت‌های استان در راستای ایجاد اشتغال، انتقال پیام‌های مشاغل حساس مانند آتش‌نشانی، اورژانس، محیط‌بانی، جنگلبانی و... به اقشار مختلف جامعه، آشنایی با شیوه‌های دریافت مجوز و مدارک از اداراتی مثل فنی حرفه‌ای، ثبت‌احوال، ثبت اسناد و... است. طراحی سوالات دوگزینه‌ای این امکان را به برنامه‌ساز می‌دهد تا در قالب سؤال و جواب، بسیاری از زوایای پنهان شغل مورد نظر آشکار شود. حضور کارشناس در برنامه و طرح سؤال تشریحی، امکان بیان انواع تکنیک‌ها و روش‌ها را فراهم می‌کند. اجرای نمایش توسط شرکت‌کننده‌ها فرصتی است تا کارکنان مشاغل، چالش‌های شغل خود را بیان کنند. این برنامه ساز تصریح کرد: بخش ایران‌شناسی و مازندران‌شناسی به‌عنوان دو بخش عمومی و برای ایجاد جذابیت بیشتر در مسابقه گنجانده شده که در راستای معرفی ایران و استان و توجه به شخصیت‌ها، قهرمان‌ها، گردشگری و... مؤثر واقع می‌شود. همچنین توجه به جشنواره‌هایی که با محوریت انواع محصولات تولیدی استان برگزار می‌شود، یکی از اهداف برنامه است.

پرداختن به وقایع تقویم در برنامه، از امروز»

زهره سربازی نامزد دریافت جایزه

سلامت با برنامه «از امروز» گفت:

به دلیل دو سال کسب رتبه اول در بخش مستند جشنواره پژواک،

امسال با پیشنهاد و برنامه‌ریزی شبکه رادیویی ایران، قالب مجله رادیویی را برای شرکت در جشنواره انتخاب کردم. وی عنوان کرد: برنامه رادیویی از امروز در قالب مجله‌ای رادیویی طراحی شده است. طراحی این برنامه با همکاری آقای سید موسوی جزایری، مشاور شبکه رادیویی ایران انجام شده که من افتخار شاگردی او را دارم. از امروز به وقایع تقویمی می‌پردازد و این قسمت از برنامه به‌مناسبت روز ملی اورژانس ساخته شده؛ روزی که برای نخستین بار در سال ۱۴۰۳ به‌طور رسمی در تقویم کشور به نام این سازمان ثبت شده است. سربازی ادامه داد: مجری برنامه، سیدحامد نجم‌الهدی است که در تولید این قسمت همکاری بسیار خوبی داشت. در این برنامه، دکتر جعفر میعادفر، رئیس سازمان اورژانس کشور، مهمان ما بودند.

و اهالی رسانه در سالن همایش‌های صداوسیما برگزار خواهد شد. این جشنواره که به معرفی و تقدیر از بهترین برنامه‌های رادیویی می‌پردازد تلاش دارد به ارتقای سطح کیفی تولیدات رادیویی و تقویت جایگاه رسانه در جامعه کمک کند.

در این مراسم، برندگان در رشته‌های مختلف اعلام و از آنها تقدیر به‌عمل خواهد آمد.

برنامه شامل بخش‌ها و آیتیم‌های متنوع و ویژه‌ای درباره اورژانس کشور بود و هدف از ساخت این برنامه، توجه به سلامت کشور، معرفی سازمان اورژانس و پرداختن به چالش‌های پیش‌روی آن بود. سربازی خاطرنشان کرد: به نظر من، جشنواره رادیویی پژواک، حس پویایی و انگیزه را در میان همکاران زنده می‌کند. همکاران در این مسیر با همکاری و همدلی به یکدیگر کمک می‌کنند تا برنامه‌هایی بهتر و حرفه‌ای‌تر به جشنواره ارائه شود و این روحیه همراهی، بسیار ارزشمند و زیباست. در روند تولید برنامه برای جشنواره پژواک، ساختارها و موضوعات مهم دوباره مرور می‌شوند. در نهایت در مراسم اختتامیه، رادیویی‌ها دور هم جمع می‌شوند.

«میدان مادر»، متکی بر پژوهش رادیویی

محبوبه نجفعلی، نامزد دریافت جایزه ویژه پژوهش برنامه «میدان مادر» گفت: رهبر معظم انقلاب به موضوع فرزندآوری تاکید بسیاری کردند. در سال‌های اخیر این موضوع بجد دنبال می‌شود و نهادهای دولتی و غیردولتی در این حوزه به دنبال راهکار هستند. سازمان صداوسیما هم از این قاعده مستثنی نیست و با بهره‌گرفتن از ابزارهای رسانه و با پشتوانه تحقیق و پژوهش وارد عمل شده است.

وی ادامه داد: برنامه میدان مادر هم یکی از چند برنامه‌ای است که در فهرست برنامه‌های تحولی سازمان تولید شده است. این برنامه خانواده‌محور به تهیه‌کنندگی مینا نیکانیک است و با ساختار جدید و با بهره بردن از ساختار ترکیبی، اعم از نمایش، بسته‌های صوتی، گزارش میدانی و گفت‌وگو با کارشناسان، از شهریور ۱۴۰۳ روی آنتن رادیو تهران است. من کنار تهیه‌کننده برنامه حضور دارم و تلاش می‌کنیم بهترین کار را ارائه بدهیم. این برنامه‌ساز گفت: این برنامه با بهره بردن از نظرات کارشناسی اهل فن و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف طراحی و پخش می‌شود.

یکی از مباحث مورد توجه در طول برنامه‌سازی میدان مادر، جمعیت و فرزندآوری بوده که با دو هدف آگاهی‌بخشی و امیدآفرینی تولید می‌شود. در برنامه میدان مادر با تکیه بر شیوه‌های مختلف پژوهشی سرفصل‌های کاربردی ویژه خانواده‌ها را طراحی کردیم و به موضوعاتی همچون جمعیت از منظر روان‌شناسی، اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی کاهش جمعیت، سیاسی و خطرات کاهش جمعیت از منظر دفاعی و نظامی، کاهش جمعیت و آسیب‌های روانی و عاطفی در بستر جامعه، خانواده و... می‌پردازیم. این پژوهشگر برنامه‌های رادیویی، گفت: «پژوهش» به‌عنوان قلب تپنده برنامه‌سازی رادیویی، نقشی حیاتی در تولید محتوای هدفمند، جذاب و مؤثر ایفا می‌کند. پژوهش، اطلاعات ارزشمندی در مورد جمعیت‌شناسی مخاطب، الگوهای مصرف رسانه‌ای، نگرش‌ها، ارزش‌ها و دغدغه‌های آنها فراهم می‌آورد.

این اطلاعات به برنامه‌سازان کمک می‌کند تا برنامه‌هایی را طراحی و تولید کنند که با نیازهای واقعی مخاطبان همخوانی داشته باشد. علاوه بر این، پژوهش به رادیو کمک می‌کند تا در دنیای پرقاب‌ت رسانه‌ای، جایگاه خود را حفظ کرده و مخاطبان را به خود جذب کند. از سوی دیگر برگزاری جشنواره پژواک گام مؤثری در بالا بردن ارتقای برنامه‌سازی است و منجر به افزایش انگیزه در میان برنامه‌سازان می‌شود. نجفعلی که برای اولین بار در جشنواره رادیویی پژواک شرکت کرده، گفت: این اولین حضور تجربه من در جشنواره پژواک است. داشتن دغدغه پژوهشی و برنامه‌سازی خیلی مهم است و ما در برنامه خانواده‌محوری همچون میدان مادر به این موضوع خیلی توجه داریم.

اجرای این مراسم برعهده پیمان طالبی، مجری شناخته‌شده رادیو و تلویزیون خواهد بود که در حوزه‌های مختلف فرهنگی، هنری و اجتماعی سابقه درخشانی دارد.

انتظار می‌رود این مراسم با شکوه و حضور پرشور مهمانان فرصتی مناسب برای تبادل نظر و تجربه‌های موفق در عرصه رسانه تبدیل شود.



«هوسه سبز»، تجربه پس از مرگ

سهیلا رهگشای با برنامه «هوسه سبز» از مرکز آبادان گفت: مستند «هوسه سبز» درخصوص محمد پسر بچه ۱۲ ساله‌ای است که در اثر بیماری، مرگ را تجربه می‌کند و سپس به زندگی برمی‌گردد... اتفاقی که منجر به زندگی دوباره برای یک انسان شده بود، برای من بسیار قابل‌توجه بود و من را بر آن داشت مستندی از این موضوع بسازم که این جریان را برای مخاطبان بیشتری روایت کنم.

این مستندساز آبادانی افزود: هدف من از ساخت این مستند در جشنواره پژواک، رقابت و هم‌اندیشی در سطح کشوری با دیگر مستندسازان، یادگیری، دریافت تجارب اساتید و مستندسازان برجسته و پیدا کردن بستری برای مخاطبان بیشتر بود که اتفاقی با این سوزه روبه‌رو شدم و پس از تحقیقات لازم، این اثر را ساختم. رهگشای در دوره دوم جشنواره پژواک در بخش تهیه‌کننده محیط‌زیست، عنوان تهیه‌کننده برتر را دریافت کرده بود.

پرداخت به موضوع انقلاب

یلدا احتشامی، نامزد دریافت جایزه گفت: مستندم در دو بخش نامزد شده؛ یکی بخش ساختاری و یکی هم در بخش جهاد تبیین و هدایت فرهنگی. به‌طور کلی جهاد تبیین به معنی روشنگری بر مبنای کار علمی و تحقیقی در جهت مقابله با دشمن و آسیب‌هایی که می‌خواهد به انقلاب اسلامی وارد کند. بنابراین ما به‌عنوان یک رسانه وظیفه داریم در این میدان نقش مؤثری داشته باشیم. اولین بار این اصطلاح را رهبر معظم انقلاب گفتند و به تبیین و بررسی آن پرداختند.

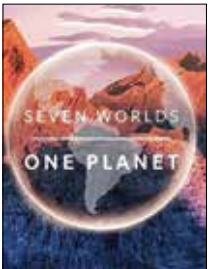
احتشامی درخصوص مستند «جمعه سیاه» توضیح داد: این مستند به واقعهای می‌پردازد که منجر به انقلاب اسلامی شده است. البته به واقعه پیش از انقلاب ۱۷ شهریور می‌پردازد و آثار موسیقایی در راستای هدایت این اتفاق تولید شده و ما در این اثر به بررسی قطعات مختلف می‌پردازیم. بررسی اتفاقاتی که منجر به انقلاب شده برایم شخصا جذابیت داشت، به همین دلیل روی این موضوع تحقیق و کار کردم؛ ضمن این‌که تلاش قشرهای مختلف در آن مقطع زمانی از افراد هنری گرفته تا سیاسی برایم جالب بود، به همین دلیل نام مستند را هم «جمعه سیاه» گذاشتم.

احتشامی به هدف جشنواره پژواک اشاره کرد و افزود: به‌نظرم رقابت خیلی خوبی میان همکاران رادیو شکل گرفته و باعث پیشرفت، رقابت سالم و ارتقای سطح برنامه‌سازی هریک از برنامه‌سازان شده است. از سوی دیگر مهم‌ترین هدف این جشنواره گردهمایی رادیویی بین بچه‌ها و ارتقای سطح برنامه‌سازی و مستندسازی است.



داستان خانواده‌ای منسجم در «چسب زخم»

مجموعه چسب زخم که از شبکه‌های آموزش و سلامت سیما پخش می‌شود، به مسائل نوجوانان و جوانان می‌پردازد. داستان این سریال حول محور خانواده‌ای می‌چرخد که در برابر زخم‌های زندگی برای رشد و شکوفایی در کنار یکدیگر قرار دارند. چسب زخم یکی از آثار مجید پرکار است که پیش از این سریال‌هایی چون «منم دوست دارم» و «وجدان درد» را ساخته است. مجید پرکار، کارگردان این مجموعه با حضور در استودیوی شبکه خبر گفت: همان‌طور که از نام این مجموعه پیداست، زخم‌هایی در جامعه وجود دارد و ما سعی کردیم در حوزه سلامت روان به آن نگاه کرده و آگاهی‌بخشی کنیم. وی درباره چگونگی شکل‌گیری این مجموعه هم گفت: موضوعات پرکار چالشی استخراج شد. نگارش آن را آغاز و طرح موضوع کردیم. در نقاط همدات‌پندارانه، با زبان طنز و شوخی، زخم‌ها را نشان داده و مرحله به مرحله آنها را باز کردیم.



«هفت جهان یک سیاره» در قاب شبکه تهران

مستند جذاب و تماشایی «هفت جهان یک سیاره» از ۲۱ اردیبهشت ساعت ۲۱:۴۰ روی آنتن شبکه تهران رفت. این مستند محصول ۲۰۱۹ آمریکا است که توسط دیوید انتیبر، کارگردانی شده و به بررسی نقش قاره‌ها در زندگی حیوانات می‌پردازد. دیوید انتیبر در این مستند سریالی، سفری از عمیق‌ترین مناطق آفریقاتا دریاهای اطراف قطب جنوب را به‌تصویر می‌کشد و مخاطبان را از دیدگاهی جدید با حیات وحش آشنا می‌کند. در جریان این مجموعه، چالش‌های بزرگی که حیوانات در دنیای تحت سلطه انسان‌ها با آن مواجه هستند، به نمایش گذاشته می‌شود. مخاطبان در این مستند حیرت‌انگیز شاهد سفری شگفت‌انگیز در قاره‌های مختلف از جمله جنوبگان، آسیا، آمریکای جنوبی، آمریکای شمالی، آفریقا، اروپا و استرالیا خواهند بود. مستند هفت جهان یک سیاره در هفت قسمت ۴۵ دقیقه‌ای روزهای فرد از شبکه تهران پخش می‌شود. این مستند تجربه‌ای آموزنده و هیجان‌انگیز پیرامون حیات وحش خواهد بود.

تشخیص ژن گیایی توسط «جناب‌خان»

شخصیت عروسکی جناب‌خان در برنامه «هزارویک» از شبکه نسیم موفق به تشخیص ژن محسن گیایی، مجری این برنامه شد. این برنامه که به بحث وراثت و ژنتیک اختصاص داشت، میزبان پوریا شکیبایی، فرزند زنده‌یاد شکیبایی بود و جناب‌خان عروسک برنامه، شوخی‌هایی هم با مجری برنامه داشت.



بازدید از نخستین سریال مرکز سیمرغ در حوزه فرزندآوری

مدیران مرکز سیمرغ سازمان صداوسیما با حضور در پشت صحنه مجموعه داستانی «روایای ریحانه»، از تولید و مراحل ساخت این سریال آگاه شدند.
دراین بازدید مجید اکبرشاهی، مدیر مرکز سیمرغ و سجاد بهمن آبادی، مدیر خانه تولیدات جوان این مرکز، به همراه جمعی از مدیران ستادی، ضمن دیدار با عوامل تولید، از نزدیک در جریان مراحل ساخت این مجموعه قرار گرفتند.
مدیرمرکز سیمرغ

با اشاره به اهمیت محتوایی این مجموعه، «روایای ریحانه» را نخستین سریال مرکز سیمرغ در حوزه فرزندآوری خواند و اظهار داشت: این مجموعه با هدف تبیین مفاد سند تحول سازمان صداوسیما و در راستای سیاست های کلی جمعیتی کشور در حال تولید است و نمونه ای موفق از تحقق رویکردهای جدید رسانه ملی محسوب می شود.
احمد نوجوان، تهیه کننده این سریال نیز در جریان این

رئیس مرکز ارتباطات و رسانه آستان قدس رضوی از تولید یک برنامه نخبگانی می گوید

قاب فاخر سیمادر مدرسه میرزا جعفر



نازلی مروت گروه رسانه

برنامه تلویزیونی «دارالعلم» یک برنامه گفت وگوومحور است که در ۱۹ قسمت تهیه شده و از شنبه تا چهارشنبه ساعت ۲۱ از شبکه چهار سیما پخش می شود. این برنامه تلویزیونی که با هدف شناخت و نشر سیره عالم آل محمد(ع) به همت مرکز ارتباطات و رسانه آستان قدس رضوی تولید شده، در هر قسمت میزبان یکی از اندیشمندان و عالمان دینی است. سلسله مباحثی که در این برنامه تقدیم نگاه مخاطب می شود، برگرفته از یک برنامه علمی است که تحت عنوان «مدرسه تابستانه دارالعلم» کار خود را آغاز کرد و به عنوان یک پیوست رسانه ای طراحی شد. این برنامه گفت وگومحور که مخاطبان آن جامعه نخبگان هستند تلاش کرده به مسائل مهمی که در حیطه اندیشه اسلامی که مورد توجه کارشناسان است، بپردازد.

دو قسمت نهایی این برنامه پس از پایان ویژه برنامه نمایشگاه کتاب تهران، روی آنتن شبکه چهار خواهد رفت. محسن هوشمند، رئیس مرکز ارتباطات و رسانه آستان قدس رضوی درگفت وگو با «جام جم» ضمن تشریح چگونگی احیای مدرسه علمیه حرم مطهر رضوی از ساخت و تولید این برنامه تلویزیونی گفته است.

[۱] داستان شکل گیری مدرسه علمیه تابستانه دارالعلم چه بود؟

ماجرای ساخت برنامه دارالعلم از کنار هم قرار دادن چند پازل که به تاریخ حرم رضوی گره خورده برمی گردد. شاید برای مخاطب جالب باشد که بدانند دارالعلم محصول یک ایده آموزشی برای تقویت و فعال کردن مجدد مدارس علمیه حرم

مطهر رضوی است.

دارالعلم تلاشی است برای نقش آفرینی و پاسخگویی متولیان امر دین درشعاع علمی عالم آل محمد(ع). با عنایت به این بعد از شخصیت امام رضا(ع) و نقش آفرینی مدارس علمیه حرم مطهر رضوی، از تابستان ۱۴۰۲ توافقی بین حوزه علمیه مشهدوآستان قدس رضوی صورت گرفت تا طلاب نخبه سطح ۴ و اساتید برجسته حوزوی با حضور در مدرسه علمیه میرزاجعفر واقع در حرم مطهر امام رضا(ع) فرصت حضور در یک اعتکاف علمی را به دست آورند. مدرسه تابستانه دارالعلم در قالب سه مدرسه علمی از جمله مدرسه فقه و اصول، مدرسه کلام و فلسفه و مدرسه ادبیات و تفسیر فعالیت می کند. در این مدرسه

نشست های علمی و کرسی مناظره نیز برگزار می شود. در دومین سال رویداد علمی مدرسه تابستانه دارالعلم، فرصتی دست داد تا به تولید برنامه دارالعلم بپردازیم. **[۲] استفاده از فضای مدرسه میرزاجعفر نوعی سفر به دل تاریخ با چاشنی اندیشه اسلامی است. چرا برنامه در این لوکیشن ضبط شده است؟**

بله، همین طور است. آغاز تدریس دوباره علوم دینی در این مدرسه موجب شد جرقه تولید یک برنامه گفت وگومحور زده شده و برنامه دارالعلم در همان محیط تاریخی ضبط شود. حضور در یافت تاریخی مدرسه میرزاجعفر و صحن عتیق یکی دیگر از جذابیت های این برنامه است. با استفاده از این فضا تلاش کردیم بینندگان نیز از موهبت فضای حرم بهره ببرند. استفاده از این فضا علاوه بر سیر و سفر در تاریخ و زیبایی معماری بنای مدرسه، از نظر معنوی نیز برای مخاطب قابل توجه است؛ مسأله ای که باعث افزایش جذابیت بصری برای مخاطب

می شود. توضیحی درباره گذشته مدرسه بدهم. مدرسه میرزاجعفر در حرم امام رضا(ع) از مدارس علمیه دوره صفویه است که در سال ۱۰۵۹ قمری توسط دو برادر به نام های میرزامحمد طاهر مشهور به «وزیرخان» و میرزا محمدجعفر مشهور به «سروقد» ساخته شد. میرزاجعفر که از تجار آن زمان بود، اموال و مستغلات بسیاری وقف مدرسه علمیه کرد و از همین روی مدرسه به نام او ماندگار شد. این بنای ۴۰ساله محل تحصیل و تدریس عالمان بسیاری بوده است. تلفیق این مدرسه با مدرسه خیرات خان که دراختیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی قرار گرفت موجب رونق تدریس و تحقیق پیرامون علوم اسلامی در حرم رضوی شد.

برش

معماری تاریخی مدرسه به ماکمک کرد

محسن هوشمند درباره اقدامات انجام شده برای ایجاد فضای زنده و مخاطب پسند در تولید و تدوین برنامه گفت: مخاطب برنامه، جامعه نخبگان، طلاب، دانشجویان و علاقه مندان علوم اسلامی است. حضور اساتید مطرح، صاحب نظریه و اندیشه یکی از مهم ترین دلایلی است که مخاطب برنامه را جذب می کند. همان طور که بیان شد، استفاده از فضای تاریخی و معنوی مدرسه میرزاجعفر و حرم مطهر رضوی جاذبه بصری و معنوی دارالعلم است. هوشمند افزود: چون برنامه در شب ضبط می شود باید از نورپردازی و فنون تصویربرداری برای زیباتر دیده شدن فضا استفاده کنیم. دوستان ما در تیم کارگردانی تلاش خود را برای بهینه سازی فضا انجام دادند.

واقعیت این است که با توجه به فضا، قالب، مخاطب و سایر ویژگی های برنامه باید برخی از ملاحظات را درنظر می گرفتیم. به همین دلیل، تیم کارگردانی برای ایجاد جذابیت از نور، رنگ، صدا و تصاویر ویژه استفاده کردند تا مخاطب حین مشاهده برنامه خسته نشود. ملاف فضای معماری تاریخی مدرسه دراین مورد خیلی به ماکمک کرد. همچنین برای نمایش بیشتر زیبایی های معماری مدارس علمیه حرم مطهر مانند مدرسه دودرب و پریزاد، از تصاویر آنها در تیتراژ ابتدایی و پایانی برنامه استفاده کردیم تا مخاطب با فضای مدارس مختلفی که در طول تاریخ محل دانش اندوزی عالمان بوده اند آشنا شود. بخش دیگری از کار، نمایش پلان هایی از کلاس درس طلاب در مدرسه بود تا ملموس تر باشد. وی گفت: ان شاءالله برای فصل بعدی برنامه از لوکیشن های متعدد و بکر و خوبی که در حرم وجود دارد بهره خواهیم برد و با برنامه ریزی دقیق تر، از حضور اساتید استفاده خواهیم کرد.



بازدید ضمن تشکر از همراهی و حمایت مدیران گفت: رویای ریحانه تلاش دارد با به تصویرکشیدن برکات و زیبایی های تولد نوزاد و فرزندآوری، انگیزه سازی فرهنگی در جامعه ایجاد کند. وی ادامه داد: این سریال کاری از خانه تولیدات جوان مرکز سیمرغ است که با مشارکت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در دوفصل، به کارگردانی مسعود دهنوی و میثم حسن زاده تولید می شود.

یادداشت

یدالله گودرزی |مدیر گروه فرهنگ و تمدن شبکه رادیویی ایران

نویسنده‌گی با صدای بلند

از ابتدا به عنوان نویسنده وارد رادیو شدم و از آنجا که نویسنده‌ گی دغدغه من بوده، همیشه در حوزه پژوهش و کارهای هنری قلم فرسایی کرده‌ام. سال‌ها در رادیو و همچنین تلویزیون کار نوشتن را ادامه دادم و همواره درصدد افزایش کیفیت کار بوده‌ام.

کلامی که در برنامه‌های دیداری و شنیداری به کار برده می‌شود درواقع حاصل طراحی و کار نویسنده است. زیرا بدون متن، برنامه مفهوم و پیامی دربر نخواهد داشت و می‌توان این گونه گفت که نویسنده‌گی زیرساخت تمام برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی است. حال هرقدر این بن‌مایه بهتر باشد، نتیجه کار، برنامه بهتری خواهد بود.

تجربه سال‌های اخیر در حوزه آموزش را که مدتی بود در حال نوشتنش بودم، با پیشنهاد جشنواره پژواک به صورت یک کتاب به اتمام رساندم و با توجه به موضوعات حوزه رسانه و فناوری، مانند هوش مصنوعی سعی کردم بحثی را نیز در این رابطه در کتاب بگنجانم. برای نامگذاری کتاب نیز از هوش مصنوعی کمک گرفتم و اسم کتاب «نویسنده‌گی با صدای بلند؛ راهکارهای نوشتن برای رسانه و رادیو» ست.

این کتاب راهگشای کسانی است که می‌خواهند برای رسانه نویسنده‌گی کنند. در بخش‌هایی از کتاب به رسانه‌های جدید پرداخته‌ام و به کسانی که می‌خواهند در فضای مجازی نویسنده‌گی کنند حتی در نرم افزارها و کارافزارهایی مثل اینستاگرام، تلگرام، بله و جاهای مختلف در حد مختصر ویژگی‌های هر کدام از قالب‌ها را توضیح دادم.

کتاب «نویسنده‌گی با صدای بلند؛ راهکارهای نوشتن برای رسانه و رادیو» ابواب و فصل‌های مختلفی دارد که بعضی قسمت‌های آن جالب است. البته اصلی‌ترین بخش آن به نویسنده‌گی رادیو اختصاص دارد؛ از سابقه نوشتن یا این‌که چه الزاماتی باید در متن رادیویی وجود داشته باشد. همچنین سفارش نوشته و حتی گرافیک نوشته چگونه باید باشد که گوینده این را درست بخواند. نوشته برنامه زنده با برنامه تولیدی تفاوت دارد. در برنامه زنده باید کلمات حتی درشت‌تر نوشته شوند و علامت‌گذاری‌ها مشخص باشد؛ لذا مباحث مختلف این کتاب برای کسانی که عاشق نویسنده‌گی هستند و می‌خواهند در رادیو بنویسند، مفید است.

امسال پنج کتاب از آثار من منتشر شد که یکی از آنها تالیفی بود. چهار کتاب دیگر هم ترجمه است؛ دو کتاب شعر و دو رمان که خوشبختانه به نمایشگاه کتاب هم رسیدند.

البته کتاب نویسنده‌گی با صدای بلند؛ راهکارهای نوشتن برای رسانه و رادیو، در آیین اختتامیه چهارمین دوره جشنواره «پژواک» رونمایی می‌شود. این کتاب را انتشارات سروش، چاپ کرده و به نظرم جشنواره پژواک با چاپ کتاب‌های آموزشی و راهنما، برای مشاغل هنری و مهم رادیو کار خوبی را انجام می‌دهد.

قبلا در حوزه مستندسازی رادیویی کتاب‌هایی منتشر شده. کتاب من نیز در حوزه نویسنده‌گی رادیویی است و امیدوارم در حوزه‌هایی مثل گزارشگری و گوینده‌گی هم کتاب‌هایی منتشر شود. چون مادر این حوزه اثر مکتوب کم داریم.

پنجره

امام رضا(ع) شفایم داد

غلامرضا صنعتگر، خواننده

سرشناس، در برنامه «جعبه سیاه»

شبکه افق سیما خاطره‌ای تأثیرگذار

از بهبود صدایش روایت کرد. او از

زمانی که علیمردانی، مجری، بازیگر

و دوبلور، به او گفته بود «خوب

می‌شوی»، تعریف کرد. روایت

صنعتگر از شفا یافتنش در این

برنامه، جلوه‌ای از نگاه مهربانانه

و کرامت اهل بیت(ع) را به تصویر

می‌کشد و لحظاتی احساسی را برای

بینندگان رقم زد. برنامه جعبه سیاه

با اجرای امیر عسند، این خاطره را در

یکی از قسمت‌های اخیر خود پخش

کرد و مورد توجه مخاطبان قرار گرفت.

سیما

قصه‌ای از مهربانی و همدلی

به مناسبت هفته کتاب، شبکه مستند سیما مستند «همسایه‌های خوب» را روی آنتن می‌برد. این مستند به کارگردانی مهدی بخشی‌مقدم و تهیه‌کنندگی مهدی شامحمدی، با شعار «گاهی آدم حال خوب قرض می‌کند از همسایه خوب» ساخته شده و روایتگر زندگی افراد ساده‌ای است که با رفتار و منش انسانی خود، حال دیگران را خوب می‌کنند و می‌توان آنها را قهرمانان واقعی نامید. همسایه‌های خوب با تمرکز بر ارزش‌های انسانی و روابط همسایگی، مخاطب را به تأمل درباره نقش مثبت افراد در جامعه دعوت می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه مهربانی و همدلی می‌تواند فضای زندگی را برای همه دلپذیرتر سازد. این مستند ۲۳ اردیبهشت ساعت ۲۲:۳۰ از شبکه مستند سیما پخش خواهد شد و فرصتی مناسب برای خانواده‌هاست تا با تماشای آن، با نمونه‌هایی از انسانیت و نوع دوستی در جامعه امروز ایران آشنا شوند. تماشای این مستند می‌تواند الهام‌بخش همدلی و همبستگی بیشتر در میان همسایگان باشد.



ویژه

میزبانی اداره کل روابط عمومی از دانشجویان

اداره کل روابط عمومی صداوسیما به تازگی میزبان تعدادی از دانشجویان دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی بود. این دانشجویان در این بازدید، به تماشای بخش‌هایی از مستند اردوهای راویان پیشرفت پرداختند و پس از



آن از خبرنگاری صداوسیما نیز بازدید کردند. حسین قزایی، مدیرکل روابط عمومی رسانه ملی درگفت وگو صمیمانه با دانشجویان بر اهمیت زیستن ودرک معنای آن تأکید کرد و گفت: کشورمان به شما جوانان امید دارد و تأخیرتان در هر کاری، کشور را به عقب می‌اندازد. وی همچنین افزود: باید حساس و هوشیار باشید و فرصت‌ها را از دست ندهید. در هر حوزه‌ای که فعال هستید، مطمئن باشید روبه‌روزر رشد خواهید کرد. قزایی به اهمیت تعامل رسانه ملی با معلمان جوان نیز اشاره کرد و گفت: رسانه می‌تواند به عرصه آموزش و دستاورد‌های آن ضریب بد‌دهی و تأکید کرد: باید فضایی فراهم شود تا معلمان و رسانه به یکدیگر کمک کنند و با حرکت بهنگام، اهداف خود را دنبال کنند.



وبیدئو

نشست خبری «جایزه بین‌المللی حفظه» با تأکید

بر نقش مقاومت در بیداری وجدان جهانی و انتقال آرمان فلسطین به نسل‌های آینده برگزار شد. دبیرکل این جایزه با اشاره به عملیات اخیر در فلسطین گفت: «حرکتی آغاز شده که معادلات را دگرگون کرده و مقاومت را بازتعریف می‌کند.» او بر ضرورت روایت‌سازی‌های جدید و به‌کارگیری ابزارهای خلاقانه مثل اسباب بازی،

«جایزه حفظه»
تلاشی جهانی برای
فرهنگ‌سازی مقاومت

بازی‌های تربیتی و رسانه‌های نوین برای آموزش مفهوم مقاومت تأکید کرد. سهیل اسعد، مهمان ویژه نشست، با مرور نماد «حفظه» گفت: «حفظه وجدان جمعی مظلومیت و سکوت مقاوم است. این جایزه به دنبال پرورش نسل‌هایی است که با ابزارهای فرهنگی در برابر ظلم ایستادگی کنند.» صادق ذوقن، دبیر علمی جایزه نیز اعلام کرد که آثار فرهنگی در پنج محور اصلی دریافت

سفیر جهانی ریاضی

در گفت‌وگو با دکتر زهرا گویا، ریاضیدان و استاد دانشگاه شهید بهشتی از تاثیرات جهانی مریم میرزاخانی در حوزه علم پرسیدیم



محمدمدحتی
نویسنده روزشگر

۲۲ اردیبهشت ماه، زادروز مریم میرزاخانی از سوی اتحادیه بین‌المللی انجمن‌های ریاضی جهان و با پیشنهاد کمیته بانوان انجمن ریاضی ایران، به عنوان «روز جهانی زن در ریاضیات» نام‌گذاری شده است. همین موضوع بهانه‌ای شد تا با دکتر زهرا گویا، ریاضی‌دان، استاد (بازنشسته) دانشگاه شهید بهشتی و سردبیر (سابق) رشد آموزش ریاضی که مدرك دکترای آموزش ریاضی خود را از ونگکور کانادا دریافت کرده است، به گفت‌وگو



بنشینیم. در گزارش پیش‌رو این‌چهره برجسته آموزش ریاضی در ایران، از مریم میرزاخانی، اثرات جهانی او در حوزه ریاضیات و دغدغه‌های خود درخصوص عدم الگوسازی مناسب از این اسطوره ریاضی گفته است که می‌خوانید.

🗨️ **می‌دانم که خیلی اهل گفت‌وگو با رسانه‌ها نیستید و سیاست‌گزارم که پذیرفتید در ارتباط با خانم مریم میرزاخانی با روزنامه جام‌جم گفت‌وگو کنید.**

به نام خدا و باسلام خدمت شما و همه عزیزانی که این گفت‌وگو را می‌خوانند. اجازه دهید ابتدا عرض کنم که من و شما در گذشته در سازمان پژوهش و

برنامه‌ریزی آموزشی همکار بودیم و به حرمت این همکاری نمی‌توانستم درخواست شما را رد کنم. حالا هم بسیار سیاست‌گزارم که این فرصت را به من دادید تا درباره شادروان مریم میرزاخانی و تأثیرات و نقش و شخصیت الگوساز ایشان برای جوانان جامعه ریاضی، به‌ویژه زنان و دختران در این حوزه چند نکته را با هم مرور کنیم.

فکرمی‌کنم بخشی از تأثیر ماندگار مریم میرزاخانی در ایران و جهان، به‌حرکت‌درآوردن بخش بزرگی از جامعه، به‌ویژه زنان و دختران، در حوزه ریاضیات

برش
+

آشنایی با خالق «قضیه عصای جادویی»

مریم میرزاخانی، ریاضیدان ایرانی و استاد ریاضی در دانشگاه استنفورد در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۶ در تهران متولد شد. موضوعات تحقیقاتی او شامل نظریه تایم‌سولر، هندسه هذلولی، نظریه ارگودیک و هندسه سیمپلیکلیک بود.

او در ۱۳ آگوست ۲۰۱۴ موفق به دریافت مدال فیلدز، معتبرترین جایزه در ریاضیات شده و به عنوان اولین زن و اولین ایرانی برنده این جایزه معرفی شد. کمیته اهداکننده جایزه به کار او در «دینامیک و هندسه سطوح ریمانی و فضا‌های پیمانه‌ای آنها»



این است: «چگونه مریم میرزاخانی الگوی من بوده» این کتاب هیچ ارتباطی با افراد داخل ایران ندارد و نشان دهنده تأثیر جهانی مریم بر جویندگان علم است. هنگام پرواز مریم و جاودانگی‌اش، ادوارد ویتن (Edward Witten)، اولین فیزیک‌دان برنده جایزه فیلدز در ریاضی در سال ۱۹۹۰، نوشت: «کارهای میرزاخانی، فیزیک نظری را دهه‌ها به پیش خواهد برد.»

یکی از ویژگی‌های خاص مریم که از زبان استاد راهنمایش، کورتیس مک‌مولان نقل شده، این بود که در عین کار روی مسائل بسیار پیچیده، شهودی بسیار قوی داشت. این ترکیب شهود و تجرید، معجونی عجیب و منحصره‌فرد در وی ایجاد کرده بود که به چنان دستاوردهای ماندگاری در ریاضی منجر شد.

من به همراه دکتر بینظ طه‌پوری زنگنه در مقاله‌ای مشترک با عنوان «بازگشت مشعل علم به موطن خود» به شجره‌نامه علمی مریم میرزاخانی پرداختیم.

در جامعه ریاضی مرسوم است که شجره‌نامه ریاضی افراد را بررسی می‌کنند تا ببینند به کجا می‌رسد. در این مقاله دریافتیم که شجره‌نامه میرزاخانی به‌خواجه نصیرالدین طوسی می‌رسد و اگر شکاف چندقرنی را برداریم، این اتصال برقرار می‌شود. این اتصال نشان می‌دهد که چگونه مریم میرزاخانی به‌گونه‌ای شگفت‌انگیز در این زنجیره علمی قرار گرفته و آن را به پیش برده و بی‌دلیل نیست که «فخر جامعه ریاضی ایران و جهان» نامیده شده است!

🗨️ **سؤال مهمی که وجود دارد این است که برای مریم میرزاخانی با تمام اهمیتی که برای جامعه ریاضی جهان داشت، در ایران چه کردیم؟ آیا برنامه‌ای جامع برای معرفی ابعاد شخصیتی این چهره علمی ایران و جهان تولید و پخش شد؟**

استاد شفيعی کدکني در شعری که در رثای مریم سرودند، تعبیر زیبایی داشتند:

«شیشه عطری سربسته/ افتاد و شکست/ همگان بر بودند/ که چه چیزی را دادند از دست!»

واقعا سؤالی که همچنان باقی است، این است که ما با میراث ماندگار مریم چه کردیم؟ فقط با هیجان و شعار و برنام‌های

اشاره کرد. میرزاخانی به عنوان یک نیروی پیش‌رو در زمینه‌های هندسه هذلولی، توپولوژی و دینامیک شناخته می‌شد.

او در طول دوران حرفه‌ای خود به نقاط عطفی دست یافت که شهرت او را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ریاضیدانان زمان خود تثبیت کرد، مانند «قضیه عصای جادویی» که زمینه‌هایی مانند سیستم‌های دینامیکی، هندسه و توپولوژی را به هم پیوند می‌داد. میرزاخانی پس از اتمام دوره دکترای خود در دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۰۴، به عنوان پژوهشگر در مؤسسه ریاضیات کلی مشغول به کار شد و بعداً به عنوان استاد به دانشگاه پرینستون پیوست.

در سال ۲۰۰۹ به دانشگاه استنفورد، جایی که تحقیقات پیشگامانه خود را تا زمان

می‌شوند: کتاب، بازی‌های رایانه‌ای، اسباب‌بازی، بسته‌های فعالیت و رسانه‌های خلاق تربیتی. مهلت ارسال آثار تا ۱۷ مرداد بوده و اختتامیه نیمه شهریور برگزار می‌شود. او همچنین از حمایت ویژه از آثار برگزیده و اختصاص ۳۲ هزار یورو جایزه نقدی خبر داد. این رویداد با هدف گسترش گفتمان مقاومت در سطح جهانی برگزار خواهد شد.



با ندانسته، به‌رواج آن دامن می‌زنند. ببینید در مورد ریاضی و یادگیری آن، چه افسانه‌ها که نساخته‌اند! از نابغه‌های نوظهور که به‌کمک انواع چرتکه در دنیا اول شده‌اند تا مسابقه و تبلیغ و افزایش سرعت یادگیری ریاضی! دامن‌زدن به این توهمات، روز به‌روز ریاضی مدرسه‌ای را بیشتر ناتوان می‌کند.

یادم می‌آید طی سال‌هایی که سردبیر مجله رشد آموزش ریاضی بودم، سه مقاله درباره چرتکه‌های تازه‌ورود چاپ کردم که یکی از آنها عنوانش بود: «در هم از این باغ، بری (چرتکه‌ای می‌رسد)» در آن زمان، تبلیغات وسیعی برای دوره‌هایی با چرتکه مالایی (مالزیایی)، چرتکه چینی، یا چرتکه ژاپنی انجام شد که واقعا ربطی به ریاضی نداشته و ندارند و تنها برای ایجاد نوعی مهارت محاسباتی و سرعت از آنها استفاده می‌شود.

بعد که تب‌وتاب مردم فرونشست و مؤسسه‌های مربوطه مشترتی‌های خود را جذب کردند، ابزار دیگری به‌عنوان شتاب‌دهنده یادگیری ریاضی به جامعه معرفی شد و این داستان ادامه دارد چون بسیار سودآور است، ولی ربطی به ریاضی واقعی ندارد. مثلاً دختری دده‌وزده ساله و عمدتاً از مناطق محروم مثل سیستان و بلوچستان، در مسابقه‌ای با چرتکه «اول» می‌شود می‌شود و این‌فرد «ریاضی‌دان نابغه» نامیده می‌شود. در صورتی که این‌ها مهارت‌های کوتاه‌مدت هستند و تنها هیجان کاذب ایجاد می‌کنند. خانواده‌ها هم به اشتباه فکر می‌کنند این‌ها ریاضیات است، درحالی‌که از نظر من، مصداق روشن «شبه‌ریاضی» هستند. این خطر بزرگی است. ما نباید این شبه‌علم‌ها را به عنوان تداوم راه مریم میرزاخانی جا بزنیم. برای حفظ میراث مریم میرزاخانی و هموارکردن راه او، باید کارهای جدی و اصیل برای ریاضی در مدرسه و دانشگاه انجام دهیم.

🗨️ **از شما برای شرکت در این گفت‌وگو بسیار سپاسگزاریم؛ صحبت‌های شما واقعا الهام‌بخش بود. امیدواریم جامعه ما بتواند با الهام از این ایده‌ها، راه مریم میرزاخانی را بهتر از قبل ادامه دهد. به‌نظر شما برای ادامه راه مریم چه کارهایی باید انجام دهیم؟**

از نگاه من، برای تداوم راه مریم میرزاخانی، باید چند کار اساسی انجام دهیم. اول، بنیاد مریم میرزاخانی را تقویت، نیازهایش را شناسایی و عملکردش را ارزیابی کنیم. دوم، موانع پیش روی زنان و دختران را برداریم تا بستری برابر برای رشدشان فراهم شود. سوم، با شبه‌علم‌ها مبارزه کنیم و آموزش اصیل ریاضی را ترویج دهیم. رسانه‌ها باید در این زمینه مسئولیت‌پذیر باشند و به‌جای تبلیغ شبه‌علم، روش و منش علمی و دستاوردهای بزرگانی چون میرزاخانی را معرفی کنند. در نهایت، باید الگوهای واقعی مثل میرزاخانی و چرایی الگوشدن آنها را برجسته کنیم، نه با شعار، بلکه با کار عملی و برنامه‌های دقیق. این همان چیزی است که مریم میرزاخانی را به الگویی جهانی تبدیل کرد: اصالت، انسایت و کار عمیق.



باید الگوهای واقعی مثل مریم میرزاخانی و چرایی الگوشدن آنها نه با شعار، بلکه با کار عملی و برنامه‌های دقیق برجسته کنیم . این همان چیزی است که مریم میرزاخانی را به الگویی جهانی تبدیل کرد

در ریاضی، بسترسازی مناسب انجام شود و موانع فرهنگی و اجتماعی رشد و بالندگی زنان و دختران، برداشته شود. نمی‌گویم الان چنین است، عرض کردم نگرانی‌ام این است! مریم میرزاخانی که در جهان درخشید، به‌خاطر شایستگی‌هایش درخشید، نه به‌خاطر جنسیتش. حرف من این بود که نفس جایزه ارزشمند است اما نباید به‌گونه‌ای باشد که این پیام را منتقل کند که زنان ناتوان‌تر

از مردان هستند و به حمایت ویژه نیاز دارند تا دیده شوند.

همین حالا هم اگر به مدارس و آموزش عالی نگاه کنیم، باید بی‌رسیم چه‌کردیم تا این میراث را حفظ کنیم؟ یکی از مهم‌ترین مسائل، موانعی است که بر سر راه زنان و دختران وجود دارد. توانایی به‌تنهایی کافی نیست؛ باید کاری کنیم تا زنان و دختران بتوانند به اندازه لیاقت‌شان رشد کنند و جایگاه خود را در جامعه پیدا کنند.

نگاه شمولیت و مساوات و دختران و پسران، شرط لازم برای موفقیت هردو است. از نظر من، تا این بستر فراهم نشود، اتفاق مهمی برای دختران نمی‌افتد. فکر می‌کنم یکی از کارهای کلیدی که لازم است انجام دهیم، رفع این موانع است تا زنان و دختران، نه‌تنها تشویق شوند، بلکه قابلیت‌ها و شوق درونی‌شان با نبود موانع به فعل درآید.

🗨️ **شمارد جای دیگری درخصوص شبه‌علم صحبت کرده‌اید؛ حال‌که صحبت از اصالت در ریاضی و یک ریاضی‌دان نابغه و اصیل است، لطفاً در این خصوص هم برای‌مان بگویید.**

متأسفانه شبه‌علم‌هایی در ریاضی وجود دارد که در جامعه ما رواج پیدا کرده‌اند و واقعا نگران‌کننده هستند. ضروری است که شبه‌علم از پیکر ریاضی زده‌ده شود.

رسانه‌های رسمی نقش بزرگی در این زمینه دارند و دانسته



درگذشتش ادامه داد، نقل مکان کرد. کار او بر دینامیک پیچیده و به‌رنج ساختارهای هندسی، با تأکید ویژه بر فضا‌های مدولار و سطوح ریمانی متمرکز بود. رویکردها و بینش‌های عمیق او به‌طور قابل توجهی دامنه این حوزه را گسترش داد و تحسین و شناخت گسترده‌ای را برای او به ارمغان آورد که نهایتاً منجر به کسب مدال فیلدز «بالاترین افتخار در ریاضیات» شد.

مریم که از چهار سال پیش‌تر به نوعی سرطان مبتلا شده بود، بعد از طی یک دوره درمان موفق، دوباره گرفتار این بیماری شد و پس از سرایت و گسترش بیماری مهلک به مغز استخوان او، در ۲۳ تیر ۱۳۹۶ در ۴۰ سالگی در بیمارستانی در کالیفرنیا درگذشت.

روایتی داستانی از زندگی امام موسی صدر

رمان «یوسفی به نام موسی» نوشته کریم فیضی، با محوریت زندگی امام موسی صدر، توسط انتشارات کتابستان به بازار نشر آمد. این رمان داستان روحانی خوش‌پوشی را روایت می‌کند که در دهه

۲۰، برای دیدار نویسنده‌ای مشهور از قم به تجریش می‌رود؛ دیداری که حاضران در خانه، از جمله نیما یوشیج، سیمین دانشور و جلال آل‌احمد را مهیوت جذابیت و شخصیت او می‌کند.

این غریبه کسی جز سید موسی صدر نبود؛ روحانی‌ای که در نگاه نخست با ظاهر و منش خود، حاضران را در دنیای تحسین و اعجاب فروبرد. این رمان به روایتی داستانی از زندگی این شخصیت برجسته، از آغاز تا انجام می‌پردازد. در بخشی از کتاب، سیمین دانشور پس از غرق شدن در شکوه موسی صدراز او بدون مقدمه پرسید: «شما پیغمبرید یا امام؟» اما پاسخی که دریافت کرد او را با حقیقتی فراتر روبه‌رو ساخت؛ او نه امام بود و نه پیغمبر، بلکه «موسی صدر» بود که از قم برخاسته بود.



ادبیات

رونمایی از ویراست جدید «جغرافیای تاریخی سیراف»

آیین رونمایی از ویراست جدید کتاب «جغرافیای تاریخی سیراف»، اثر ماندگار محمدحسن سمسار، پژوهشگر برجسته حوزه تاریخ و جغرافیای ایران، در غرفه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد. در این



مراسم، محمود سالویی، رئیس انجمن، این کتاب را سندی تحلیلی و تاریخی از بندر سیراف، به‌عنوان دروازه تمدن دریایی ایران به آب‌های آزاد توصیف کرد. وی تأکید کرد آثار سمسار، هویت ملی و تمدنی ایران را عمیقاً تبیین می‌کند. محمدحسن سمسار نیز در سخنرانی خود، سیراف را نمادی از تعاملات تاریخی ایران با جهان دانست و گفت: «ویراست جدید این کتاب با افزودن اسناد تازه به بازنشاسی نقش تاریخی سیراف کمک می‌کند. وی بر حمایت از پژوهشگران و ترویج فرهنگ مطالعه به‌ویژه در شرایط اجتماعی و اقتصادی فعلی تأکید کرد. این اثر که نخستین بار در سال ۱۳۵۶ منتشر شد، پاسخی به ضرورت حفظ میراث فرهنگی و تمدنی خلیج فارس است.

قاب

عبدالملکیان، برنده جایزه جهانی شعر چپ‌وشد

شمت‌ونهمین دوره «جایزه جهانی شعر چپو» در فلورانس ایتالیا، گروس عبدالملکیان، شاعر معاصر ایرانی را به‌عنوان برنده امسال معرفی کرد. هیأت داوران در بیانیه خود شعر عبدالملکیان را «آمیزه‌ای از صداقت، ممیمیت عاطفی و کیفیت بلاغی» توصیف کردند که روایتی عمیق از دغدغه‌های انسانی، اجتماعی و فلسفی ارائه می‌دهد. بیانیه هیات داوران این جایزه معتبر که پیش‌تر به نویسندگان برجسته‌ای چون محمد بنیس و ماریو بارگاس یوسا تعلق گرفته بود، شعر عبدالملکیان را تجلی نوینی از سنت شعر فارسی دانست.



الناز برکاتی
آگروه فرهنگ و هنر

کتاب «قصه جریحه‌دار شد»، اثری است که در قالب مجموعه‌ای از اشعار، به پاسداشت شهید غیرت، حمیدرضا الداغی، پرداخته و گردآوری آن به عهده «جواد

جعفری نسب» و «محمدرضا جعفری نسب» بوده و به همت انتشارات راهیار به چاپ رسیده است. این کتاب شامل ۵۴ شعر از شاعران مختلف از جمله علیرضا قزوه، میلاد عرفان‌پور، رضا یزدانی، مهدی جهان‌دار و ... است که با نگاهی عاطفی، ارزشی و حماسی به ستایش رشادت و غیرت این شهید سبزواری پرداخته است. حمیدرضا الداغی، پدری سبزواری بود که ۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ حین دفاع از دخترانی در دیار سربداران، به ضرب چاقوی اراذل و اوباش به شهادت رسید. شعرها در این مجموعه، تنوعی از سبک‌ها و زبان‌ها را در بر می‌گیرند و با زبانی شاعرانه، روایتی جمعی از تأثر و ستایش را شکل می‌دهند. به مناسبت انتشار کتاب «قصه جریحه‌دار شد» با محمدرضا جعفری نسب، نویسنده کتاب به گفت‌وگو پرداختیم.



آی جرقه اولیه گردآوری این مجموعه شعر از کی‌زده شد؟

یکی دو روز بعد از شهادت حمیدرضا الداغی، فیلمی از شهید منتشر شد که در آن ایشان با چاقو مورد حمله قرار گرفتند. چون فاصله‌ای چند روزه تا زمان تشییع جنازه بود، این فیلم در کل کشور و حتی در رسانه‌های خارجی منتشر شد. با انتشار فیلم، مردم متوجه این حادثه شدند و در این فضا، بعضی سوءاستفاده‌ها نیز صورت گرفت. فضای کشور به سمتی پیش رفت که تعدادی از هنرمندان با تولید آثار هنری، ارادت و احترام خود را به شهید الداغی و خانواده‌شان ابراز کردند. شاعران هم از افشاری بودند که در سطح کشور، در کانال‌ها و گروه‌های مختلف یا رسانه‌های متنوع، اشعاری منتشر کردند. این اتفاق جرقه‌ای شد که تصمیم بگیریم یک فراخوان برای گردآوری اشعار از شاعران کشور ترتیب دهیم. اولین کاری که انجام دادیم، ایجاد کانال‌هایی در رسانه‌های مختلف مثل ایتا، بله، اینستاگرام و تلگرام بود. هدف ما این بود

در گفت‌وگو با گردآورنده کتاب «قصه جریحه‌دار شد» مطرح شد

روایت شاعرانه غیرت



هنرمندان، این روایت در حال شکل‌گیری است. بی‌تفاوت نبود، کسی که در یک خانواده خوب بزرگ شده و مادرش معلم بود و به خوبی توانسته بود فرزندی تربیت کند که انسانی شایسته برای جامعه باشد. ما می‌خواستیم این حقیقت را روایت کنیم، اما رسانه‌های خارجی قصد داشتند او را به گونه‌ای دیگر معرفی کنند. حتی برخی از رسانه‌های داخلی هم می‌خواستند او را یک فرد مذهبی، بسیجی و حزب‌اللهی معرفی کنند، در حالی که واقعیت این نبود. شهید الداغی یک جوان امروزی بود و ما سعی کردیم او را همان‌طور که بود، روایت کنیم.

آی چرا تصمیم گرفتید پاسداشت شهید حمیدرضا الداغی را به زبان شعر انجام دهید؟

در بحث تصمیم‌گیری برای چاپ کتاب شعر، چون روایت از زبان هنر صورت می‌گرفت، این بسیار متفاوت‌تر از آن بود که بخواهیم روش‌های دیگر را به کار ببریم یا او را به گونه‌ای دیگر معرفی کنیم. دیدیم که از زبان هنر و

همان‌طور که دیدید، این اثر فارغ از این‌که نگاهی به زندگی و سرنوشت نه فقط چخوف که هرکدام از مشاهیر بزرگ جهان دارد، دغدغه‌های انسان معاصر را هم مطرح می‌کند.

آی برخی از هنرمندان اجاره‌بهای بالای سالن‌های تئاتر را یکی از مشکلات عمده این حوزه قلمداد می‌کنند؛ خود شما در اجرای اخیر این نمایش چقدر با این مسأله دست به‌گیربان بوده‌اید؟

اگر قرار باشد درباره مشکلات تئاتر صحبت کنیم، درمقال چند پاراگراف نمی‌گنجد، بلکه باید سلسله گفت‌وگوهای مجزایی دراین باره انجام شود. به‌خصوص دروسه سال اخیر، به قدری مشکلات دراین حوزه افزایش یافته که من دیگر به خودم که بیست‌وچندسال است دراین عرصه فعالم فکر نمی‌کنم، بلکه به جوانان مستعدی می‌اندیشم که ناچارند تئاتر را به‌واسطه بروز همین مشکلات، کنار بگذارند و به دنبال حرفه دیگری بروند. یکی ازمسائل فعلی تئاتر، همین مسأله اجاره‌بهای بالای سالن‌هاست که اشاره کردید. البته دراین سال‌ها، سالن‌دارانی هم بوده‌اند که به تئاتری‌ها لطف داشته و با حمایت‌های ویژه، تلاش کرده‌اند تا به صورت درصدی، با گروه‌ها همراه شوند اما درمجموع، شرایط دراین زمینه دشوار است و گروه‌های تئاتری به سختی می‌توانند از عهده پرداخت این مبالغ بریبایند. به‌طوری که دربهترین حالت، اگر یک نمایش تمام صندلی‌های سالنش پر شود و بلیت‌هایش فروش بروند، باز هم مخارجی که صرف حضور بازیگران، دکور، لباس، گریم و... کرده به او بر نمی‌گردد. از این رو، تئاترکارکردن درشرایط فعلی خیلی کار سختی است.

آی دیدگاهتان نسبت به تئاترهای کم‌دی که به‌لحاظ ظاهری از رنگ‌ولعاب بیشتری

عادی بود. فردی که نسبت به جامعه‌اش بی‌تفاوت نبود، کسی که در یک خانواده خوب بزرگ شده و مادرش معلم بود و به خوبی توانسته بود فرزندی تربیت کند که انسانی شایسته برای جامعه باشد. ما می‌خواستیم این حقیقت را روایت کنیم، اما رسانه‌های خارجی قصد داشتند او را به گونه‌ای دیگر معرفی کنند. حتی برخی از رسانه‌های داخلی هم می‌خواستند او را یک فرد مذهبی، بسیجی و حزب‌اللهی معرفی کنند، در حالی که واقعیت این نبود. شهید الداغی یک جوان امروزی بود و ما سعی کردیم او را همان‌طور که بود، روایت کنیم.

آی پرداخت به روایت شهید الداغی به چه میزانی و از چه جهاتی حائز اهمیت بود؟

اگر ما شهید الداغی را همان‌طور که بود روایت نمی‌کردیم، افراد دیگر او را اشتباه روایت می‌کردند. چرا می‌گویم ما، چون کار ما در حوزه تاریخ شفاهی است. در مجموعه حسینی‌ه هنر سبزواری سال‌هاست در زمینه تاریخ شفاهی فعالیت داریم. کار تاریخ شفاهی به این معناست که روایت‌ها باید مستند و واقعی باشند، بنابراین، ما مسئولیت داشتیم شهید الداغی را همان‌طور که بود روایت کنیم.

شهید الداغی نه بسیجی بود، نه مذهبی و نه حزب‌اللهی؛ او یک انسان معمولی و یک شهروند

تماشاگر، قهرمان بی‌ادعای تئاتر امروز

به بهانه اجرای «قضیه تفنگ چخوف» با اشکان پیردل زنده، کارگردان این نمایش گفت‌وگو کردیم



آی درسال‌های اخیر، بین عامه مردم و تولیدات تئاتری که با درونمایه آثار مفاخر کلاسیک ایران و جهان روی صحنه می‌روند، پیوند پررنگ‌تری برقرار شده است؛ «قضیه تفنگ چخوف» نمایشی سرشار از زیرلایه‌های تامل‌برانگیز است و رویکردی روانکاوانه دارد؛ ازاین نظر دیدگاه مردم را نسبت به این اثر چطور می‌بینید؟

من هم با شما دراین زمینه موافق هستم که در سال‌های اخیر، توجه بیشتری از سوی مخاطبان تئاتر نسبت به آثار نویسندگانی مانند چخوف و به‌طورکلی، ادبیات جهان صورت گرفته است. به‌ویژه این‌که نسل امروز تئاتر، باهوش و پیگیرترند و به‌رغم تنگنای اقتصادی و ریزش سرانه مطالعه، بیشتر درصدد این هستند که مفاخر فرهنگی جامعه خود را در آینه تئاتر مورد واکاوی قرار دهند، چرا که تئاتر از دیرباز تا امروز در آشنایی عامه مردم با چهره‌های سرشناس درحوزه‌های فرهنگی و تاریخی نقش زیادی داشته است و حالا به زعم مخاطبان، درباره قضیه تفنگ چخوف هم این پیوند صورت گرفته است.

آی مولفه اصلی نمایش شما این است که اگرچه بن‌مایه‌اش از آثار و نام نویسنده‌ای چون چخوف می‌آید ولی در باطن، به مسائل روز جامعه ما هم مرتبط است.

اصلا یکی از رسالت‌های تئاتر درهمین نکته است که یک نمایش، هرچقدر هم کهن و پرقدمت باشد، بایدفراخور شرایط زمانه اجرا شود تا برای مخاطب ملموس‌تر باشد و بتواند بهتر با آن ارتباط برقرارکند. درباره قضیه تفنگ چخوف هم

اشکان پیر دل زنده یکی از کارگردانان و نمایشنامه‌نویسانی است که تا امروز آثار تئاتری متعددی را روی صحنه برده است.

آزاده صالحی
آگروه فرهنگ و هنر

اوست به نویسندگی احسان بدخشان و کارگردانی خود او که اولین بار سال گذشته در مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفت و حالا با اقبال مخاطبان، بار دیگر در تماشاخانه هما روی صحنه رفته است. با او دراین باره گفت‌وگو کرده‌ایم.



آی شاید بهتر باشد در ابتدای بحث به این مسأله بپردازیم که اصلی‌ترین دلیلی که تصمیم گرفتید در بازه زمانی چندماهه، یک بار دیگر نمایش «قضیه تفنگ چخوف» را روی صحنه ببرید، چه بوده است؟

پخش زیادی ازاین مسأله به درخواست و استقبال مخاطبان و برخی از منتقدینی برمی‌گردد که قبلا این نمایش را دیده بودند. درواقع بازخوردهای مثبت نسبت به این اثر باعث شد تا یک بار دیگر به فکر اجرای آن بیفتیم. از سوی دیگر، خودم هم تصمیم داشتم در بازاجرای این اثر، تغییراتی را به‌وجود بیاورم. باوجود آن‌که پیش از این، ۸۰ اجرای این نمایش در مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفت اما در دوره تازه این نمایش، ضمن انجام تمرینات شش‌ماهه، یک‌سری تغییرات اساسی هم درکلیت اثر به‌وجود آورده‌ایم.

آی این تغییرات بیشتر از چه منظره صورت گرفته است؟

صرف‌نظر از این‌که برخی از صحنه‌ها را کم یا اضافه کرده‌ایم. در ساختار آن هم تغییراتی صورت گرفته و از همه مهم‌تر این‌که زمان اجرای نمایش هم کم شده است.

کمبود زمانی که برای جمع‌آوری شعرها داشتیم. با این حال، هر کاری که به ثمر می‌رسد، شیرینی خاص خود را دارد و آن سختی‌ها به مرور از ذهن گردآورندگان و تولیدکنندگان آن محو می‌شود.

آی آیا بازخورد خاصی از خانواده یا نزدیکان شهید دریافت کردید؟

از همان روزهای اول، خانواده شهید همراهی و همکاری بسیار خوبی با ما کردند. این کتاب شعر شاید حدود یک سال قبل به تأیید خانواده شهید رسید و اکنون بعد از گذشت یک سال از گردآوری، در حال چاپ و انتشار است. خانواده شهید واقعا در این مدت با ما خوب همکاری کردند و پای کار آمدند. این اولین و آخرین محصول برای شهید الداغی نبوده است ما برای این شهید دو یا سه دفتر تحریر تولید کردیم و در ماه اول پس از شهادت ایشان، با مدیریت هنری اسماعیل هاشم‌آبادی یک دیوارنگاره درباره شهید الداغی کار کردیم که این دیوارنگاره در سطح کشور مطرح شد. علاوه بر این، کارهای دیگری مثل مهر شهید و مهر مدارس (مهر صد آفرین و هزار آفرین برای مدارس) نیز تولید کردیم.

آی آثار دیگری هم برای معرفی این شهید تولید خواهید کرد؟

پس از این کتاب شعر، قصد داریم کتاب خاطرات شهید حمیدرضا الداغی را نیز منتشر کنیم. در این دو سالی که از شهادت ایشان می‌گذرد و در تمام این پروژه‌ها، خانواده شهید همراه ما بودند، کمک کردند و با تشویق‌هایشان باعث شدند این محصولات به ثمر برسند. قطعا این همکاری‌ها ادامه خواهد داشت و به ما کمک می‌کند در ادامه نیز شهید الداغی را درست روایت کنیم و محصولات بیشتری برای ایشان تولید کنیم.

است، قصه سربداری و غیرت سبزواری است.» و این اشاره دارد به این‌که سبزواری‌ها و مردمان دیار سربداران با این شهر ارتباط عمیقی برقرار کرده‌اند و با آن بسیار مأنوس شده‌اند.

آی انتخاب شاعران برای این مجموعه بر چه اساسی صورت گرفت؟... آیا در بین شعرها سبک یا لحن خاصی را ترجیح دادید یا مجموعه را با تنوع سبک‌ها گردآوری کردید؟

در مرحله اول، توجه ما بیشتر به کیفیت شعر و محتوای آن بود و به دنبال سبک یا لحن خاصی نبودیم و تصمیم نداشتیم شاعران را به صورت خاص انتخاب کنیم. هر شعری که می‌آمد و محتوای خوبی داشت، داستانی برای گفتن داشت، یا پیامی در آن نهفته بود، سعی می‌کردیم آنها را انتخاب کنیم. به این معنا که حدود ۸۰ تا ۱۰۰ عنوان شعر برای ما ارسال شد و ما بهترین شعرها را برای چاپ در کتاب برگزیدیم.

آی کدام شعر یا شاعر در این مجموعه بیشترین تأثیر را روی خود شما گذاشت و چرا؟

شعر آقای یزدانی با عنوان «قصه جریحه‌دار شد» شاید یکی از اشعاری بود که بیشترین تأثیر را روی من گذاشت. در این فرآیند، از استاد محمدکاظم کاظمی و دکتر جواد جعفری نسب کمک خواستیم. این دو عزیز شعرها را ارزیابی کردند و ویراستاری‌هایی انجام دادند. اگر شعر، چه در مصرع و چه در بیت ایرادی داشت، سعی می‌کردند آن را اصلاح کنند. این اصلاحات یا با هماهنگی ما بود، یا خودشان شخصا تلاش می‌کردند ایراد را رفع کنند.

آی در مسیر گردآوری و انتشار این کتاب با چه چالش‌هایی مواجه شدید؟

در مسیر گردآوری و انتشار، با چالش‌های زیادی مواجه شدیم. به‌طبع، شاعران از تمام شهرهای ایران بودند و ارتباط گرفتن با آنها کار سختی بود. پیدا کردن آنها نیز دشوار بود. بعد از آن، باید از آنها اجازه می‌گرفتیم که بخواهیم برخی از اشعارشان را منتشر کنیم و برخی تغییرات مانند ویراستاری یا تعویض برخی کلمات روی آنها اعمال شود. این کار در شرایطی که زمان کمی داشتیم و تحت فشار بودیم، سخت بود. به‌ویژه در اوضاع شلوغی و

برخوردارند و تلاش دارند مخاطب را صرفا به دلیل عنصر سرگرم‌کنندگی به سمت خود بکشانند، چیست؟

متأسفانه من با آن زائر از تئاترها آشنایی چندانی ندارم، ولی چون در هر نمایش، کیفیت برایم در درجه اول قرار دارد، برای تک‌تک بازیگرانم لباس، پوستیز، گریم، موسیقی و... طراحی می‌کنم و مسلماتمام این‌ها هزینه‌بر است. من از ۲۰ سالگی درفضای تئاتر کارکرده و آموخته‌ام که باید دراین زمینه سختی بسیاری را تحمل کرد. ولی شاید دیگر اهالی تئاتر، به‌خصوص نسل جوان عادت به سختی‌کشیدن نداشته باشند و روبه‌روشدن با این مشکلات، آنها را به لحاظ جسمی و روحی با فشارهای زیادی مواجه کند. به همین خاطر است که معتقدم، ما امروز به جز مردم، حامی دیگری درتئاتر نداریم.

آی حتی به هنگام اجراهای تئاتری، برخلاف سینما، موسیقی و تلویزیون با بیلوردی‌های تبلیغاتی در سطح شهر هم مواجه نیستیم.

همین‌طور است، جالب این‌که صفحات مجازی تئاتر در اینستاگرام که محور فعالیت‌شان، تبلیغ نمایش‌هاست هم برای هزینه تبلیغ مبالغ کلانی درخواست می‌کنند که کم از قیمت اجاره بیلوردهای شهری ندارد. بنابراین، به‌جز آن دسته از مردم که همچنان به تماشای تئاتر جدی علاقه‌مندند و خبرنگاران باشرافی چون شما که بدون چشم‌داشت به انعکاس رویدادهای این آثار می‌پردازند، حامی دیگری نداریم.

آی خاطرم هست درسال‌های گذشته، بحث قرار دادهای تیپ مطرح شد با همین‌طور تخصیص سوبسیدهایی که برای اجراهای تئاتری به هنرمندان این عرصه قرار بود تعلق بگیرد اما این طرح‌ها هم چندان که باید در حمایت از هنرمندان تئاتر به مرحله عمل نرسید.

درست است، نه در آن زمان و نه حالا این طرح مسأله محقق نشد، کمالین که امروز هم گروه‌های مستقل تئاتری، بدون حمایت‌های مادی و معنوی به فعالیت خود ادامه می‌دهند. درباره شکل‌گیری تئاتر خصوصی هم که اشاره کردید،



تئاتر از دیرباز تا امروز در آشنایی عامه مردم با چهره‌های سرشناس در حوزه‌های فرهنگی و تاریخی نقش زیادی داشته است

باید به این نکته توجه داشته باشیم درکشور دیگر بستر برای فعالیت تئاتر خصوصی بیشتر فراهم است. در کشور ما تئاتر درسال‌های اخیر تقریبا به حال خود گذاشته شده و افزایش سالن‌ها هم که عمدتا به‌دست بخش خصوصی صورت می‌گیرد، دلیل براین نیست که ما درشکل‌های تئاتر خصوصی موفق بوده‌ایم. طبعاهمه مادر زمین یک کشور کار می‌کنیم و اگر بستر فعالیت فراهم نباشد، خروجی این فعالیت‌ها هم مشمرنمر نخواهد بود.

آی برخی از هنرمندان، به ویژه هنرمندان پیشکسوت تئاتر، همواره بر اجرای نمایش‌های ایرانی تأکید دارند تا آثار اقتصادی؛ چرا شما ترجیح دادید به جای اجرای یک نمایش ایرانی، نمایشی را اجرا کنید که درماه‌های پیش هم روی صحنه رفته بود؟

بخش اعظم این مسأله به سلیقه و دیدگاه شخصی آن کارگردان برمی‌گردد. به‌عنوان مثال درباره خودم این‌طور است که باید بدانم چه کاری را بلدم و بعد به آن ورود کنم. تمام تلاشم دراین سال‌ها درتئاتر این بوده وارد حوزه‌ای که درآن تخصصی ندارم نشوم. ضمن این‌که اجرای نمایش‌های ایرانی، کارکردهای مخصوص به خود را دارد و من از علم این کار بی‌بهره‌ام. دوم این‌که باید کاری را بسازم که پیش از مخاطب، خودم آن را دوست داشته باشم. ترجیح این است نمایش‌هایی را روی صحنه ببرم که در بی‌زمانی و بی‌مکانی روایت می‌شوند و بی‌آن که یادآور جغرافیای خاصی باشند. نزد مخاطبان همه‌جای دنیا قابل درک باشند. اصولا نمی‌خواهم با اجرای یک تئاتر، چیزی را به مخاطب یاد بدهم، گرچه تمام نمایش‌هایی که روی صحنه برده‌ام به‌خصوص قضیه تفنگ چخوف تلویحا دارای پیام‌هایی هستند که خود مخاطب باید به آن گستره برسد.

خود، آن را دریافت کند.





سعيد مستفائي
نويسنده و منتقد

سینمای طنز و کمدی، از گونه‌های ماندگار و پرتعداد تاریخ سینما به‌شمار می‌آید و آثار بسیاری از این نوع به قولی در پانتئون این تاریخ قرار گرفته است.

بزرگان و اساتیدی همچون سر چارلز چاپلین و باسترکیتون و برادران مارکس و ارنست لوبیچ و هال روچ و ... و کمدین‌هایی مانند جری لوئیس و نورمن پیزدم و وودی آلن و مل بروکس و ... همه از این دست بودند.

در سینمای ایران هم کمدی و کمدین‌های متعددی وجود داشته و دارند که طنز و مطایبه را به‌درستی توانستند منتقل سازند؛ از فیلم‌هایی مانند مردی که زیاد می‌دانست و اتوبوس و آپارتمان شماره ۱۳ (هر سه فیلم از مرحومیدالله صمدی) و اجاره‌نشین‌ها (داریوش مهرجویی) در دهه ۶۰ گرفته که هر یک به نحوی سعی در برخورد کمیک با معضلات جدی جامعه داشتند تا مردم عوضی (محمدرضا هنرمند) و آدم‌برفی (داوود میرباقری) و دنیای وارونه (شهریار بحرانی) و لیلی با من است و مارمولک (کمال تبریزی) در دهه ۷۰ و بی‌پولی (حمید نعمت‌الله) و مهمان مامان (داریوش مهرجویی) و اخراجی‌ها (مسعود ده‌منکی) در دهه ۸۰ و ما همه با هم هستیم (کمال تبریزی) و مصادره (مهران احمدی) و ... در دهه ۹۰ و حتی آثاری مانند تمساح‌خونی (جواد عزتی) و شه‌سوار (حسین نمازی) و آپاراتچی (علی طاهرفر) طی سال‌های اخیر.

اما در مقابل این فیلم‌های قابل قبول، انبوهی از آثار مبتذل و سخیف تولید شده و بر پرده سینماها رفتند که نه تنها کوچک‌ترین قربابت و تناسبی با مقوله فیلم و هنر و سینما نداشته‌اند، بلکه بعضا قلم از نوشتن درباره‌شان، شرم می‌کند.

آثاری که بیشتر روی عبارات و شوخی‌های جنسی و روابط آنچنانی و یا شبهات آن متمرکز بوده و سعی بر متشبث شدن به هر وسیله‌ای برای درآوردن خنده تماشاگر، داشته و دارند. آثاری که بسیاری

باعث فرار تماشاگر از سالن‌های سینما شده و پس از آن برای جبران هزینه‌های ازدست‌رفته‌شان، به بقالی‌ها راه یافته و تحت عنوان فیلم‌های «شانه تخم مرغی» همراه شیر و ماست و پنیر و ... فروخته شدند!

آثاری که از موقعیت خالی شدن سالن‌های سینما و رسیدن مخاطبان سینما به ۸- ۷ درصد در کنار گران شدن بلیت‌ها، سوءاستفاده کرده و خود را به‌عنوان فیلم‌های پرفروش جا زدن مانند رحمان ۱۴۰۰ و دینامیت و ۵۰ کیلو آب‌بالو و ...

نوع تازه‌ای از آثار سخیف

اما در سال‌های اخیر علاوه بر آن کمدی‌های سخیف و مبتذل و شانه‌تخم‌مرغی، آثار دیگری در این زمینه تولید شدند که با استفاده از شخصیت‌های واقعی و حوادث حقیقی، بساط هجو و مضحکه را ه‌انداخته و بدون توجه به

رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی، از تدوین نهایی آیین‌نامه رده‌بندی سنی فیلم‌ها خبر داد و اعلام کرد؛ این آیین‌نامه در مرحله نهایی‌سازی است و پس از تصویب، جزئیات آن به‌صورت رسمی منتشر خواهد شد. وی همچنین درباره زمان‌بندی جشنواره جهانی فیلم فجر گفت؛ این جشنواره قرار است اوایل آذرماه برگزار شود. فریدزاده افزود؛ احتمال دارد در نشست سالانه فیایف، که

رده‌بندی سنی فیلم‌ها به زودی نهایی می‌شود

ظرفیت‌های تاریخی شخصیت‌ها و حوادث، آنها را به تمسخر و بلاهت کشانده‌اند.

آثاری ضعیف و کلیشه‌ای و تکراری که ظاهراً قصد ابراز طنز و کمدی داشته ولی حتی به هجو هم نرسیده و یک اثر سخیف و ساده‌لوحانه به نظر می‌آیند. تهیه‌کننده یکی از این آثار (که بازیگر ظاهراً معروفی هم هست) زمانی که در شورای پروانه ساخت سازمان سینمایی حضور داشتیم، در جلسه‌ای درباره کلمه سخیف که در مورد اثر او به‌کار برده بودم، سؤال کرد و بنده هم بدون تعارف در پاسخ عرض کردم که مصداق بارز «سخیف» همین متنی است که به‌عنوان فیلم‌نامه کمدی آورده‌اید!

این دسته آثار ظاهراً برخی از فیلم‌های مشابه تاریخ سینما را دستمایه قرار دادند، اما متأسفانه تنها پوسته آن فیلم‌ها را دیده و به عمق آنها نتوانستند ورود کنند. ازجمله این فیلم‌ها که هم‌اکنون روی پرده سینماهاست، فیلمی به نام «صدام» است درباره شعار صدام مبنی بر فتح یک‌مقته‌ای تهران که در این فیلم وقتی متوجه

می‌شود چنین کاری شدنی نیست، یکی از بدل‌های خود، یک دورگه ایرانی ـ عراقی به‌نام صلاح را به تهران می‌فرستد تا حتی اگر شده در مقابل برج آزادی فیلمی از خود گرفته و به دنیا محابره کند که صدام بالاخره به تهران رسیده!

این‌که صدام چنان رجزخوانی کرد و با توجه به شمایی که از نیروهای ایرانی در آن زمان داشت

ماند ارتش غیرمنسجم و سپاه ناآماده و اختلافات

برش



دشمنان قسم خورده این ملت مشنگ نبودند

در آثار متعددی از این سینما که بعضاً به‌صورت فیلم‌نامه ارائه شده و برخی از آنها هم به مرحله تولید رسیدند، مقاطع و افراد مهمی از تاریخ این سرزمین که نقش محوری و مهمی در مقابله با این مردم داشتند، مورد هجو و تمسخر قرار گرفته و حوادثی خنده‌دار و افرادی مشنگ و ملنگ جلوه داده شدند!

ازجمله در برخی سریال‌های شبکه خانگی مانند «تاسیان» که سرویس اطلاعاتی امنیتی مخوف و دقیق و هوشمندی مانند ساواک مثل کاروانسرا نشان داده شده که هرکس به‌اصطلاح قهر می‌کند و در اینجا می‌خواهد عشق و عاشقی کند، سرش را زیر انداخته و همین‌جوری وارد شده و حتی در اتاق‌های بازجویی و عملیات سری و مهم نیروهای ضربت ساواک شرکت و حتی بخش‌های عملیاتی آن را ملعبه خود کرده و مثلاً به‌خاطر دیدار و خوش‌رقصی برای معشوقش، کلیت واحدهای تعقیب و مراقبت اداره کل سوم ساواک را به بازی می‌گیرد! واقعاً چگونه چنین

در حاشیه جشنواره کن برگزار می‌شود، موضوع جشنواره جهانی فیلم فجر نیز مورد بحث قرار گیرد. در این نشست، محمدمهدی عسگرپور به‌عنوان نماینده ایران حضور خواهد داشت و درخواست‌ها به‌طور رسمی بررسی می‌شود. او تأکید کرد که روند آماده‌سازی جشنواره متوقف نشده و درحال حاضر سایت آن فعال است و آثار در حال ثبت‌نام هستند، رئیس سازمان سینمایی درباره انتخاب

صدام در مرز ابتذال

کارگردان این فیلم به جای تمرکز بر شخصیت صدام به تحریف تاریخ پرداخته است



خورد، در همان خوزستان زمینگیر شد.

اما به‌هرحال برخلاف آنچه در فیلم صدام روایت شده و صدام و ژنرال‌هایش به مضحکه کشیده می‌شوند، طی روزهای اول جنگ تحمیلی، حدود ۳۰ هزار کیلومترمربع از خاک ایران را تصرف کرد و خرمشهر و قصرشیرین و مریوان و نوسود و

نیست، چراکه در این صورت، درواقع این ملت و نیروهای همین مردم هستند که ناتوان و بی‌دست‌وپا جلوه می‌کنند که در برابر چنین جبهه بلاهت‌باری، سال‌ها جنگیدند و شهید دادند و نتوانستند زودتر از حماقت آنها استفاده کنند! دوستان نویسنده اولاً بایستی تاریخ را بخوانند و واقعیات آن را دریابند، گروه‌هایی که از داخل و خارج سال‌ها به این ملت تهاجم کردند، نیروهای هوشمند و قوی بودند، حامیان قوی‌تری داشتند.

نویسندگان محترم فیلم‌نامه‌ها، به صفحات مجازی بسنده نکنند، فیلم‌های مشابه و مهم تاریخ سینما را ببینند و توجه داشته باشند که دشمنان تاریخی و اصلی این ملت همواره در پشت سرفرادی‌مانند صدام و منافقین خود را پنهان کردند. یکی از وظایف و تکالیف این نویسندگان، برانداختن این پرده‌هاست ولو با زبان طنز و مطایبه.



جشنواره

ندارک «جشنواره مقاومت» برای تولید ایده جوانان

هجدهمین «جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت» با هدف حمایت از سینماگران جوان و ایده‌پرداز، فضایی نو برای ارائه طرح‌ها و ایده‌های سینمایی در قالب رویداد «پیچینگ» فراهم می‌کند. سیدمحمد حسینی، مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس، با اعلام این خبر گفت: برای نخستین بار در کشور، بستری برای تعامل مستقیم میان جوانان علاقه‌مند به سینما و تولیدکنندگان حرفه‌ای ایجاد می‌شود تا ایده‌ها به مرحله تولید نزدیک‌تر شوند. وی افزود: این روش که در سینمای جهان رایج است، به صاحبان ایده این امکان را می‌دهد تا طرح‌های خود را با هدف تولید به کمپانی‌های فیلم‌سازی ارائه دهند و در صورت تطابق با معیارهای حرفه‌ای، به ساخت اثر منتهی شود. جشنواره فیلم مقاومت از ۲۷ اردیبهشت تا ۳ خرداد در موزه انقلاب و دفاع مقدس برگزار می‌شود و هدف آن، گسترش عدالت فرهنگی و کشف استعداد های تازه در سراسر کشور است. این رویداد با دبیری دکتر جلال غفاری قدیر و به‌همت بنیاد فرهنگی روایت فتح برگزار خواهد شد.

دبیر جشنواره‌های فیلم فجر و جهانی فجر توضیح داد: دبیر جشنواره جهانی در زمان مناسب اعلام می‌شود. دبیر جشنواره ملی فجر نیز پس از بررسی‌های لازم، از سوی روابط عمومی معرفی خواهد شد. وی در مورد فیلم «قاتل و وحشی» نیز گفت: این فیلم در جشنواره بررسی و ایرادات آن مطرح شده است. هر فیلمی که از شورای پروانه‌نمایش مجوز بگیرد، امکان اکران خواهد داشت.

کشانده می‌شود! ساده‌لوحی و برداشت سخیف در سراسر فیلم موج می‌زند، مانند وقتی به‌احتی یکی از ماموران مهم صدام وارد ایران شده و برای عملیاتی احماقانه (سخنرانی در کنار برج آزادی) همه گیت‌های امنیتی را به سهولت رد کرده، همچنان‌که خود شخصیت اصلی یعنی صلاح هم مانند آب خوردن وارد جبهه شده و با تغییر گریم از این جبهه به آن جبهه رفته و حتی می‌داند مثلاً پدر نامزدش در کدام اردوگاه است؛ سایر اتفاقات را نیز با همین بلاهت پیش می‌رود؛ یعنی فیلمساز، طنز و هجو را با ساده‌لوحی سخیف اشتباه گرفته است.

در کمدی‌هایی که در تاریخ سینما از شخصیت‌های واقعی ساخته شده، هیچ‌گاه آنها‌احمق جلوه نکرده و علاوه بر اینها برای پرداخت دراماتیک آن شخصیت‌ها و کم‌وزیاد کردن داستان‌های‌شان، حتی‌الامکان از به‌کارگیری عناوین و حوادث واقعی پرهیز داشته‌اند.

بازی با دنیا در هجو کاراکترهای منفی تاریخ سینما

مثلاً در «دیکتاتور بزرگ» ساخته چارلی چاپلین (۱۹۴۰)، شخصیت هیتلر به‌صورت کاراکتر شوخ و نام «هینکل» و در کشوری خیالی با نام «تومانیان»، فیلم را پیش می‌برند. درعین‌حال هینکل (که نسخه‌ای از هیتلر به‌نظر می‌آید) کاراکتر احمق و نادانی نیست، بلکه از حماقت بقیه حتی از کاراکتر مشابه موسولینی استفاده می‌کند و در صحنه معروف بازی‌اش با کره یادکنکی زمین، نشان می‌دهد که چگونه دنیا را به بازی گرفته است.

یا در آثاری همچون «سوپ اردک» برادران مارکس (۱۹۳۳) که به‌نوعی موسولینی را دست‌انداخته بودند، در عین این‌که نام‌های شخصیت‌های اصلی روی کاراکترها نیست مثلاً دیکتاتور به‌نام فایر فلائی (گروچو مارکس) در کشوری خیالی به‌نام فریدونیا به نمایش درمی‌آید اما بازمهم او ابله و احمق نیست، بلکه به‌همراه چیکو و هاریو مارکس، بقیه را به‌اصطلاح سرکار می‌گذارند.

همچنین در فیلم «دیکتاتور» ساخته ساشا بارون کوهن (۲۰۱۲) که هجو مجموعه‌ای شخصیت‌ها مانند معمر قذافی و بن‌لادن و کیم جونگ اون و ... بود، به‌هیچ‌وجه احمق نشان داده نمی‌شود.

اگرچه او هم اسم و رسم واقعی ندارد و به‌نام علاءالدین و در کشوری غیرواقعی به نام وادیا حاکم است و برخی وقایعش مانند ساخت سلاح هسته‌ای می‌توانست واقعیت داشته باشد.

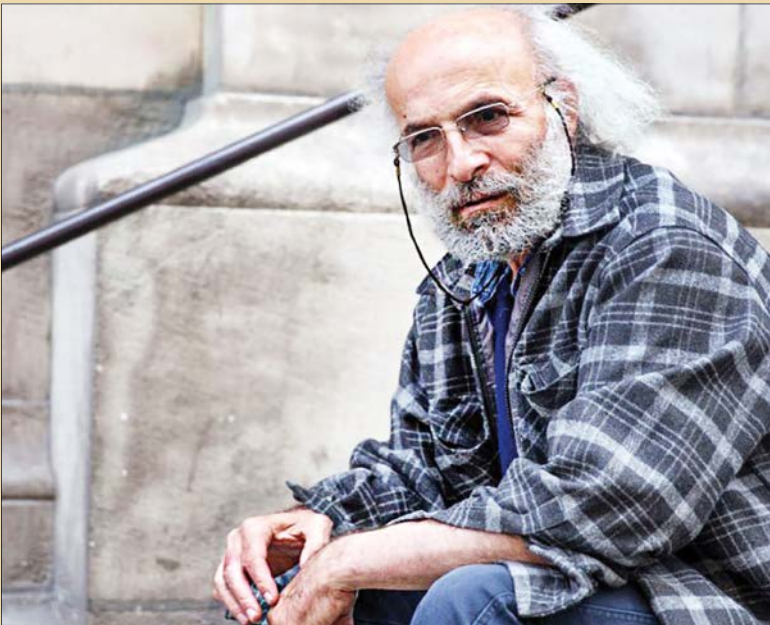
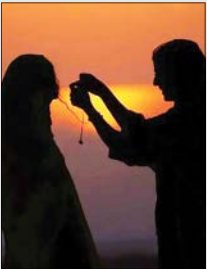
حال وقتی به فیلم سینمایی صدام برمی‌گردیم شاهد هستیم که فیلم صدام برخلاف جریان استاندارد که در سینمای جهان معمول بوده نه‌تنها شخصیت تاریخی را نمایندارذاری نکرده است که به ابعاد درونی این شخصیت‌ها بپردازد بلکه آنها در در قامت شخصیتی تاریخی به تصویر کشیده است که نماد کاملی از حماقت است. زمانی این نوع از تصویرگری اهمیت پیدا می‌کند که تمام ایران به عنوان یک کل منسجم در مقابل این فرد ایستادگی کردند و رشادت‌های بسیاری را رقم زدند.

فیلم کوتاه

در جست‌وجوی گنج خلیج فارس

فیلمبرداری فیلم کوتاه «گماش» به‌نویسندگی و کارگردانی مشترک احسان فرنام و سروش شاکر، در جزایر قشم و هنگام به پایان رسید. این اثر با رویکردی بومی، به فرهنگ، آیین‌ها و باورهای مردم حاشیه خلیج فارس می‌پردازد و

هم‌اکنون وارد مراحل پس از تولید شده است. گماش که در باور صیادان مروراید به گنجی افسانه‌ای و نایاب اشاره دارد، داستان جست‌وجوی این گنج در دل آب‌های نیلگون خلیج فارس را روایت می‌کند. فیلم با بهره‌گیری از زبان محلی، موسیقی، نمایش وسنت‌های صیادی منطقه، تصویری چندلایه و غنی از زیب‌وندهای فرهنگی مردم منطقه ارائه می‌دهد. این فیلم دومین تجربه کارگردانی فرنام و شاکر در حوزه فیلم کوتاه بوده و در هشت جلسه فیلمبرداری فشرده تولید شده است. مدیریت فیلمبرداری را احسان فرنام بر عهده داشته و بازیگرانی چون نگار بابایی، علی کمیلی، زهرا سلامتی و سام صابری در آن نقش آفرینی کرده‌اند. تهیه‌کنندگی این پروژه بر عهده احسان فرنام و مهدی دهدار بوده است.



تجلیل از عیار سینمای ایران

همزمان با زادروز کیانوش عیاری، فیلمساز برجسته سینمای ایران، نشست تخصصی «عیار متن، عیار سینما» در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برگزار می‌شود. این برنامه امروز ساعت ۱۶ در سرای هنرگان نمایشگاه برگزار خواهد شد و شرکت برای عموم آزاد است. در این مراسم که به همت سازمان سینمایی تدارک دیده شده، علاوه بر تقدیر از عیاری، درباره آثار و سبک سینمایی او با حضور خودش، حبیب احمدزاده و مهرزاد دانش‌گفت‌وگو خواهد شد. عیاری، کارگردان آثاری چون آبادانی‌ها، شبخ کژدم، دو نیمه سبب، خانه پدری و بیدارشو آرزو بوده و برخی از فیلم‌هایش همچون آبادانی‌ها و شبخ کژدم برگرفته از متون اقتباسی است.

مردم ایران راه خدا را پیدا کرده‌اند



دکتر نازیلی مروت

گروه هیات

خانواده‌های سنتی مشهد، مراسم را در منزل برگزار کردند، هر دو طبقه و حیاط پر شده بود از جمعیتی که برای دیدار با مسافر مدینه مهمان مامان بودند. قصدی برای سفر به سرزمین وحی نداشتم، شاید فکر می‌کردم هنوز جوانم و فرصت دارم تا در ستین میانسالی و شاید کهنسالی عازم حج شوم. اما وقتی قرار است دعوت شوی، نه خواست و تردید ما مهم است و نه پیر و پیمان بودن حساب بانکی! ما مجاری سفر من هم یک دعوت بود...

دعوت بی‌نوبت

از سفر به خجند و دوشنبه دل کنده بودم. پس انداز سفر به تاجیکستان را برای ثبت‌نام حج واریز کردم. بهمین ماه بود و فرصت برای ثبت‌نام اندک. یادم می‌آید، زمان محدودی برای ثبت‌نام عمره اعلام شده بود و من هم باید تصمیم می‌گرفتم و گرفتم. آن روزها کارت بانکی و حساب الکترونیک درکار نبود. باید برای دریافت وجه نقد با دفترچه و مدمرک شناسایی ساعتی در بانک منتظر می‌ماندیم تا نوبت‌مان شود. از زمان تصمیم قطعی تا واریز وجه به حساب بانک سه ساعت فرصت داشتم. میان خروار کار روزانه گرفتار بودم. آن روزها دبیر صفحه فرهنگ روزنامه بودم. باید مطالب صفحه‌رامی خواندم و به ویراستاری می‌رساندم. صفحه ما، رقم یک بود. یعنی جزو اولین صفحاتی بود که باید به چاپخانه می‌رسید. همه کارها روی دورتند افتاده بود. مطالب صفحه را فرستادم ویراستاری و رقم بانک کنار دفتر روزنامه! دفترچه بانکی را روی پیشخوان مستصدی بانک در نوبت گذاشتم و هرچند دقیقه با استرس سر می‌زدم تا از نوبت خارج نشود! بعد از یک ساعت وجه نقد را تحویل گرفتم و به بانک ملت رساندم. ولوله جمعیت بود. آدم‌های میانسال و مسنی بودند که نای ایستادن و تحمل شلوغی را نداشتند. من ته صف بودم واز سامانه نوبت دهی بانک خبری نبود. دلم مثل سیر و سرکه می جوشید، کارهای روزنامه مانده بود و همکاری نداشتم که کار را به او بسپارم. نمی‌خواستم به بهانه کارهای به زمین مانده برگردم. اما وقتی پای دعوت وسط باشد، خدا راهش را باز می‌کند. صدایی کنار گوشم گفت برای ثبت نام برو پیش رئیس شعبه. خدماتی بانک بود. با تعجب نگاهش کردم. گفت: آقای رئیس گفتند یکی یکی از همان نفر آخر صداکن...

از آن روزی که فیش ثبت‌نام را دستم دادند تا روزی که نوبت من شد، دل توی دلم نبود. فکر نمی‌کردم، برای وصالی آن قدر بی‌تاب شوم، حتی زیارت خانه خدا... از بهمن ماه تا زمانی که قرعه سفر به دیار حضرت دوست به نام من افتاد فقط چهار ماه طول کشید. سرعت افتادن قرعه به نامم دیگران را متعجب کرده بود، هرچند برای من چون عمری طولانی گذشت.

سخنران حرم مطهر بانوی کرامت با ابراز خرسندی از حضور پرشمار مردم در جشن میلاد امام رضا(ع) درمشهد مقدس گفت: این نشان می‌دهد مردم راه خدا را پیدا کرده‌اند و در روایت آمده است دوستی، همنشینی و زیارت معصوم بالاتر از هر بهشت ودوستی و پیوند با طاغوت بدتر از هر جهنمی است.حجت‌الاسلام حبیب‌الله فرحزاد در محفل جشن شام میلاد امام رضا(ع) در حرم مطهر بانوی

کرامت با بیان این‌که امام هشتم فرمودند هرکس خواهرم معصومه را در قم زیارت کند انگار مرا زیارت کرده است، گفت: خداوند برخی از افراد را به هر وسیله‌ای که شده وارد بهشت می‌کند و زائران حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) از این افراد هستند.سخنران حرم مطهر بانوی کرامت همنشینی با معصوم و ولی خدا را مافوق بهشت دانست و گفت: در روایت است که یاران امام حسین (ع)

آنها از کارکنان آستان قدس رضوی هستند.

آن روز اولین نماز مغرب و عشا را مهمان پدر امت محمد بودیم. حاج آقای مختاری روحانی کاروان چند نکته برای استفاده معنوی از اولین دیدار گفت.

دو ساعتی طول کشید تا زمان اولین دیدار با بارگاه همواره سبز رسول خدا آن هم در غروب یک بهار گرم مدینه برایم فراهم شود. وقتی برای اولین بار دیدمش، فکرش را نمی‌کردم بعدها هزار بار برای دیدار با او بمیرم و زنده شوم. من نام این احساس را عشق می‌گذارم. شاید در نگاه برخی چنین احساسی برای دیدن یک بنای تاریخی اغراق‌آمیز باشد، اما تصور این‌که بهترین مخلوق خدا روزی در همین سرزمین زندگی کرده و زیست مسلمانی و مومنانه ما را بنا نهاده، ضریان قلب آدم را بالا می‌برد. غروب بود و نزدیک اذان که از باب‌الرحمه که در دیوار غربی مسجد قرار دارد، وارد مسجدالنبی شدیدم. نور چراغ‌های مسجد روشن شده بود و برگ‌گرم میش و هوا تاریکی نیمه پنهان آسمان غلبه داشت، مانند ستاره‌هایی که در کویر به زمین رسیده‌اند و می‌شود آنها را چید. مقابل قبه الخضراء توقف کردم. مثل زمانی که دلم به گنبد امام رضاگره می‌خورد، همه وجودم به آن دلبر زبیااروگره خورد. مات ومبهوت از عظمت نام «محمد» و بارگاه او بودم. اشک‌هایم روی صورتم می‌غلغلتید، بی آن‌که صدایی از حنجره‌ام خارج شود.

همدلی مومنانه

یکی از اتفاق‌های خوب سفر به مدینه دیدار با شیعیان مدینه و حضور در مسجد امام حسن مجتبی(ع) بود. شب قبل از این دیدار دلنشین، روحانی کاروان در لابی هتل جلسه‌ای گذاشت. ماجرای محرومیت شیعیان عربستان را بیان کرد واز همه خواست تا برای تهیه غذای نذری برای ساکنان منطقه شیعه‌نشین مدینه همراه شویم. این‌که در بهترین لحظات زندگی به همنوع خود فکر کنیم از ویژگی‌های سبک زندگی ایرانی- اسلامی است. بین کاروان‌های ایرانی مرسوم است که زائران کمک می‌کنند تاگو،سفندی در دست صمیمی مادرم سپردم. من در این‌که همسفر چه غذایی برای شیعیان آن منطقه که اکثرا از نظر مالی محروم هستند، توزیع شود. قرار ما حضور در نماز مغرب مسجد بود. به همت مدیر و روحانی کاروان ساعتی زودتر از هتل خارج شدیم.

به دور ایشان حلقه می‌زنند و محو جمال ایشان می‌شوند و به نعمت‌های بهشتی توجهی نمی‌کنند. در روایت دیگر نقل شده است که بهشت از نور جمال امام حسین (ع) خلق شده و همه بهشت شاع نور جمال ایشان است. امیرالمؤمنین فرمودند کسی که بهشت را می‌سازد مقامش از بهشت بالاتر است همان طور که جهنم ساز بدتر از خود جهنم است.



به انگیزه اعزام زائران بیت‌الله الحرام، روایتی متفاوت از این سفر را مرور کردیم

زیر سایه نخلستان مدینه

گام اول بازدید از باغ امام علی(ع) در اطراف مدینه بود. وقتی به نخلستان امیرالمومنین(ع) که وقف فقرا شده، رسیدیم در آن بسته بود. مثل بیشتر درهایی که به روی ما بسته بودند. یکی از همسفران، از روی دیوار به داخل باغ رفت و در را باز کرد. آقای مختاری برای ما توضیح داد که این باغ همان مکانی است که امام در دوران خانه‌نشینی با دستان خود آباد کرده و از خرما و محصول آن به فقرا کمک کرده است و چاه خشکیده‌ای که مولای واگویه کرده است... قبل از غروب آفتاب به منطقه باب العوالی رسیدیم. محلی که شیعیان عربستان که اکثرا از سادات نخاوله و نسل امام سجاد هستند، زندگی می‌کنند. نخلستان‌های اطراف مسجد یکی از جاذبه‌های منطقه شیعه‌نشین مدینه است. هوای آنجا چند درجه خنک‌تر از مدینه و مرکز شهر بود و گردش پیاده میان نخلستان را دلچسب‌تر می‌کرد.

مشربه ام‌ابراهیم یکی از اماکنی است که در منطقه شیعه‌نشین قرار دارد. اطراف آن را با دیوار سیمانی نازیبایی بلندی محصور کرده بودند. در ورودی را با زنجیر سنگین و بزرگی قفل زده بودند به گونه‌ای که هیچ آمیدی به باز شدن آن نبود. در تاریخ آمده است که سه صورت قبر در مشربه ام‌ابراهیم وجود داشته است، نجمه خاتون مادر امام

برش

ننه و بابای دوست‌داشتنی من



دلم می‌خواست همه جوهر کمک آنها باشم. این را هم آقای مختاری، روحانی کاروان سفارش کرد. اسم‌شان را گذاشتم «ننه و بابا». شدند همراه و بزرگتر من در آن دو هفته طلایی! از این‌که به سبک نوه‌ها و فرزندان آنها را خطاب می‌کردم، لذت می‌بردند. حمل کیف دستی، کمک به ننه و بابا برای سوار شدن به اتوبوس، کمک برای مُحرم شدن ننه و مراقبت حضور در وقت غذای آن دو بهترین اتفاق سفرم شد. تقریباً در همه زیارت‌های دوره و مسجدالنبی همراه آنها بودم. تنها از یک همراهی فرار کردم و آن بازارگردی ننه بود که می‌خواست برای ۶۰ نفر سوغاتی بخرد! رابطه ننه و بابای همسفر من بسیار جذاب بود و همه مسافران از عشق خالصانه و پیوستگی آن دو به وجد می‌آمدند، مقاومت بابا برای ماندن کنار همسرش حتی در زمان احرام روحانی کاروان را گرفتار و کلافه کرده بود!

وقتی قرعه به نامم افتاد و بنا شد عازم عمره شوم، زحمت انتخاب کاروان را به مرتضی؛ تنها فرزند طاهره خانوم؛ دوست صمیمی مادرم سپردم. من در این‌که همسفر چه کسانی شوم نیز خوش‌شانسی آوردم.

کاروانی که با آن عازم حج شدم، کاروان خانواده شهدا بود. در مدت کوتاه آموزشی با چهره برخی از همسفران آشنا شدم. صورت برخی آدم‌ها عجیب روی دل آدم نقش می‌بندد.

مثل پیرزن و پیرمرد سفیدرویی که تحت هیچ شرایطی در کلاس‌ها از هم جدانمی‌شدند. حتی وقتی روحانی کاروان می‌خواست، جلسه را زنانه و مردانه کند نمی‌توانست حریف آن دو شود!

حضور آن پیرزن و پیرمردی که عاشقانه به هم غم می‌زدند و از هم جدا نمی‌شدند، یکی از زیباترین اتفاق‌های سفر بود. تنها پسرشان در ۱۷ سالگی به شهادت رسیده بود.

قاب



تجلیل از پنج پیشکسوت مداحی قم

همزمان با سالروز ولادت حضرت علی بن موسی الرضا(ع) آیین تجلیل پنج نفر از مداحان پیشکسوت قمی با حضور تولیت آستان مقدس مسجد جمکران در مجمع فرهنگی عاشقان بقیع قم برگزار شد. بر این اساس همزمان با سالروز ولادت امام رضا (ع) آیین تجلیل از پیشکسوتان مداحی قم حاج حسن باقری، حاج حسن اخباری، حاج علیرضا زنگی، حاج عباس حیدرزاده و حاج رضا عامری در هزار و هفتاد و نهمین جلسه مجمع فرهنگی عاشقان بقیع برگزار شد. این جلسه جمعه ۱۹ اردیبهشت ماه همراه با قرائت دعای ندبه با حضور حجت‌الاسلام سیدعلی اباق‌نژاد تولیت آستان مقدس مسجد جمکران و میزبانی کاروان زیرسایه خورشید حرم صورت گرفت.

جامعه

هیات

HEYAT

دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ ■ شماره ۷۰۴۱

پیشخوان Pishkhan

زمانی که هیات در حال شرح دادن وقایع مشربیه بود، وقتی آقای مختاری در حال شرح دادن وقایع مشربیه بود، چند بلوک سیمانی که به صورت پلکانی روی هم قرار گرفته بودند، نظرم را جلب کرد. اگر می‌گفتم می‌خواهم از بلوک‌ها بالا بروم قطعاً مدیرکاروان و حاج آقا مخالفت می‌کردند. ناچار شدم از بشکه فلزی بالا بروم تا بتوانم به کمک بلوک‌های

سیمانی روی دیوار برسم!

نتیجه آن خطر کردن و تخلف، ثبت چند تصویر از داخل مشربه ام‌ابراهیم شد که در یک غروب بهاری در مدینه انداختم و زیارتی که از روی همان دیوار چند متری نثار مادر آقاامام رضا کردم و سلام پسر را به مادر رساندم.

خدا ی محمد(ص)...

یک هفته برای دیدار با بقیع و مسجدالنبی زمان کمی بود. اما پس از هر دیداری، خداحافظی است. این تقدیر زندگی ماست. در آخرین دیدار لباس احرام پوشیدیم و برای احرام بستن عازم مسجد شجره شدیم. آقای مختاری همه باید‌ها و نیاید‌های مُحرم شدن را برای چند مرتبه بارگو کرد. از اولین دیدار با کعبه‌ی گفت و آرزوها و حاجتی که خدای محمد در این دیدار رقم می‌زند. می‌گفت: اولین حاجت سلامتی و ظهور امام عصر باشد.

سپیدپوش وارد مسجدالحرام شدیم. صدای میهم حاج آقا و اطرافیان را مانند همههم آدم‌ها در یک فضای بسته بود. نمی‌توانستم یا نمی‌خواستم بشنوم. می‌خواستم خودم باشم و خدای محمد... سربه سجده گذاشتم و آنچه در دل داشتم به او گفتم که نامه نانوشته خواند...

یادداشت

دکتر ایرج خسرو نیا | رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران

نیازهای امروز دنیای پزشکی



این روزها در پزشکی با پدیده تازه‌ای مواجهیم. واقعیت این است که متأسفانه در سال‌های اخیر، شاهد کاهش استقبال برای گذراندن دوره‌های تخصص و فوق تخصص پزشکی هستیم. ختص به کشور ایران نیست، بلکه راجع است و بسیاری از ظرفیت‌های فوق تخصص از متقاضی

این درحالی است که ما به تقویت طب اخلی که مادر پزشکی است نیز نیاز داریم و باید این رشته تقویت شود. همین دلیل است که در بسیاری از کشورهای اروپایی، پزشکان متخصص بیمارستانی را به اصطلاح «ها اسپتالیست» تربیت می کنند که به نوعی یک متخصص جامع در بیمارستان محسوب می شود و تمام بخش های داخلی و تخصصی، آی سی یو، سی سی یو، اندوسکوپی، آی سورتی و ... را تحت نظارت و مدیریت درمانی خود دارند. درواقع هاسپتالیست است، یک متخصص داخلی آموزش دیده است و در صورت تشخیص و ضرورت، بیمار را به پزشکان فوق تخصص راجع می دهد. حال همه این نیازها و ضرورت ها را در کنار راین واقعیت قرار دهید که ما در دانشگاه های ایران، بشنای اینها عنوان نداریم.

برای همین است که توجه به پرورش نیروهای متخصص فوق‌متخصص از یک طرف و راه‌اندازی رشته طب بیمارستانی در دانشگاه‌های مادر، از طرف دیگر، ضرورتی است. توصیه‌ها برای این روزهایی دنیای پزشکی به همین دلیل امیدواریم که مسئولان این توصیه (امور) توجه قرار دهند تا با تقویت رشته دندانپزشکی راه‌اندازی رشته هاسپیتالست از سردرگمی بیماران و صرف هزینه‌های فراوان بابت تغییر پزشک معالج و رفتن سراغ فوق تخصص‌های متنوع جلوگیری شود. باید توجه کرد که تلاش برای تربیت دانش‌آموختگان رشته تخصصی طب بیمارستانی به جای ایجاد رشته‌های موازی، یکی از هدف‌های مهم در پیشرفت آینده کشور باشد.

۴ علامت کمبود پروتئین در بدن



محبوب، پروتئین می‌تواند به پوست
و مو آسیب بزند، چراکه در شرایط
محبوب، بدن آنها را در اولویت
سازد تا آب را از دست ندهد.

تغییرات



کمبود پروتئین ابتدا باعث کاهش وزن می‌شود اما در بلندمدت، با کاهش افت متابولیسم، سبب افزایش وزن خواهد شد.

دست دادن عضله



با کمبود پروتئین، بدن از پروتئین عضلات برای تامین نیازهای حیاتی‌اش استفاده می‌کند.

شکستگی استخوان



برای حفظ سلامت و استحکام استخوان‌ها کلسیم، ویتامین D و کلاژن ضروری است.

ریه‌های یاب‌کورنی، یکی از عارضه‌های مصرف سیگار الکترونیک است

ریه‌ها را بخار نکنید!



می‌خواهد سیگار سنگین باشد یا سبک، فلیان باشد یا سیگار الکترونیک؛ همه، در هر شکل و اندازه‌ای، برای سلامتی اعضای بدن انسان به‌ویژه ریه‌ها مضر هستند. اما در این میان، سیگار الکترونیک متفاوت‌تر از آنچه نشان می‌دهد عمل تصور عموم که ویپ‌ها یا همان سیگار برقی بدان در دارد، اما بخار تولیدشده برای بسیار ریه‌ای دارد که می‌توانند به و باعث التهاب و آسیب به بافت آنها و بطور و چگونه خودش نشان می‌دهد؟ شرکت‌های دخانی متوجه شدند که مز مضرات سیگار و نیکوتین، استقبال می‌شود. روز به روز کمتر می‌شود. در همان این بود که برای تولید محصولات از ترش‌های دیگری استفاده کنند. و قطران است: «اما این سیگارها، ریه دارند که می‌توانند اعضای مختلف رسوب بر آنها بگذرانند. روافع هیچ‌کدام جدید نتوانست از مضرات سیگار برای کم کند.» این را دکتر صمدرضا جباری‌نادر دانشگاه شهید بهشتی می‌گوید و می‌گوید سیگارهای سنگین مضرات کمتری دارند، چراکه نیکوتین لازم استعمال سیگار جذب می‌شود و دیگر بکار بعدی نمی‌رود اما سیگارهای لایت کمی دارند که هنوز اولی تمام نشده و در زمان کوتاه، به تعداد دفعات بالایی است این محصول، شرکت‌های تجاری، سیگار الکترونیک رفتند و این تصور را داختند که ویپ‌ها یا همان سیگارهای دیگر محصولات دخانی ضرر کمتری ساس یافته‌های علمی، این موضوع

سرتا یا مضر ❄️

تحقیقات ثابت کرده است که انواع سیگارها، از سیگارهای نئینگین تا سبک و سیگارهای الکترونیک، تنها برای ریه ص بلکه برای همه بدن مضر هستند؛ چنانچه تأثیراتشان از راز پزشکی مو تأری دید و گرفتگی عروق و... دیده شده است. اما دکتر جباری از ویژگی های اختصاصی و منحصره فرد سیگارهای الکترونیک می گوید: «ماده اولیه ویپها، فنول است؛ ماده ای که بر اثر حرارت، بخاری شیشه به دود سیگار ایجاد می کند و می تواند همان احساس رضایت را در فرد مصرف کننده به وجود آورد اما شد تخریبی، بیشتر از سیگار! چنانچه یک مطالعه طولانی مدت در انگلیس انجام

روزنه‌های امید برای بهبود

آگاهی نسبت به مضرات ویپ یا همان سیگار الکترونیک و به دنبال آن ترک استعمال آن، می‌تواند ربه را دوباره به حالت قبل برگرداند؛ سؤالی که دکتر جباری، استاد دانشگاه شهید بهشتی، به آن پاسخ می‌دهد: «واقعیت این است تخریب‌های

السلام عليكم كمالى بن الرضا



جہان شکر برکت و کرامت

هدیه دوره ششم مدیریت شهری به مناسبت دهه کرامت



مترو مشهد به «حرم مطهر» رسید



ریتالین و خطر روان پریشی



ریتالین، محرکی از خانواده آمتامین‌ها است که با افزایش ترشح دوپامین باعث سرخوشی کاذب و کاهش احساس خستگی می‌شود. دانش‌آموزان والدین آنها باید توجه داشته باشند که این دارو مغز را فریب می‌دهد تا نیاز به خواب و استراحت را نادیده بگیرد اما این بی‌نیازی کاذب، عوارضی چون پرخاشگری، اضطراب و حتی روان‌پریشی به دنبال دارد. شباهت ترکیبات ریتالین به مواد مخدری مثل کوکائین و اکستازی، خطر اعتیاد به محرک‌های قوی‌تر را افزایش می‌دهد. هم‌زمان با ورود ریتالین به بازار، سوءاستفاده از آن نیز آغاز شد. دانشجویان پزشکی، به دلیل آشنایی با خواص این دارو و فشارهای تحصیلی، از اولین گروه‌های سوءمصرف‌کننده این دارو به‌شمار می‌روند. این استفاده نادرست به‌تدریج در بین دیگر گروه‌های جامعه نیز گسترش یافت و ریتالین به‌جای داروی روان‌درمانی، به‌عنوان «قرص شب امتحان» یا «قرص لاغری» یا «قرص سرخوشی» شناخته شد و حتی به دورهمی‌های شبانه نیز راه پیدا کرد. گزارش‌ها نشان می‌دهد در فصل امتحانات و کنکور، مصرف ریتالین تا ۵۰ درصد افزایش می‌یابد. مطالعه‌ای روی دانشجویان ایرانی نشان‌دادشش نفر از هر ۱۰ دانشجوی سابقه مصرف این دارو دارند. این آمار با توجه به خاصیت اعتیادآوری ریتالین، رزق خطری جدی است. مصرف مداوم ریتالین منجر به وابستگی می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی مصرف‌کنندگان حتی دچار سوءعظن شدید و رفتارهای خشونت‌آمیز، مانند حمله به اعضای خانواده، شده‌اند. تصوری خطر بودن ریتالین به دلیل تجویز پزشکی، باعث شده عوارض سنگین آن که مشابه آفتامین‌ها است، نادیده گرفته شود. البته لازم به یادآوری است که مصرف ریتالین اگر به دستور پزشک انجام شود و شخص دوزهای مشخصی را دریافت کند، در رفع برخی مسائل مفید است اما سوءمصرف آن خطرانی چون اعتیاد، روان‌پریشی و حتی مرگ را به دنبال دارد. بنابراین آگاهی از خطرات این دارو و پرهیز از مصرف خودسرانه آن ضروری غیرقابل انکار است.



ساخت واحد مسکونی برای فرهنگیان

علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش گفت: براساس تفاهم‌نامه همکاری احداث مسکن فرهنگیان با وزارت مسکن و شهرسازی قرار است با استفاده از ظرفیت‌های وزارت آموزش و پرورش و تکالیف وزارت راه و شهرسازی، حدود ۲۰۰ هزار واحد مسکونی برای فرهنگیان احداث شود. / ایرنا



چند قلوه‌ها زیر چتر بهزیستی

مریم خاک‌رنگین، مدیرکل دفتر خانواده، بانوان و سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفت: اکنون ۲۸ هزار و ۱۹۴ نفر از خانواده‌های دارای فرزندان چندقلو، مشمول دریافت مستمری از سازمان بهزیستی هستند و بیش از ۱۵۰۰ پرونده در نوبت بررسی است. / جام‌چم

با نزدیک شدن به زمان برگزاری امتحانات نهایی، مصرف داروهایی مانند ریتالین در بین دانش‌آموزان افزایش پیدا می‌کند

سوداگران شب امتحان



علوم پزشکی شهید بهشتی در گفت‌وگو با جام‌چم در این باره می‌گوید: در دو تا سه دهه اخیر، با سرعت چشمگیر رشد علم و فناوری، مصرف داروهای نوروتروپیک یعنی داروهایی که برای افزایش توانایی‌های ذهنی و شناختی مورد استفاده قرار می‌گیرد، به طرز محسوسی افزایش یافته است. این داروها مکانیسم و اثرات گوناگونی دارند و انواع مختلفی از آنها وجود دارد که یکی از شناخته‌شده‌ترین آنها ریتالین است. وی می‌افزاید: این دارو در اصل برای درمان اختلال نقص توجه - بیش‌فعالی (ADHD) در کودکان و نوجوانان تجویز می‌شود اما متأسفانه امروزه در میان برخی افراد به‌ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان مورد سوءمصرف قرار می‌گیرد؛ به‌ویژه در زمان امتحانات یا زمانی که فرد می‌خواهد بیدار بماند و تمرکز بیشتری داشته باشد.

علی‌رغم باور غلطی که اعتیاد را تنها در مصرف مواد مخدر می‌دانند و عقیده دارند داروهایی که از داروخانه‌ها تهیه

در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر، میان

تب‌وتاب امتحانات پایان‌ترم، نجوایی در گوش دانش‌آموزان و دانشجویان می‌پیچد: «پاس کردن امتحانات با ریتالین!» این قرص کوچک، که با نام «قرص شب امتحان» میان جوانان کشور شناخته می‌شود، وعده تمرکز آهنبین و بیداری ۲۴ ساعته می‌دهد اما

پشت این وعده‌های وسوسه‌انگیز سودجویان و بازارگرمی‌های‌شان، سایه‌ای از خطر کمین کرده است؛ خطری مانند مبتلاشدن به روان‌پریشی، به همین دلیل در آستانه برگزاری امتحانات باید به دانش‌آموزان و والدین هشدار داد که مراقب باشند در دام سودجویان نیفتند.

۱ ریتالین چیست و چرا وسوسه‌انگیز است؟

ریتالین (متیل‌فنیدات) دارویی محرک است که عمدتاً برای درمان اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی (ADHD) و نازکولسی (اختلال خواب) تجویز می‌شود. این دارو با افزایش سطح دوپامین و نوراپی نفرین در مغز، تمرکز را بهبود می‌بخشد و هوشیاری را تقویت می‌کند. همین ویژگی‌ها باعث شده که ریتالین در میان دانش‌آموزان و دانشجویان، به‌ویژه در فصل امتحانات، به «قرص جادویی» شهرت پیدا کند. براساس گزارش‌ها، برخی دانشجویان و دانش‌آموزان ایرانی، به‌خصوص در مقاطع دبیرستان، برای بیدار ماندن طولانی‌مدت و افزایش تمرکز، به مصرف خودسرانه این دارو روی می‌آورند، غافل از این‌که این انتخاب ممکن است هزینه‌ای سنگین به دنبال داشته باشد.

۲ عوارض ریتالین

در سال‌های اخیر، مصرف خودسرانه ریتالین در کشور، به‌ویژه در ایام امتحانات و کنکور، رشد چشمگیری داشته است. متأسفانه برخی دانش‌آموزان، تحت فشار رقابت‌های تحصیلی و تبلیغات نادرست، به این دارو به‌عنوان راه‌حلی سریع برای موفقیت روی می‌آورند. رئیس اداره نظارت بر دارو و مواد مخدر سازمان غذا و دارو نیز به‌تازگی درباره رواج مصرف ریتالین و افزایش اعتیاد به آن در میان دانش‌آموزان هشدار داده است. دکتر جمال شمس، روانپزشک و عضو هیأت علمی دانشگاه



زهرامحمدی گروه جامعه

اختلال یادگیری در ۶ درصد کودکان

علی حسینی، رئیس دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی با اشاره به شیوع ۶ درصدی اختلالات یادگیری در کودکان گفت: دسترسی عادلانه به خدمات توانبخشی برای کودکانی که دچار اختلالات یادگیری، جسمی و حرکتی هستند از طریق پوشش بیمه‌ای ضروری است. / فارس



اختلالات روانی شدید، روان‌پریشی و حتی بیماری‌های مزمن روانی نیز منجر شود و تبعات جبران‌ناپذیری به دنبال داشته باشد. قسمت تلخ ماجرا این است که برخی از نوجوانان و جوانان درحالی فریب بازار گرمی سودجویان قرص ریتالین و محصولات مشابه آن‌را می‌خورند و به عوارض آن تن می‌دهند که از نظر کارشناسان این قرص‌های پرخطر، جایگزین‌های طبیعی و کم‌دردتری هم دارند. مثلاً یکی از جایگزین‌های قابل‌توصیه، کافئین است که هم در منابع طبیعی مانند چای و قهوه یافت می‌شود و هم به‌صورت مکمل‌های دارویی در بازار وجود دارد. استاد دانشگاه شهید بهشتی در این باره مطرح می‌کند: کافئین، به‌عنوان یک ماده محرک طبیعی که صدها سال است انسان از آن استفاده می‌کند، گزینه‌ای بسیار امن‌تر نسبت به ریتالین به شمار می‌رود؛ داروهایی که آثار بلندمدت‌شان بر مغز کاملاً شناخته نشده و ممکن است خطرات جدی ایجاد کنند.

۳ در جست‌وجوی میانبرهای خطرناک!

فصل امتحانات، برای بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان، میدان رقابتی نفسگیر است؛ جایی که فشارهای اجتماعی و انتظارات سنگین خانواده‌ها، جوانان را به سوی انتخاب‌های پرخطر سوق می‌دهد. در این میان، قرص ریتالین به‌عنوان «راه‌حلی سریع» برای افزایش تمرکز و هوشیاری، وسوسه‌ای بزرگ پیش روی آنهاست. دکتر شمس نیز این موضوع را تأیید می‌کند و یکی از علل گرایش این روزهای نوجوانان و جوانان به سمت ریتالین را فشارهای اجتماعی می‌داند و می‌گوید: وقتی فرد در موقعیتی قرار می‌گیرد که ناچار است عملکرد ذهنی بالایی داشته باشد، شاید وسوسه شود که به ریتالین یا داروهای مشابه پناه ببرد. این روزها متأسفانه برخی خانواده‌ها تحت تأثیر جو رقابتی و فشارهای جامعه، تلاش می‌کنند به هر قیمتی فرزندان‌شان را به موفقیت تحصیلی برسانند در حالی که مسیر باید از دره‌ست مثل برنامه‌ریزی مناسب، مطالعه و زمان‌بندی اصولی طی شود نه به استفاده از دارو و روش‌هایی که ممکن است به سلامت جسمی و روانی کودک آسیب بزنند. چراکه هر موفقیتی، ارزش خاص خود را دارد اما به معنای آن نیست که باید به هر قیمتی به آن دست یافت. حفظ سلامت روان و جسم، مهم‌ترین اصل در مسیر رشد و پیشرفت است.

آگهی تجدید مناقصه عمومی (دومرحله‌ای)

شرکت توزیع نیروی برق استان یزد

شرکت توزیع نیروی برق استان یزد در نظر دارد

کالاهای مشروحه ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دومرحله‌ای

همراه با ارزیابی کیفی از فروشندگان و تامین‌کنندگان دارای تأیید شرکت توانیر و واجد شرایط خریداری نماید.

لذا متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۲ لغایت ۱۴۰۴/۰۲/۲۷ از طریق سامانه ستاد ایران به آدرس www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند و پیشنهادات خود را با توجه به مندرجات دفترچه مناقصه طرف مهلت مقرر در جدول زیر در سامانه ستاد ایران باگذاری و ضمناً پاکت‌های مناقصه را به دبیرخانه این شرکت تحویل نمایند. ضمناً به پیشنهادهای تحویل داده شده بعد از انقضاء مدت و باگذاری نشده در سامانه، ترتیب اثر داده نخواهد شد .

شماره فراخوان تجدید مناقصه در سامانه ستاد: ۱۶-۰۶۶۰۰۰۰-۲۰۰۴۰۰۵

ردیف	شماره مناقصه	شرح مناقصه	مقدار (متر)	تضمین شرکت در مناقصه	نوع ضمانتنامه	زمان تحویل پاکت‌ها	زمان بازگشایی پاکت ارزیابی کیفی
۱	۱۴۰۴/۱۰۲/۲	خرید کابل ۲۰ کیلوولت تک رشته سطح مقطع ۱۸۵ با هادی آلومینیوم	۷۰۰۰	۲,۳۱۲,۰۰۰,۰۰۰	۱- ضمانتنامه بانکی ۲- از محل مطالبات ۳- فیش نقدی	۱۴۰۴/۰۴/۱۱ ساعت ۱۴	۱۴۰۴/۰۴/۱۲ ساعت ۱۰:۳۰ صبح

هزینه درج آگهی مناقصه و کسورات قانونی به عهده برنده مناقصه می‌باشد. به پیشنهادات مشروط، مبهم، مخدوش و فاقد سپرده و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر ارسال گردد و یا در سامانه ستاد باگذاری نگردد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

داوطلبان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۳۶۲۴۸۹۸۹-۰۳۵ و ۳۶۲۴۳۱۱۱-۰۳۵ امور تدارکات تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان یزد **شماره ۱۹۲۷۸۰۵**

آگهی مناقصه عمومی دومرحله‌ای

مناقصه عمومی دومرحله‌ای خرید، نصب و راه‌اندازی یک دستگاه چیلر تراکمی هواخنک ۱۲۰ تن واقعی

نام و نشانی مناقصه گزار : سازمان فرهنگی هنری، ورزشی و سیاحتی کوثر به نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، روبه‌روی خیابان اراک، پلاک ۱۳۷

نشانی محل موضوع مناقصه : کیلان، بندرانزلی، کیلومتر ۵ جاده آستارا، هتل سفیدکنار انزلی

نوع و مبلغ تضمین شرکت در مزایده:

ردیف	موضوع مناقصه	شماره مناقصه در سامانه	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه
۱	مناقصه عمومی دومرحله‌ای خرید، نصب و راه‌اندازی یک دستگاه چیلر تراکمی هواخنک ۱۲۰ تن واقعی	۰۰۰۴۰۹۲۱۲۲۰۰۰۰۰۳	۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

لازم است مبلغ تضمین به صورت ضمانت‌نامه بانکی بدون قید و شرط یا رسید واریز نقدی به حساب شماره ۰۲۳۵۸۷۱۸۰۰۸ نزد بانک دی شعبه قائم مقام به‌نام سازمان فرهنگی هنری، ورزشی و سیاحتی کوثر قابل واریز در کلیه شعب بانک دی ارائه گردد.

توضیحات: کلیه مراحل برگزاری مناقصه در دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه از ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ می‌باشد.

مهلت زمان دریافت اسناد مناقصه: از ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۷ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌باشد.

مهلت آلود اسناد و باگذاری پیشنهاد: از ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۸ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) می‌باشد.

مدیریت سازمان فرهنگی هنری، ورزشی و سیاحتی کوثر

آگهی مزایده عمومی

مزایده عمومی برونسپاری (اجاره) رستوران نگارستان مجتمع فرهنگی گردشگری کوثر ملک شهر اصفهان

نام و نشانی مزایده‌گزار : سازمان فرهنگی هنری، ورزشی و سیاحتی کوثر به نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، روبه‌روی خیابان اراک، پلاک ۱۳۷

نشانی محل موضوع مزایده: اصفهان، ملک شهر، خیابان بهارستان غربی، جنب شهرسازی ملک شهر مجتمع فرهنگی گردشگری کوثر ملک شهر اصفهان

نوع و مبلغ تضمین شرکت در مزایده:

ردیف	موضوع مزایده	شماره مزایده در سامانه	مبلغ تضمین شرکت در مزایده
۱	برونسپاری (اجاره) رستوران نگارستان مجتمع فرهنگی گردشگری کوثر ملک شهر اصفهان	۰۰۰۴۰۹۲۱۲۲۰۰۰۰۰۳	۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

لازم است مبلغ تضمین به صورت ضمانت‌نامه بانکی بدون قید و شرط یا رسید واریز نقدی به حساب شماره ۰۲۳۵۸۷۱۸۰۰۸ نزد بانک دی شعبه قائم مقام به نام سازمان فرهنگی هنری، ورزشی و سیاحتی کوثر قابل واریز در کلیه شعب بانک دی ارائه گردد.

توضیحات: کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.

تاریخ انتشار مزایده در سامانه از ساعت ۱۳ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ می‌باشد.

مهلت زمان دریافت اسناد مزایده: از ساعت ۱۳ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ تا ساعت ۱۹ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) می‌باشد.

مهلت آلود اسناد و باگذاری پیشنهاد: از ساعت ۱۳ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ تا ساعت ۱۹ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۸ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) می‌باشد.

مدیریت سازمان فرهنگی هنری، ورزشی و سیاحتی کوثر

آگهی مزایده عمومی

مزایده عمومی برونسپاری (اجاره) کترینگ، تالار بهشت و سالن شام مجتمع فرهنگی گردشگری کوثر ملک شهر اصفهان

نام و نشانی مزایده‌گزار : سازمان فرهنگی هنری، ورزشی و سیاحتی کوثر به نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، روبه‌روی خیابان اراک، پلاک ۱۳۷

نشانی محل موضوع مزایده: اصفهان، ملک شهر، خیابان بهارستان غربی، جنب شهرسازی ملک شهر مجتمع فرهنگی گردشگری کوثر ملک شهر اصفهان

نوع و مبلغ تضمین شرکت در مزایده:

ردیف	موضوع مزایده	شماره مزایده در سامانه	مبلغ تضمین شرکت در مزایده
۱	برونسپاری (اجاره) کترینگ، تالار بهشت و سالن شام مجتمع فرهنگی گردشگری کوثر ملک شهر اصفهان	۰۰۰۴۰۹۲۱۲۲۰۰۰۰۰۳	۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

لازم است مبلغ تضمین به صورت ضمانت‌نامه بانکی بدون قید و شرط یا رسید واریز نقدی به حساب شماره ۰۲۳۵۸۷۱۸۰۰۸ نزد بانک دی شعبه قائم مقام به نام سازمان فرهنگی هنری، ورزشی و سیاحتی کوثر قابل واریز در کلیه شعب بانک دی ارائه گردد.

توضیحات: کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.

تاریخ انتشار مزایده در سامانه از ساعت ۱۳ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ می‌باشد.

مهلت زمان دریافت اسناد مزایده: از ساعت ۱۳ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ تا ساعت ۱۹ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) می‌باشد.

مهلت آلود اسناد و باگذاری پیشنهاد: از ساعت ۱۳ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ تا ساعت ۱۹ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۸ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) می‌باشد.

مدیریت سازمان فرهنگی هنری، ورزشی و سیاحتی کوثر

جمعمه و بقایای جسد یک مرد در باغچه یک خانه ویلایی در شهر قزوین کشف و این مرد به عنوان مظنون در ناپدید شدن برادرش در تهران بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل دی سال گذشته زنی باحضور در اداره چهارم پلیس آگاهی تهران شکایت کرد، برادر میانسالش به‌طور مشکوکی ناپدیدشده وآخرین ملاقاتش بامدیر شرکت تولیدی بوده‌است. این مرد بازداشت و مدعی شد که اوسرقرابا وی نیامده و دیگر از او خبری ندارد. ماموران به تحقیق از

معمای کشف جمعمه انسان در باغچه

خواهر وبقیه اعضای خانواده مردگمشده پرداختند؛ معلوم شد برادری ۶۰ساله دارند که ارتباط خوبی با اعضای خانواده ندارد و مدت‌ها با برادر گمشده‌شان اختلاف مالی داشته و بارها دعو او درگیری داشتند. این مظنون چند هفته قبل

بازداشت شدودر تحقیقات گفت؛ بارها با برادرم بر سر مسائل و اختلافات کاری - مالی دعوا و درگیری داشتیم اما از سرنوشت او بی‌خبرم. او منزلی ویلایی در شهر قزوین دارد. دو روز پیش ماموران به آنجا رفتند و به کمک یک قلابه سگ به بررسی محل پرداختند. در ادامه جمعمه و بقایای

دزدان بانک ملی در برابر اتهام افساد فی الارض

قضات دیوان عالی کشور با رد مجازات قطع چهار انگشت سارقان بانک ملی، پرونده را از مصادیق افساد فی الارض تشخیص داده و آن را در صلاحیت دادگاه انقلاب تهران اعلام کردند.
پیش از این متهمان در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شده بودند. در صورت اثبات اتهام دو سارق اصلی در دادگاه انقلاب آنها با مجازات مرگ روبه‌رو می‌شوند.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از صبح ۱۶ خرداد سال ۱۴۰۱، هنگامی آغاز شد که کارمندان خدمات بانک ملی شعبه دانشگاه تهران، در ساختمان اصلی شعبه را باز کردند. آنها در کمال ناباوری، متوجه دستبرد دزدان به بانک شدند.

با گزارش ماجرا به پلیس، مشخص شد که سارقان با

تخریب در ورودی مخزن صندوق‌های امانات به‌وسیله هواپرش، وارد آنجا شده و قفل ۲۵۰ صندوق را شکسته و از ۱۴۵ صندوق سرقت کرده‌اند. تحقیقات در این رابطه آغاز

شد و دو متهم اصلی در ترکیه دستگیر و به کشور استرداد شدند. دیگر متهمان که در انتقال پول‌های سرقتی نقش داشتند هم بازداشت شدند. برای متهمان اصلی به اتهام افساد فی الارض کیفرخواست صادر و پرونده به دادگاه

انقلاب ارسال شد که قضات دادگاه سرقت را از موارد افساد فی الارض تشخیص نداده و پرونده را برای بررسی اتهام

سرقت حدی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال کردند. متهمان چندی قبل در شعبه دهم محاکمه شده و

به دفاع از خود پرداختند. آرمین، متهم ردیف اول پرونده در این جلسه در تشریح نقشه سرقت گفت: «پیش از این قصد

سرقت از صندوق امانات بانک تجارت را داشتیم که موفق

نشدیم. یک ماه قبل از سرقت، کاری پیش آمد و به بانک ملی

قطع دست مالباخته از سوی دزدان مست

پنج جوان و یک نوجوان که از شهر قدس به پارک‌های تهران می‌آمدند و با دعوای ساختگی مستانه، موتورسیکلت و گوشی افراد را سرقت می‌کردند، بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار جام جم، بیست و سوم فروردین امسال مردی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و اطلاع داد افرادی قمه به دست در بوستان چیتگر به پیری ۱۶ ساله حمله‌ور شده و پس از سرقت موتورش، دست او را قطع کردند. نوجوان زخمی با اورژانس راهی بیمارستان شد. با تحقیق از شاهدان ماجرا معلوم شد که سارقان پنج جوان و یک پسر نوجوان هستند. پسر زخمی در بیمارستان تحت عمل جراحی قرار گرفت و پزشکان موفق شدند دست او را پیوند بزنند. با زنده ماندن مالباخته پلیس به تحقیق از او پرداخت که گفت: آن شب برای تفریح به بوستان چیتگر رفته بودم، پنج پسر جوان و یک نوجوان با دو موتورسیکلت آمده بودند. مست بودند. بعد دعوایی میان آنها رخ داد. با دیدن این صحنه ترسیدم سمت موتورم رفتم تا به خانه‌مان بازگردم که به من حمله‌ور شدند، تکم زدند و بر زور موتورسیکلت را از من گرفتند. بعد یکی از آنها با قمه به دستم ضرباتی زد که باعث قطع دستم شد. زخمی و نیمه جان کناری افتادم. وقتی در بیمارستان به هوش آمدم فهمیدم دستم را عمل کرده‌اند و معجزه‌آسا زنده ماندم.

ماموران در ادامه تحقیقات پلیسی با چند فقره

قتل همسر به خاطر خرید گوشی قسطی



مرد میانسال که در میانه دعوا با همسرش وقتی فهمید او گوشی ۲۰میلیون تومانی قسطی خریده است با او درگیر شد و با دستانش وی را خفه کرد. قاتل ساعاتی بعداز جنایت به کلانتری رفت و خود را تسلیم کرد. به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت دو بامداد یکشنبه بیست و یکم اردیبهشت امسال مردی ۴۵ ساله هراسان وارد کلانتری هفت چنار تهران شد و به افسر نگهبانی اعلام کرد همسر ۳۷ ساله‌اش را در خانه‌شان به قتل رسانده است. ماموران با ثبت اظهارات او برای بررسی ماجرا به خانه‌اش در طبقه اول ساختمانی در نزدیکی خیابان قزوین تهران رفتند و در گوشه‌ای از اتاق نشیمن جسد زن ۲۷ ساله را یافتند. در فرزند ۱۱ و ۱۴ ساله‌اش هم که بعد از جنایت بیدار شده بودند نزد همسایه‌ها رفته بودند. دختر ۶ ساله خانواده نیز همچنان در اتاق دیگری خواب بود. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد او بر اثر خفگی به قتل رسیده و ساعاتی از جنایت می‌گذرد.

ساعت سه بامداد با اطلاع موضوع جنایت به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران او همراه تیم جنایی پلیس آگاهی در محل حاضر شد. ماموران به تحقیق از همسایه‌ها پرداختند که معلوم شد این زوج همیشه بر سر مسائل مختلف با هم دعوا و درگیری داشتند. آخرشب صدای دعوای شان را شنیدند و تصور کردند، شاید پایان بگیرد که این گونه نشد و فهمیدند این دعوا عاقبت تلخی داشته است. متهم در اظهاراتش گفت: ثمره زندگی‌مان دختری خردسال و دو فرزند ۱۱ و ۱۴ ساله دیگر است. نیروی خدماتی مترو هستم. همسرم همیشه بدون اجازه من وسایل مورد نیازش را قسطی می‌خرد. همین باعث بروز مشکلاتی برایم شده بود و مدام از او می‌خواستم این‌طور رفتار نکند زیرا من دچار مشکلات مالی می‌شوم. سر همین اتفاقات با هم درگیر بودیم. آن شب ساعت ۳۰ دقیقه بامداد دوباره دعوای مان شد. بچه‌ها خوابیده بودند و چون خواب‌شان سنگین است زیاد متوجه دعوا و حتی جنایت من نشدند. فهمیدم گوشی ۲۰ میلیون تومانی قسطی خریده و باید اولین قسط آن را که سه میلیون تومان است به زودی بپردازم. ناراحت شدم که چرا بدون مشورت با من این کار را انجام داده است. اصرار می‌کرد که باید به زودی قسط را بپردازم در غیر این صورت فروشنده او را به دردمر می‌اندازد. سر این موضوع درگیر شدیم و در اوج عصبانیت یک‌دفعه گلویش را گرفتم و فشار دادم. هایش که کردم او کف اتاق افتاد. نبض نداشت و نفس نمی‌کشید. فهمیدم مرده که به همسایه‌ها خبر دادم که پیش بچه‌هایم آمدم. خواستم فرار کنم که با دیدن بچه‌هایم دچار عذاب وجدان شدم. پس به کلانتری هفت چنار رفتم و خودم را تسلیم کردم.

موسی رضازاده، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: متهم به همسرکشی به اتهام قتل عمد در بازداشت است و قرار شد به پزشکی قانونی معرفی و سلامت روانی‌اش بررسی شود. علاوه بر آن چون هنوز خانواده مقتول و قاتل شناسایی نشده‌اند، با هماهنگی قضایی سه فرزند مقتول تحویل بهزیستی شدند تا بعد تحویل خانواده‌های شان شوند.



متهم به همراه عرووش در این حادثه هولناک دامه به سمت یکی دیگر از پسرانش که او هم در خواب بود شلیک می‌کند و به سمت اتاق خوابی می‌رود که عرووش در آن بوده و به سمت او نیز شلیک می‌کند. در این حادثه، همسر، مادر همسر و یکی از پسران متهم به قتل رسیدند. یکی از پسران

می‌دهد، در داخل خودرو به سمت همسرش شلیک کرده و او را به قتل می‌رساند. محمدی ادامه داد: متهم پس از قتل همسرش، ماشین را به داخل پارکینگ منزل برده و سپس به طبقه بالا می‌رود و وارد منزل می‌شود. در ابتدا به سمت یکی از پسرانش که در خواب بوده شلیک می‌کند و او را به قتل می‌رساند. پس از

جام جم

حوادث INCIDENT

۱۹

دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ ■ شماره ۷۰۴۱

● کوتاه‌ازحوادث

۲کشته در حادثه هواپیمای بوئینگ

● دو تکنیسین فنی هنگام تعمیر بوئینگ ۷۳۷ وارش دچار حادثه شده و فوت کردند.

به‌گزارش کن نیوز، ساعت ۱۲:۳۵ ظهر بیست‌ویکم اردیبهشت‌ماه امسال، یک فروند هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ متعلق به شرکت هواپیمایی وارش هنگام انجام عملیات تعمیراتی در محل تأسیسات شرکت فارسکو بود که دچار سانحه شد. بنابر گزارش‌های اولیه، در جریان این عملیات، ارابه فرود جلوی هواپیما (لندینگ‌گیر) به‌صورت ناخواسته جمع‌شدو در نتیجه، دماغه هواپیما فروریخت. دونفر از تکنیسین‌های فنی حاضر در محل به نام‌های جلیل یزدانی و محمود اعصابی جان باختند.

۲ متجاوز اعدام شدند

● دو زندانی متجاوز، یکی در میانه و دیگری در شاهرود به دار مجازات آویخته شدند.

به‌گزارش جام جم، اولین متجاوز که در شهرستان میانه اعدام شد، با شکایت خانواده‌ای جرائمش فاش شد. در این پرونده در اوایل مرداد سال ۱۴۰۲، خانواده‌ای در حین برگزاری مراسم عمومی در یکی از شهرک‌های شهرستان به عوامل پلیس مراجعه و اعلام کردند که کودک ۱۰ ساله‌شان ناپدید شده است. در جریان تحقیقات معلوم شد که او توسط فردی ربوده و به داخل منزل شخصی برده شده و مورد تجاوز قرار گرفته است. در ادامه تحقیقات پلیسی کودک نجات یافته و متهم بازداشت شد. این زندانی در دادگاه محاکمه و به اعدام محکوم شد که پس از تأیید حکم در دیوان عالی کشور و استیدان صورت‌گرفته، بامداد دیروز به دار مجازات آویخته شد.

دومین مورد اعدام، مردی در شهرستان شاهرود بود که چندی قبل زنی را مورد تجاوز قرار داده بود. او با شکایت زن، تحت تعقیب پلیس قرار گرفته و بازداشت شد. مدتی بعد محاکمه و حکم اعدام گرفت که این حکم در دیوان عالی کشور تأیید و سرانجام این زندانی دیروز به دار مجازات آویخته و اعدام شد.

نجات ۱۳۰ نفر در هتل

● بیش از ۱۳۰ نفر در آتش‌سوزی یک هتل در خیابان مفتح نجات یافتند.

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در این‌باره به جام‌جم گفت: ساعت ۴:۰۴ بامداد یکشنبه حادثه آتش‌سوزی یک هتل در خیابان مفتح به سامانه ۱۲۵ اعلام شد و آتش‌نشانان چهار ایستگاه به آنجا اعزام شدند. کانون اصلی آتش‌سوزی در قسمت سونای خشک در زیرزمین هتل بود و آتش در حال سرایت به بقیه بخش‌های این هتل از جمله استخر بود. این هتل چهار طبقه بیش از ۱۳۰ نفر و خدمه داشت که آتش‌نشانان همزمان با خاموش‌کردن آتش، نسبت به انتقال مسافران به محل امن اقدام کردند. این حادثه بدون مصدومیت به پایان رسید.

قتل راننده در جاده

● افرادی مسلح به سمت یک خودرو در حال حرکت در مسیر چشمه زیارت زاهدان شلیک کرده و راننده را به قتل رساندند.

سرهنگ حمید نوری، فرمانده انتظامی شهرستان زاهدان در این‌باره به ایسنا گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر تیراندازی به‌سمت خودروی تویوتا در محور چشمه‌زیارت شهرستان زاهدان، تحقیقات پلیسی در این رابطه آغاز شد. همزمان با حضور مأموران در محل معلوم شد عاملان مسلح به‌سمت خودروی تویوتای در حال تردد به سمت روستای نورآباد از منطقه چشمه زیارت شهرستان زاهدان تیراندازی کردند. در این حادثه راننده به قتل رسیده و ضارب‌ان گریختند.

پایان فرار سگ آزار

● عامل آزار و اذیت یک سگ که فیلم آن در فضای مجازی منتشر شده بود، بازداشت شد.

به‌گزارش روابط عمومی دادگستری، به‌دنبال بخش تصاویری در فضای مجازی که در آن یک قلابه سگ توسط یک خودرو بر زمین کشیده می‌شود، دادستان شهرستان پارس‌آباد به این موضوع ورود و دستور پیگرد قضایی عامل حیوان‌آزاری را صادر کرد.

فیروز فرهانی، دادستان پارس‌آباد در این‌باره گفت: با تشکیل پرونده قضایی برای متهم، فرد سگ‌آزار توسط مأموران انتظامی شهرستان شناسایی و دستگیر شد.

پیشخوان

۱۰۷۵

۱۲ ضمیمه خانواده و سبک زندگی | ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴

روان شناسی زرد؛ تله شادمانی

۵۴۱۰



خانواده

اولین مدرسه فرهنگ فرزندان



فاطمه نوروزی
روزنامه نگار

خانواده، نخستین و مؤثرترین بستر رشد شخصیت کودک است. جایی که نه تنها غذا، سرپناه و امنیت عاطفی فراهم می شود، بلکه کودک از همان نخستین سال های زندگی با مفاهیمی بسیار مهم تری مثل هویت، ارزش، معنا و فرهنگ آشنا می شود. تأثیر فرهنگ بر رشد کودک یکی از مهم ترین مواردی است که امروزه در جوامع مختلف مورد بررسی قرار می گیرد اما تربیت فرهنگی چیست؟ منظور از تربیت فرهنگی، فرایندی است که طی آن، باورها، آداب، رسوم، زبان، سنت ها، نگرش ها و شیوه های زندگی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. این تربیت، همان چیزی است که کودک را از یک «فرد زیستی» به یک «انسان اجتماعی و فرهنگی» تبدیل می کند. کودک، در دل خانواده یاد می گیرد که چه چیزی درست یا نادرست است، چه رفتاری پسندیده یا ناپسند است، به چه چیزهایی افتخار و از چه چیزهایی پرهیز کند. همه اینها در فضایی صمیمی، تدریجی و اغلب ناخودآگاه رخ می دهد اما آثار آن تا سال های طولانی باقی می ماند.

چالش تعادل بین سنت و مدرنیته

در دنیای امروز که مرزهای فرهنگی شکسته شده و کودکان حتی پیش از ورود به مدرسه با دنیایی پر از رنگ، زبان و ارزش های متفاوت در فضای مجازی روبه رو می شوند، تربیت فرهنگی دیگر یک امر حاشیه ای یا فرعی نیست. اتفاقاً این روزها اهمیت آن بیشتر هم شده است. کودکی که از نظر فرهنگی تربیت نشده باشد، ممکن است در مواجهه با دنیای متنوع و گاه متضاد بیرون، دچار سردرگمی

هویتی، بی هویتی یا حتی از خود بیگانگی شود. خانواده ها، در چنین شرایطی باید نقشی فعال، آگاهانه و مهربانانه ایفا کنند. آنها باید با کودکان خود درباره ریشه های فرهنگی، زبان مادری، تاریخ، هنر، ادبیات و ارزش های اجتماعی حرف بزنند، قصه ها و ضرب المثل ها را روایت کرده و با رفتارهای روزمره خود فرهنگ را زندگی کنند تا کودکان از طریق مشاهده، تقلید و تجربه، آن را درونی کنند.

نقش خانواده در این میان دوجهی است. از یک سو، خانواده باید حافظ سنت های فرهنگی باشد؛ همان عناصر عمیق و ارزشمندی که نسل های پیشین در طی قرن ها شکل داده اند. از سوی دیگر، خانواده باید کودک را برای زندگی در دنیای امروز آماده کند؛ دنیایی که در آن تنوع فرهنگی، تغییرات سریع، فناوری، سبک های زندگی متفاوت و مفاهیم نو ظهور، بخش اجتناب ناپذیر زندگی هستند.

تعادل میان این دو، شاید یکی از سخت ترین و مهم ترین وظایف والدین در دوران معاصر باشد.

نقش والدین در تربیت فرهنگی

بدیهی است که تلاش برای انتقال فرهنگ سنتی به شکل یکجانبه یا از موضع قدرت، نتیجه ای معکوس دارد. کودکان و نوجوانان امروز، پرسشگر، آگاه و مستقل هستند. آنها تنها به تقلید از والدین راضی نمی شوند، بلکه می خواهند دلیل رفتارها را بدانند و انتخاب کنند. بنابراین، والدینی موفق ترند که با فرزندان خود وارد گفت و گو شوند، به سؤالات شان پاسخ دهند، اجازه تجربه بدهند و همزمان چهارچوب هایی شفاف و صمیمی برای رفتارهای فرهنگی تعیین کنند. البته این تربیت نباید به معنای تحمیل یا محدودسازی کودک باشد، بلکه باید راهی باشد برای ریشه دار کردن هویت و در عین حال باز گذاشتن راه برای رشد، تطبیق و انتخاب.

در این مسیر، پدر و مادر باید خودشان آگاه باشند. آگاهی فرهنگی والدین از تاریخ، هنر، زبان، ادبیات، اسطوره ها و ارزش های بومی

به آنها امکان می دهد که الگوی مؤثری برای فرزندان خود باشند اما این آگاهی باید با انعطاف پذیری همراه باشد؛ این که بپذیرند برخی ارزش های سنتی ممکن است نیاز به بازنگری داشته باشند و برخی عناصر فرهنگ مدرن می توانند فرصت هایی تازه برای رشد فردی و اجتماعی فرزندان شان ایجاد کنند. خانواده ای که از یک سو کودک را با میراث فرهنگی اش آشنا می کند و از سوی دیگر، به او می آموزد که با دنیای نوین با دیدی باز و منتقدانه برخورد کند، در حقیقت در حال تربیت انسانی متعادل، ریشه دار و آینده نگر است.

کودک با چشم و گوش خود یاد می گیرد

نقش خانواده در تربیت فرهنگی، فقط به شکل رفتارها محدود نمی شود. حتی انتخاب موسیقی ای که در خانه شنیده می شود، کتاب هایی که در قفسه قرار دارند، نوع فیلم هایی که خانواده تماشا می کند یا حتی گفت و گوهای ساده سر میز شام، همه بخشی از این تربیت هستند. کودک با چشم و گوش خود یاد می گیرد و بیش از آن که از نصیحت ها تأثیر بگیرد، از زندگی والدین خود می آموزد. بنابراین، خانواده ای که خود اهل مطالعه، پرسش، گفت و گو، هنر، احترام و تعامل باشد، بی آن که فریاد بزند یا امر کند، بهترین معلم فرهنگی برای فرزند خویش خواهد بود. در نهایت، باید گفت که تربیت فرهنگی، یک مسیر طولانی، عمیق و مداوم است. سفری که از خانه آغاز می شود اما تا سال ها در مدرسه، دانشگاه، اجتماع و حتی دنیای مجازی ادامه دارد. خانواده در این سفر نقشی مهم دارد. آنها می توانند فرزند را تربیت کنند که هم به ریشه های فرهنگی خود افتخار کند، هم با دیگر فرهنگ ها تعامل کند، هم هویتی استوار داشته باشد و هم نگاهی باز و انسان دوستانه به جهان.



کلام امیر

کسی که به درو علوی شناخته شود
سخن را شش نیز پذیرفته نمی شود

منبع: غرور الحک

شماره به امام زمان (عج) سپردم



رشادت ها و دلوری های عرصه شهادت فراموش نشدنی است. شاید گذر زمان غبار فراموشی را بر بسیاری از رخداد های تاریخی بنشانند اما داستان هایی که از ایثار و فداکاری رزمندگان روایت شده، برای همیشه در جریده تاریخ ثبت و هیچ گاه از یادها

نخواهد رفت. در این میان شهدای مدافع حرم از مظلوم ترین شهدای اسلام هستند؛ چون در غربت جان خود را فدای اسلام کردند و حلاوت شهادت را چشیدند.

شهید مدافع حرم موسی رجبی، در شهرستان ترکمنچای از توابع میانه به دنیا آمد. او از نیروهای مردمی و جهادی ساکن اسلامشهر بود که داوطلبانه به یاری نیروهای جبهه مقاومت اسلامی مستقر در سوریه رفت. شهید رجبی از ادات زیادی به امام زمان (عج) داشت.

همسر شهید موسی رجبی درباره حضور ایشان در مسجد جمکران قبل از اعزام هایش به سوریه می گوید: «موسی پنج بار به سوریه اعزام شد که هر بار پیش از رفتن او، رهسپار وعده گاه مان که مسجد جمکران بود، می شدیم.»

یادم است بار دومی که موسی می خواست به سوریه اعزام شود، رفیق مسجد جمکران. همسر در آنجا گفت: «فکر نمی کردم فعالیتت در سوریه خیلی خطرناک باشد. به هر حال سوریه است و منطقه جنگی. ممکن است اسارت، جانبازی یا شهادت در انتظارم باشد.» گفتم: «شما که گفته بودی در خط مقدم نیستی؟! او گفت «درست است، نیستم اما همین جادر حضور حضرت ولیعصر (عج) از ایشان می خواهم کمک تان کند و مراقب شما، بچه ها و زندگی مان باشد. من می خواهم شما را به ایشان بسپارم.»

آن روز خیلی با هم حرف زدیم و بعد رفتم داخل مسجد برای نماز و مناجات. وقتی برگشتم، موسی را در گوشه تاریکی از صحن دیدم که با خود خلوت کرده. نتوانستم جلو بروم. ایستادم و نگاهش کردم. نمی دانستم چه زمزمه ای می کند، فقط می دیدم مثل باران بهار اشک می ریزد. به سمتش رفتم. من را که دید، اشک هایش را پاک کرد و گفت: «دلم تنگ شده بود، گفتم کمی با امامم درد دل کنم.»

این شهید بزرگوار در منطقه ابوکمال سوریه، توسط تروریست های تکفیری به شهادت رسید.

کتابخوانی در کودکی؛ سرمایه‌ای برای تمام عمر

سمانه معماریان

مدرس دانشگاه و روان‌شناس



در دنیایی که صفحه‌های موبایل و تبلت با رنگ، صدا و حرکت بی‌وقفه کودکان ما را به سمت

خود می‌کشند، شاید صحبت از کتاب و کتابخوانی کمی عجیب به نظر برسد اما به عنوان یک روان‌شناس، بارها در اتاق درمان دیده‌ام که کودکانی که با کتاب بزرگ شده‌اند، نه تنها از نظر ذهنی و زبانی رشد بهتری داشته‌اند، بلکه از لحاظ هیجانی،

اولین گام، طبیعتاً از خانه و والدین آغاز می‌شود. اگر پدر و مادر خود اهل مطالعه نباشند، انتظار این که کودک ناگهان به کتاب علاقه‌مند شود، واقع‌بینانه نیست. کودکان، بیش از آن که از آنچه می‌شنوند یاد بگیرند، از آنچه می‌بینند یاد می‌گیرند. وقتی کودکی پدر یا مادرش را می‌بیند که شب‌ها با علاقه کتاب می‌خواند، ناخودآگاه در ذهنش این تصویر شکل می‌گیرد که «کتاب چیز خوبی است». حتی اگر کودک هنوز سواد نداشته باشد، دیدن، لمس کردن، ورق زدن و شنیدن کتاب‌های تصویری می‌تواند اولین تماس عاطفی او با جهان کتاب باشد.

قصه‌گویی شبانه؛ آیینی برای پیوند و لذت

یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای نهادینه کردن این عادت، قصه‌خوانی شبانه است. این لحظه مشترک میان والد و کودک، نه تنها عشق به داستان را در کودک تقویت می‌کند بلکه از نظر روان‌شناختی، احساس امنیت، توجه و رابطه صمیمانه را نیز شکل می‌دهد. کودک می‌آموزد که کتاب منبعی برای لذت، تخیل و نزدیکی با والدین است. قصه گفتن در تخت‌خواب، می‌تواند تبدیل به یک آیین شبانه شود؛ آیینی که سال‌ها بعد، به عنوان یکی از دل‌انگیزترین خاطرات کودکی در ذهن کودک خواهد ماند.

نکته مهم دیگر، احترام به سلیقه کودک است. کودکان لزوماً کتاب‌هایی را دوست ندارند که والدین یا معلمان فکر

می‌کنند «مفیدتر» یا «آموزنده‌تر» هستند. شاید کودک شما بخواهد بارها یک کتاب تصویری ساده و خنده‌دار را بخواند؛ اصلاً ایرادی ندارد. در اینجا هدف، ایجاد علاقه است، نه انتقال اطلاعات. وقتی علاقه شکل گرفت، مسیر برای مطالعه عمیق‌تر هموارتر خواهد بود. بگذارید کودک خودش از میان کتاب‌ها انتخاب کند، در کتابفروشی یا کتابخانه قدم بزند، ورق بزند و هیجان تجربه یک کتاب جدید را بچشد.



اجتماعی و حتی رفتاری نیز آرام‌تر، خلاق‌تر و دارای عمق بیشتری در تفکر بوده‌اند. بدیهی است که عادت کتابخوانی چیزی نیست که یک شبه یا با دستور و اجبار در کودک شکل بگیرد. درست مانند یک گیاه که نیاز به خاک، آب، نور و زمان دارد، این عادت هم به محیط مناسب، الگوسازی، تکرار و صبوری نیاز دارد. در این مسیر مهم‌ترین نکته این است که کتابخوانی نباید برای یک کودک به عنوان یک «وظیفه» شناخته شود، بلکه باید به عنوان یک منبع لذت و رابطه به او معرفی شود.

کتاب؛ بستری برای رشد شناختی و هیجانی

در روان‌شناسی رشد، بارها تأکید شده که کتابخوانی تأثیر مستقیمی بر مهارت‌های زبانی و شناختی کودکان دارد. دایره واژگان گسترده‌تر، توانایی درک مطلب، خلاقیت در داستان‌پردازی و حتی درک بهتر احساسات و همدلی، از جمله فواید بلندمدت کتابخوانی است. کودکانی که با کتاب خو گرفته‌اند در مواجهه با چالش‌های زندگی اغلب راه‌حل‌های متنوع‌تری در ذهن دارند، چون ذهن‌شان از طریق داستان‌ها با پیچیدگی‌های انسانی و موقعیت‌های مختلف آشنا شده است. از منظر روان‌شناسی هیجانی هم کتابخوانی یک ابزار مهم تنظیم هیجان به شمار می‌رود. وقتی کودکی با قهرمان داستانی همذات‌پنداری می‌کند، تجربه احساسات مختلف (ترس، شادی، غم، شجاعت و حتی ناکامی) را در فضای امن تجربه کرده و این تجربه غیرمستقیم، او را برای موقعیت‌های واقعی زندگی آماده‌تر می‌کند.

البته فراموش نکنیم که عصر ما، عصر رقابت با جذابیت‌های دیجیتال است و این رقابت را نمی‌توان با ممنوعیت برد، بلکه باید کتاب را به اندازه بازی‌های دیجیتالی، «جذاب» و «قابل دسترس» کرد. ایجاد یک کتابخانه کوچک در خانه، استفاده از کتاب‌های صوتی یا حتی قصه‌گویی گروهی در جمع خانوادگی می‌تواند بخشی از راهکار باشد.

در نهایت، کتابخوان کردن کودک، نیاز به صبر، خلاقیت

و استمرار دارد. این کاری نیست که در یک تابستان تمام شود یا با یک لیست کتاب‌های مناسب سن به نتیجه برسد بلکه فرآیندی تدریجی، لذت‌بخش و صمیمی است. ما والدین، با رفتار و نیز ایجاد فضایی امن در خانه، می‌توانیم فرزندانمان را تربیت کنیم که نه تنها اهل مطالعه‌اند بلکه از کتاب، به عنوان یک پناهگاه فکری و عاطفی برای تمام عمر بهره می‌برند.

آیا زن می‌تواند به دلیل نازایی شوهرش درخواست طلاق بدهد؟

اگر گذرتان به دادگستری بیفتد با مردم نگران و آشفته‌ای مواجه می‌شوید که معمولاً به دلیل عدم آگاهی و آشنایی با قانون کارشان به آنجا کشیده شده است. قطعاً اگر مردم بدانند چه حق و حقوقی در زندگی دارند، با مشکلات کمتری مواجه می‌شوند. بر همین اساس هر هفته در این بخش با همراهی **نسیم احمدی، کارشناس حقوقی** به بررسی اجمالی یک موضوع حقوقی مربوط به خانواده می‌پردازیم.

یکی از پرسش‌هایی که گاهی در زندگی مشترک پیش می‌آید، این است که اگر مردی به دلایل پزشکی قادر به فرزندآوری نباشد، آیا همسر او می‌تواند به همین دلیل از دادگاه درخواست طلاق بدهد؟ پاسخ به این پرسش ساده نیست اما اگر بخواهیم به زبان روشن و مستند به قانون صحبت کنیم، باید بگوییم که بله، این امکان وجود دارد، ولی تحت شرایطی خاص.

در قانون، طلاق معمولاً در اختیار مرد است اما ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی به زن اجازه می‌دهد که اگر ادامه زندگی برای او بسیار سخت و غیر قابل تحمل باشد، بتواند با اثبات وجود شرایطی که به آن «عسر و حرج» گفته می‌شود از دادگاه بخواهد تا طلاقش را صادر کند. یکی از مصادیق عسر و حرج در نگاه فقهی و همچنین در بسیاری از پرونده‌های قضایی، نازایی مرد است. به‌ویژه زمانی که زن صراحتاً اعلام کند که داشتن فرزند برایش موضوعی حیاتی و ضروری است و ادامه زندگی بدون آن برایش رنج‌آور است.

البته اثبات نازایی مرد نیاز به نظر تخصصی دارد و معمولاً دادگاه، زن را به پزشکی قانونی معرفی می‌کند تا نظر قطعی در این باره داده شود. اگر پزشکی قانونی تأیید کند که مرد به‌طور دائم نابارور است و درمانی هم برای او وجود ندارد، زن می‌تواند با استناد به این مسأله و اثبات این که این موضوع باعث رنج روحی و آسیب به کیفیت زندگی او شده، از دادگاه بخواهد که حکم طلاق صادر شود.

با همه اینها، باید توجه داشت که اگرچه نازایی مرد می‌تواند دلیل مهمی برای طلاق باشد اما تصمیم نهایی با دادگاه است و قاضی براساس همه جوانب زندگی مشترک، میزان آسیب روحی زن و امکان ادامه زندگی، تصمیم می‌گیرد. برخی دادگاه‌ها در ابتدا سعی می‌کنند طرفین را به مشاوره، درمان و حتی پذیرش فرزندخوانده ترغیب کنند.

اما اگر زن بر طلاق پافشاری

کند و شرایط هم مستند

و موجه باشد، در

نهایت حکم طلاق

صادر خواهد شد.



مهربانی یا مهرطلبی؟

مهربانی یکی از ویژگی‌های مثبت ما آدم‌هاست که باعث می‌شود در عین این که مراقب خودمان هستیم از دیگران هم مراقبت کنیم اما مهرطلبی یعنی خودمان و نیازهای مان را نادیده می‌گیریم که مبادا دیگران را از دست بدهیم!

مهربان

آدم‌ها رومی بخشیم چون این کار حس خوبی بهم می‌دهد

مهربان

ناراحتی‌ام رو بیان می‌کنم حتی اگه از من دلخور بشه

مهربان

کنار تمام گرفتاری باید حواسم به خودم هم باشه

خسته‌ام اما باید خودم رو سر حال نشون بدم که کسی ناراحت نشده

مهرطلب

ناراحتی‌ام رو بیان نمی‌کنم چون می‌ترسم ناراحت بشه

مهرطلب

آدم‌ها رومی بخشیم، چون می‌ترسم که از دست شون بدم

مهرطلب

مفقودی

برگ سبز و سند خودرو سواری سایپا SAINA مدل ۱۳۹۶ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۷۷۴ س ۲۲ ایران ۴۵ به شماره موتور M15/8528402 و شماره شاسی NAS831100H5757896 به نام احمد گل کارفرستجانی با کد ملی ۲۹۹۱۳۲۷۰۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

۴۹۱۰۵۰۰۰

سازمان آگهی‌ها روزنامه جام جم

daneshpayam.agahi@gmail.com

چالش و خطرات کتاب‌های روان‌شناسی زرد را در گفت‌وگو با دکتر حمیرا آزادمنش بررسی کردیم

روان‌شناسی زرد؛ تله شادمانی

هانا چراغی

روزنامه‌نگار



روان‌شناسی زرد نوعی از محتوای روان‌شناسی است که سطحی، عامه‌پسند و اغلب بدون پشتوانه علمی و تحقیقاتی هستند. این نوع روان‌شناسی بیشتر با هدف جذب مخاطب، فروش بیشتر یا ایجاد احساسات خوب و مثبت موقتی در خواننده تولید می‌شوند و در واقع به دنبال توسعه واقعی دانش یا بهبود پایدار روان افراد نیستند. متأسفانه این روزها

به‌کرات شاهد نشر و توزیع کتاب‌های روان‌شناسی زرد در جامعه هستیم که آسیب‌های بسیار زیادی به بنیان خانواده و سلامت روان مردم وارد می‌کنند. برخی کارشناسان و پژوهشگران این حوزه معتقدند که سادگی بیش از حد، کلی‌گویی و توصیه‌های عمومی همچون عبارت خودت را دوست داشته باش، شعارزدگی مثل استفاده از جملات انگیزشی سطحی شبیه نقل‌قول‌های اینستاگرامی، عدم ارجاع به منابع علمی معتبر و تأکید بر موفقیت سریع و آسان از جمله ویژگی‌های

فانتزی خطرناک روان‌شناسی زرد

حمیرا آزادمنش، دکترای روان‌شناسی تربیتی و زوج درمانگر و روان‌درمانگر در خصوص روان‌شناسی زرد اظهار می‌کند: روان‌شناسی زرد یا «روان‌شناسی عامه‌پسند سطحی» معمولاً با تکیه بر جملات انگیزشی، توصیه‌های کلیشه‌ای و غیرقابل اجرا و نادیده گرفتن پیچیدگی‌های روان انسان، تصویری آرمانی و غیرواقعی از زندگی و سلامت روان ارائه می‌دهد. در حالی که روان‌شناسی علمی مبتنی بر پژوهش، آزمون‌های تجربی و پذیرش ابعاد تاریک، دردناک و پیچیده روان انسان است. یکی از آسیب‌های جدی روان‌شناسی زرد این است که احساس ناکامی و ضعف را در افراد افزایش می‌دهد؛ چون وقتی فرد نمی‌تواند همیشه مثبت‌نگر باشد، دچار احساس گناه و شکست می‌شود. در واقع، فشار برای خوشحال بودن همیشگی، می‌تواند استرس‌زا باشد. این در

حالی است که روان‌شناسی علمی به فرد می‌آموزد چطور با احساسات منفی کنار بیاید، نه این‌که آنها را انکار یا سرکوب کند. وی می‌افزاید: روان‌شناسی زرد با ساختن دنیایی غیرواقعی، باعث می‌شود مخاطبان پس از مدتی از تمام علم روان‌شناسی سرخورده شوند، حتی از شکل علمی و مفید آن. روان‌شناسی علمی بر پایه پژوهش، شواهد و اصول علمی بنا شده است. در این رویکرد، ما با نگاهی واقع‌گرایانه به مسائل روانی می‌پردازیم و می‌دانیم که زندگی همواره آسان و خوشایند نیست. تصور این‌که طبیعت انسان همواره در حالت خوب باشد یا در صورت بروز بدی، حتماً فردی بدشانس هستیم، دیدگاهی ناپخته و غیرواقعی است. روان‌شناسی علمی ما را به سوی بلوغ روانی سوق می‌دهد؛ یعنی افزایش آگاهی و تماس مؤثر با واقعیت، نه فرار به دنیای خیال. در مقابل، روان‌شناسی زرد معمولاً بر پایه شعارها، جملات کلیشه‌ای و وعده‌های توخالی بنا شده است. در این رویکرد، با جملاتی ظاهراً مثبت اما غیرواقع‌بینانه مواجه هستیم. جملاتی که در عمل قابل اجرا نیستند و بیشتر باعث سرخوردگی می‌شوند. روان‌شناسی زرد ما را از درک واقعیت دور می‌کند و با ساده‌سازی افراطی مسائل روانی، به جای حل مسئله، آن را پنهان یا انکار می‌کند.

این روان‌شناس تربیتی می‌گوید: حل مسائل روانی در روان‌شناسی علمی، فرآیندی زمان‌بر، پیچیده و نیازمند تلاش است. هیچ راه حل جادویی یا میانبری وجود ندارد. افراد هنگام مواجهه با چالش‌ها، انتخاب‌هایی دارند و می‌توانند در دام افکار منفی بمانند یا با تقویت بخش بالغ روان خود، راه‌حل‌های سازنده‌تری انتخاب کنند. در این مسیر، تحلیل سود و زیان گزینه‌ها و انتخاب مسیری با بیشترین منافع و کمترین آسیب‌ها، از اصول بنیادین حل مسئله است اما روان‌شناسی زرد، چنان وانمود می‌کند که همیشه یک راه عالی وجود دارد و کافی است فقط مثبت بیندیشی. چنین دیدگاهی نه تنها ساده‌انگارانه است، بلکه ما را از مواجهه واقعی با زندگی باز می‌دارد. علت محبوبیت کتاب‌های

روان‌شناسی زرد هم این است که افراد را به دنیایی فانتزی و خیالی می‌برند. وقتی انسان‌ها در این دنیا سیر می‌کنند، ذهن‌شان برای مدتی رها می‌شود؛ شاید بتوان گفت این یک مکانیسم دفاعی ناخودآگاه است که فرد برای کاهش تنش‌ها و اضطراب‌های درونی‌اش از آن بهره می‌گیرد. مثلاً وقتی فردی حال خوبی ندارد یا افسرده یا بی‌انگیزه است، احتمال دارد سراغ کتابی برود که بتواند در لحظه، حال او را بهتر کند یا انگیزه‌ای موقت به او بدهد. در این شرایط، فرد ناخودآگاه به محتوای آن کتاب پناه می‌آورد، حتی اگر آن کتاب از نظر علمی معتبر نباشد. بسیاری از افراد تفاوت بین روان‌شناسی علمی و روان‌شناسی زرد را نمی‌دانند، بنابراین محتوای این کتاب‌ها را بدون آگاهی از اعتبار آنها می‌پذیرند. معتقدم، پناه بردن به کتاب‌های روان‌شناسی زرد، نوعی مکانیسم دفاعی است؛ تلاشی ناخودآگاه برای فرار از واقعیت، کاهش اضطراب و تحمل احساسات منفی.

کتاب «راز قدرت»؛ تحولی در زندگی انسان‌ها

آزادمنش می‌گوید: به عنوان روان‌شناس معتقدم برخی کتاب‌ها می‌توانند نقش مهمی در انگیزه‌بخشی ایفا کنند. خود من کتابی ترجمه کرده‌ام که بارها برایم ثابت شده چقدر می‌تواند به افراد کمک کند. وقتی مراجعه‌کننده‌ای برای افسردگی، اضطراب، سوگ یا شکست عاطفی مراجعه می‌کند، این کتاب را به او معرفی می‌کنم اما همیشه تأکیدم بر این است که روان‌درمانی باید ادامه پیدا کند. این کتاب مثل یک موتور انگیزشی عمل می‌کند. بارها پیام‌هایی دریافت کرده‌ام (البته مربوط به سال‌های پیش) که گفته بودند این کتاب زندگی‌شان را متحول کرده، به آنها انگیزه و توان حرکت دوباره بخشیده است. محتوای این کتاب بر مبنای مفاهیم غیرعلمی نیست و بیشتر به جنبه انگیزشی توجه کرده اما تأثیر مثبتی داشته. از این جهت، چنین کتاب‌هایی لزوماً مضر نیستند و شاید دلیل محبوبیت‌شان نیز همین باشد.

او ادامه می‌دهد: موضوع این است که ما نباید در «تله شادمانی» گرفتار شویم. یکی از اشکالات اساسی روان‌شناسی زرد این است که وانمود می‌کند حال خوب یک وضعیت دائمی و الزامی است و اگر حال مان خوب نیست، حتماً مشکل از خودمان است. در حالی که این باور اشتباه و خطرناک است. ما باید زندگی‌مان را طوری بسازیم که به انسان ایده‌آل درون مان نزدیک شویم. کسی که زندگی‌اش معنا، هدف و ارزش دارد؛ انسانی که خودش را با همه خوبی‌ها و بدی‌هایش می‌پذیرد، نه این‌که فقط به دنبال حال خوب باشد. در مسیر رسیدن به اهداف مان، باید بتوانیم احساسات منفی مان را بشناسیم و با آنها مواجه شویم، نه این‌که از آنها فرار کنیم. احساسات منفی می‌توانند راهی برای شناخت خودمان و درمان درونی مان باشند. بنابراین، به جای این‌که



تأثیرات روان‌شناسی زرد بر زندگی واقعی خانواده‌ها
گاهی فاجعه‌بار است. تصمیمات ناپخته، توصیه‌های غلط یا امیدهای بی‌پایه می‌توانند زندگی‌ها را از هم بپاشند

بحران شبه‌دانش‌ها

در سال‌های اخیر بازار کتاب‌های روان‌شناسی و انگیزشی زرد، بسیار داغ شده و علت این امر را باید در

یاسمن خلیلی فرد نویسنده و منتقد

مخاطبانی جست‌وجو کرد که مشتریان پروپاقرص این دسته از آثار هستند و باعث می‌شوند برخی ناشران نیز به چاپ آنها گرایش پیدا کنند.

شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل محبوبیت این دسته از آثار، راحت خوان بودن شان باشد. این کتاب‌ها به لحاظ نثر، نگارش و انتخاب لغات و واژگان بی‌شبهات به مطالب منتشرشده در فضای مجازی نیستند و مخاطب بی‌آن که عمیقاً درگیرشان شود آنها را می‌خواند و تازه خرسند نیز خواهد بود که مطالعه کرده، غافل از این‌که بار علمی چنین مطالبی نازل است و نکات و روش‌های ذکرشده در آنها نیز برگرفته از منابع قابل استناد آکادمیک نیست. این دقیقاً همان مسیری است که ادبیات زرد نیز طی می‌کند. خوراک ذهنی حاضر و آماده و در عین حال دم‌دستی برای مخاطبانی که حوصله درگیر شدن ذهن شان را با ادبیات فاخر، جملات سنگین و مفاهیم ژرف و عمیق ندارند.

در دسترس نبودن منابع قابل اطمینان در کنار فشارهای گوناگون جامعه مدرن امروزی بر انسان‌ها، گرایش مخاطبان را به چنین کتاب‌هایی اجتناب‌ناپذیر کرده اما از تبعات و عواقب مطالعه این دسته از آثار نیز نمی‌توان غافل شد. این دسته از آثار نه تنها راه حل واقعی به مخاطب ارائه نمی‌دهند، بلکه با ساده‌سازی اختلالات پیچیده‌ای همچون افسردگی، اضطراب، فوبیا و... که نیازمند درمان‌های پیگیرانه روان‌پزشکی هستند می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری را برای سلامت فردی و اجتماعی افراد جامعه در پی داشته باشند.

شوربختانه برخی از این کتاب‌ها خوشبینی افراطی را به خواننده تحمیل می‌کنند و به‌گونه‌ای واکنش‌های طبیعی او را در مقابل مسائل و مشکلات زندگی غیرعادی جلوه می‌دهند. از دیگر تبعات این دسته از کتاب‌ها آن است که برخی از آنها با الگوبرداری از روش‌های غربی که در تضاد با باورهای سنتی، فرهنگی و بومی هر جامعه‌ای هستند مخاطب را دچار تضاد با خویش و باورهایش می‌کنند. در واقع برخی از مطالب ذکرشده در این کتاب‌ها با واقعیت‌های جوامعی چون کشور ما مطابقت ندارد و ممکن است مخاطب را دچار حس ناکارآمدی و بیگانگی بکنند.

این روزها اندک روان‌شناسان تحصیلکرده نیز به واسطه محبوبیت روان‌شناسی زرد و آثاری از این دست، همچون نویسندگان فاخر و متفکر که خود را از فضای ادبی دور کرده‌اند، خود را از حوزه اصلی فعالیت‌شان کنار کشیده‌اند و بعضی نیز اصطلاحاً هم‌زنگ جماعت شده‌اند و حضورشان در رسانه‌ها و ادبیات با پیروی از همین آثار زرد است. آنها نباید از این جریان پیروی کنند، بلکه برعکس باید با حضور پررنگ‌تر و فعال‌تر در فضای مجازی و انتشار کتاب‌هایی سودمند اطلاعات درست و علمی را جایگزین شبه‌دانش‌های زرد رایج کنند.

درست همان‌طور که ادبیات زرد با روایت روابط غیرعادی و مبالغه‌آمیز واقعیت پیچیده‌ای همچون عشق را ساده و فریبنده جلوه می‌دهد روان‌شناسی زرد هم درد‌های عمیق روان انسان را به شعارهایی سطحی و عامه‌پسند تقلیل می‌دهد.

آشتی دادن و پیوند دوباره جامعه با آثار ادبی و روان‌شناسی اصیل باعث می‌شود انسان سالم بتواند درد‌هایش را بپذیرد، پیچیدگی‌ها را انکار نکند و بی‌فریب خویش به دنبال راه حل‌هایی منطقی و صادقانه بگردد.

حوزه روان‌شناسی، وظیفه داریم از همین فضای مجازی برای آگاه‌سازی استفاده کنیم؛ برای این‌که به افراد کمک کنیم تفاوت بین محتوای علمی و غیرعلمی، واقعی و دروغین، را تشخیص دهند. لازمه این آگاهی، رشد «خود بالغ» در افراد جامعه است. خود بالغ بخشی از شخصیت ماست که قدرت حل مسئله دارد، می‌تواند افکار خودکار منفی را تشخیص دهد و آنها را به چالش بکشد. فردی که رشد کرده باشد، می‌داند که نباید صرفاً نکات مثبت یا منفی را ببیند، بلکه هر پدیده‌ای را به عنوان یک مجموعه کامل بررسی می‌کند. نه دچار فیلتر ذهنی می‌شود، نه پیشگویی‌های غیرمنطقی می‌کند، نه سریع قضاوت و نه خود یا دیگران را بی‌دلیل سرزنش می‌کند.

قدرت حقیقی در آگاهی است

این کارشناس می‌افزاید: برای آن‌که از روان‌شناسی زرد در امان باشیم، باید در خود سه نوع ارتباط را تقویت کنیم؛ ارتباط سالم با خود (خودشناسی و افزایش آگاهی)، ارتباط سالم با دیگران (روابط بین فردی)، ارتباط آگاهانه با جهان پیرامون (درک درست از واقعیت). با این رشد، می‌توانیم نسبت به محتوایی که در فضای مجازی می‌بینیم، تفکر انتقادی داشته باشیم و هر حرفی را به راحتی نپذیریم. باید برای خود معیارهایی داشته باشیم مثلاً: آیا گوینده فردی متخصص و تحصیلکرده در حوزه روان‌شناسی است؟ آیا حرف‌هایش بر پایه یک نظریه علمی مطرح شده است؟ آیا می‌توان آن را در رویکردهایی مانند شناخت درمانی رفتاری، واقعیت درمانی یا روان درمانی مبتنی بر شواهد ریشه‌یابی کرد؟ اگر چنین نیست، پس نباید به آن استناد کرد، هرچند ممکن است جذاب و انگیزشی به نظر برسد. تأثیرات روان‌شناسی زرد بر زندگی واقعی خانواده‌ها گاهی فاجعه‌بار است. تصمیمات ناپخته، توصیه‌های غلط یا امیدهای بی‌پایه می‌توانند زندگی‌ها را از هم بپاشند. بنابراین، مردم باید بیاموزند که قدرت حقیقی در آگاهی است و در شناخت درست از منابع معتبر و تفکیک حرف علمی از غیرعلمی. تنها در این صورت است که فضای مجازی به جای تهدید، به فرصتی برای رشد تبدیل خواهد شد.

وی می‌گوید: روان‌شناسی زرد در فضای مجازی می‌تواند روابط انسانی را به شدت تخریب کند. بسیاری از توصیه‌هایی که در قالب جملات زیبا و انگیزشی منتشر می‌شوند، نه تنها کمکی به حل مسائل نمی‌کنند بلکه فرد را از واقعیت دور می‌کنند و او را به سمت تصمیم‌گیری‌های هیجانی و غیرمنطقی سوق می‌دهند. رفتارهای القا شده توسط روان‌شناسی زرد، فرد را به جای مواجهه سالم با مسائل، به استفاده از مکانیسم‌های مقابله‌ای ناپایدار و سطحی هدایت می‌کند. برای مثال به جای پذیرش واقعیت و کار کردن روی احساسات منفی، به او توصیه می‌شود که همه چیز را رها و فقط مثبت فکر کند یا این‌که اگر حال خوبی ندارد، حتماً مشکلی در خودت هست! این نگاه نه تنها منصفانه نیست، بلکه آسیب‌زا نیز بوده به‌ویژه در روابط عاطفی، خانوادگی و زناشویی که در آنها نیاز به پذیرش، همدلی و تحلیل واقع‌بینانه وجود دارد.

آزادمنش معتقد است: یکی از دلایل گسترش روان‌شناسی زرد در قالب کتاب و محتوا، نبود نظارت علمی دقیق بر نشر این آثار است. از آنجا که این کتاب‌ها اغلب زبان ساده، سبک داستانی و انگیزشی دارند و مخاطب را به دنیای فانتزی و خیالی می‌برند، با استقبال عمومی مواجه می‌شوند. از سویی، بسیاری از مخاطبان با خواندن چنین کتاب‌هایی، بدون آموزش تخصصی به خود اجازه می‌دهند که نقش روان‌شناس را برای خود یا دیگران ایفا کنند در حالی‌که این کار می‌تواند بسیار خطرناک باشد. بنابراین، ضروری است که جامعه علمی و نهادهای فرهنگی و کاربران فضای مجازی نسبت به تمایز میان روان‌شناسی علمی و زرد آگاه شوند و مسئولانه‌تر با محتوای روان‌شناختی برخورد کنند. ما نمی‌توانیم نظارتی بر فضای مجازی داشته باشیم چون فیلتر کردن را چاره درد نمی‌بینیم، بلکه ما می‌توانیم از فضای مجازی به عنوان فرصتی بهره‌گیریم که افراد را آگاه کرده و ماهیگیری را به آنها آموزش دهیم تا خود به تشخیص افتراقی درستی در مورد مطالب روان‌شناختی دست یابند و سره را از ناسره متمایز کنند.

اما چرا باید احساسات منفی را نادیده بگیریم؟ مهم است که بین احساسات منفی سالم و ناسالم تفاوت قائل شویم. این تمایز، هرچند ظریف، در فرآیند درمان بسیار کلیدی است. مثلاً احساس گناه، اگر ناسالم باشد به خودسرزنش‌گری و کاهش عزت نفس منجر می‌شود اما وقتی سالم باشد، مانند هشداری عمل می‌کند که به ما می‌گوید رفتاری خلاف ارزش‌های مان انجام داده‌ایم و ما را ترغیب می‌کند آن رفتار را تکرار نکنیم. به همین ترتیب، باید غم سالم را از غم ناسالم، خشم سالم را از خشم ناسالم و حتی احساس تنهایی سالم را از ناسالم تشخیص دهیم. این شناخت دقیق به ما کمک می‌کند مسیر بهبودی را برای افراد دچار اختلالات روانی به‌ویژه افسردگی، هموارتر و آنها را به سمت خودمراقبتی هدایت کنیم. از سوی دیگر، نمی‌توانیم به ذهن مان دستور بدیم فکر منفی نکن! چرا که ذهن انسان به‌طور طبیعی و تکاملی، گرایش به پردازش افکار منفی برای بقا و برای سازگاری دارد. این گرایش یک نوع سیستم هشدار درونی است، پس هرچه بیشتر با افکار منفی بجنگیم بیشتر قدرت می‌گیرند. در عوض، می‌توانیم از روش‌های ذهن‌آگاهی استفاده کنیم.

تصور کنیم ذهن مان دو در دارد؛ از یکی افکار منفی وارد می‌شوند و ما صرفاً مشاهده‌شان می‌کنیم، بی‌آن‌که آنها را انکار یا سرکوب کنیم و به آنها اجازه حضور می‌دهیم اما اعتبار نمی‌دهیم. این رویکرد ما را از گرفتار شدن در تله افکار نجات می‌دهد. او می‌گوید: انسان ایده‌آل، انسانی نیست که همیشه شاد باشد یا هیچ احساس منفی‌ای نداشته باشد، بلکه کسی است که بتواند در مسیر ارزش‌های درونی‌اش زندگی کند، معنا و هدف را در زندگی‌اش بازتعریف کند و خودش را با همه خوبی‌ها و بدی‌هایش بپذیرد؛ نه فقط خوبی صرف و نه فقط بدی صرف. قطعاً فضای مجازی نقش پررنگی در جهت‌دهی به افکار و احساسات مردم دارد، به‌ویژه در شرایطی که افراد دچار آسیب‌های عاطفی یا روانی هستند اما ما به عنوان متخصصان

یکی از اشکالات اساسی روان‌شناسی زرد این است که وانمود می‌کند حال خوب یک وضعیت دائمی و الزامی است و اگر حال مان خوب نیست حتماً مشکل از خودمان است



باکمیر، هر جادلت خواست بمان

[illegible]

ایستگاه سلامتی

رژیم یعنی تعادل
نه گرسنگی! Pishkhan.com



یکی از باورهای نادرست و رایج در میان افراد جامعه این است که رژیم لاغری یعنی «هیچی نخوردن».

شقایق اسماعیلی

کارشناس تغذیه

این نگاه غلط نه تنها به کاهش وزن اصولی منجر نمی‌شود، بلکه می‌تواند آسیب‌های جدی و بعضاً جبران‌ناپذیر به بدن وارد کند. علم تغذیه امروز تأکید دارد که کاهش وزن مؤثر، نه با محرومیت مطلق بلکه با تنظیم منطقی انرژی دریافتی، حفظ تعادل ریزمغذی‌ها و ایجاد الگوی پایدار زندگی سالم به دست می‌آید. نخوردن یا گرسنگی کشیدن طولانی مدت، بدن را وارد وضعیت هشدار می‌کند. در این حالت، متابولیسم پایه کاهش می‌یابد تا بدن انرژی کمتری مصرف کند. این یعنی حتی اگر فرد کالری کمی دریافت کند، بدن با سازوکارهای دفاعی، روند چربی‌سوزی را کند می‌سازد. به علاوه، در شرایط گرسنگی مزمن، بدن به جای چربی‌ها از ذخایر ارزشمند عضلانی به عنوان منبع انرژی استفاده می‌کند. در نتیجه، نه تنها بافت عضلانی تحلیل می‌رود بلکه عملکردهای حیاتی مانند قدرت بدنی، ایمنی، تمرکز ذهنی و خلق و خوی مختل می‌شود. یکی دیگر از پیامدهای «هیچی نخوردن» در رژیم، کمبود شدید ریزمغذی‌ها مانند ویتامین‌ها و مواد معدنی است. کاهش یا حذف وعده‌های غذایی می‌تواند به کم‌خونی، ضعف سیستم ایمنی، ریزش مو، خشکی پوست، یبوست مزمن و حتی پوکی استخوان در درازمدت منجر شود. بسیاری از این آسیب‌ها خاموش و تدریجی هستند و وقتی ظاهر می‌شوند به مداخلات درمانی نیاز دارند. از سوی دیگر، گرسنگی کشیدن می‌تواند به اختلال در رفتار تغذیه‌ای منجر شود. افرادی که خود را از خوردن محروم می‌کنند، به‌طور ناخودآگاه دچار پرخوری‌های ناگهانی، حملات خوردن شبانه یا حتی اختلالات روحی می‌شوند. این نوسانات روانی - رفتاری نه تنها وزن را به حالت اولیه بازمی‌گرداند، بلکه بار روانی و عاطفی شدیدی بر فرد تحمیل می‌کند. در مقابل، یک رژیم علمی و اصولی با در نظر گرفتن نیازهای انرژی پایه (BMR)، ترکیب بدن (درصد چربی و عضله)، سطح فعالیت روزانه، شرایط پزشکی و ترجیحات غذایی فرد طراحی می‌شود. در چنین رژیمی، غذا خوردن نه تنها ممنوع نیست بلکه واجب است. با این تفاوت که انتخاب مواد غذایی مغذی، مصرف به‌اندازه، کنترل وعده‌ها و اصلاح الگوی زندگی جایگاه ویژه‌ای می‌یابند.

چطور از بیماری‌های قلبی پیشگیری کنیم؟

از تپش تا سکته

راه‌های پیشگیری

بسیاری از بیماری‌های قلبی در مراحل اولیه علائم خاصی ندارند یا ممکن است با نشانه‌های گنگی مثل خستگی یا دل‌درد اشتباه گرفته شوند اما برخی علائم هشداردهنده هستند که باید آنها را جدی گرفت، مثل: درد در قفسه سینه به خصوص هنگام فعالیت، تنگی نفس حتی در حالت استراحت، تپش قلب یا ضربان نامنظم، ورم در پاها، خستگی شدید و سرگیجه یا غش کردن ناگهانی. در صورت مشاهده چنین علائمی، مراجعه به پزشک ضروری است. از سوی دیگر، برخی افراد بیشتر از بقیه در معرض خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی هستند. از جمله کسانی که فشار خون بالا، قند خون بالا (دیابت)، کلسترول بالا یا سابقه خانوادگی بیماری قلبی دارند. افرادی که سیگار می‌کشند، اضافه‌وزن دارند، تحرک بدنی کمی دارند یا استرس مزمن را تجربه می‌کنند نیز در گروه‌های پرخطر قرار می‌گیرند. خوشبختانه پیشگیری از بسیاری از بیماری‌های قلبی ممکن است و نیاز به کارهای پیچیده‌ای هم ندارد. مهم‌ترین گام، اصلاح سبک زندگی است. داشتن رژیم غذایی سالم با مصرف بیشتر میوه، سبزی، ماهی، روغن‌های مفید و پرهیز از غذاهای چرب، سرخ‌کرده و شور، اولین گام مؤثر در پیشگیری از بیماری‌های قلبی است. ترک سیگار، کنترل استرس، خواب کافی و متعادل نگه داشتن وزن بدن هم از عوامل کلیدی در این زمینه هستند و البته ورزش منظم حتی در حد پیاده‌روی روزانه را هم نباید فراموش کنید. همچنین باید به بررسی‌های دوره‌ای توجه کرد. حتی اگر احساس سلامت کامل دارید، هر چند وقت یک‌بار فشار خون، چربی خون و قند خون خود را چک کنید. اگر پزشک به شما دارویی برای کنترل فشار یا چربی داده، آن را به‌موقع مصرف کنید و خودسرانه مصرف را قطع نکنید. بیماری قلبی اغلب آهسته پيشرفت می‌کند اما وقتی به مراحل پیشرفته برسد، درمان آن سخت‌تر می‌شود. در مجموع، قلب ما یک لحظه هم استراحت نمی‌کند، پس ما هم نباید از مراقبت آن غافل شویم. شناخت انواع بیماری‌های قلبی، آشنایی با علائم هشداردهنده و رعایت چند اصل ساده در زندگی روزمره، می‌تواند سال‌ها به عمر سالم ما اضافه کند.

قلب، همان عضو کوچک اما پهنده‌ای است که زندگی ما را ممکن می‌کند. با هر ضربان، خون را به تمام اندام‌ها می‌فرستد و بدون آن، مغز، کلیه، ریه و سایر اعضا نمی‌توانند کار خود را انجام دهند. این عضو حیاتی در برخی مواقع دچار اختلالاتی می‌شود که به عنوان «بیماری‌های قلبی» شناخته می‌شوند. در واقع، بیماری‌های قلبی تنها یک نوع نیستند؛ بلکه مجموعه‌ای از مشکلات هستند که می‌توانند در رگ‌های خونی قلب، در پیچه‌ها، عضله قلب یا حتی ریتم ضربان قلب رخ دهند. یکی از شایع‌ترین این بیماری‌ها، گرفتگی رگ‌های قلب یا همان «بیماری عروق کرونر» است. در این حالت، رگ‌هایی که باید اکسیژن و مواد غذایی را به عضله قلب برسانند، به مرور زمان با رسوبات چربی و کلسترول تنگ می‌شوند. این تنگی باعث می‌شود که جریان خون به قلب کم شود و فرد دچار درد در قفسه سینه شود، مخصوصاً هنگام فعالیت یا استرس.

دکتر نگار منصوری

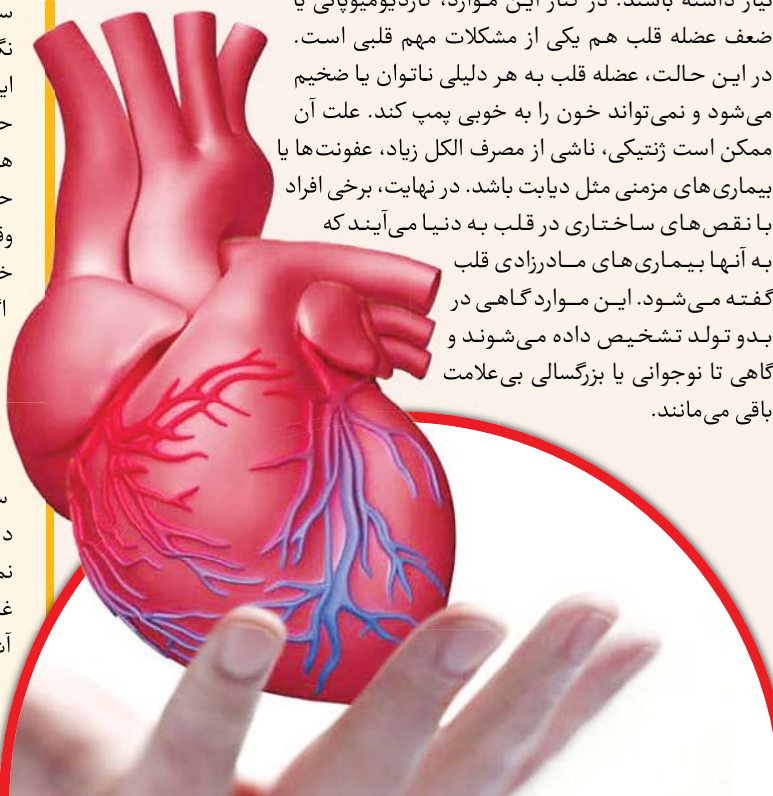
پزشک عمومی



در صورتی که رگ به‌طور کامل بسته شود، ممکن است سکته قلبی اتفاق بیفتد که یک وضعیت اورژانسی است. نوع دیگری از بیماری قلبی، نارسایی قلبی است. در این حالت، قلب توان کافی برای پمپاژ خون به اندام‌ها را ندارد. این وضعیت ممکن است در اثر حمله قلبی، فشار خون بالا یا بیماری‌های عضله قلب ایجاد شود. افراد دچار نارسایی قلبی اغلب با علائمی مثل تنگی نفس، خستگی زودرس، ورم در پاها و کاهش توان فعالیت مواجه می‌شوند. مشکل بعدی، نامنظم بودن ضربان قلب یا «آریتمی» است. ضربان قلب باید منظم و با ریتم خاصی باشد اما گاهی سریع، کند یا نامنظم می‌شود. این وضعیت ممکن است فقط کمی آزاردهنده باشد یا در برخی موارد خطرناک باشد و نیاز به درمان فوری داشته باشد. برخی از افراد دچار آریتمی ممکن است احساس تپش قلب شدید، سرگیجه یا حتی غش را تجربه کنند.

از دیگر مشکلات قلبی، بیماری‌های دریچه‌ای هستند. قلب ما دارای دریچه‌هایی است که مسیر ورود و خروج خون را تنظیم می‌کنند. اگر این دریچه‌ها به‌درستی باز یا بسته نشوند، جریان خون دچار اختلال می‌شود و ممکن است شخص دچار صداهای غیرعادی در قلب، تنگی نفس یا خستگی شود.

این مشکلات احتمال دارد مادرزادی یا اکتسابی بوده و در برخی موارد به جراحی نیاز داشته باشند. در کنار این موارد، کاردیومیوپاتی یا ضعف عضله قلب هم یکی از مشکلات مهم قلبی است. در این حالت، عضله قلب به هر دلیلی ناتوان یا ضخیم می‌شود و نمی‌تواند خون را به خوبی پمپ کند. علت آن ممکن است ژنتیکی، ناشی از مصرف الکل زیاد، عفونت‌ها یا بیماری‌های مزمنی مثل دیابت باشد. در نهایت، برخی افراد با نقص‌های ساختاری در قلب به دنیا می‌آیند که به آنها بیماری‌های مادرزادی قلب گفته می‌شود. این موارد گاهی در بدو تولد تشخیص داده می‌شوند و گاهی تا نوجوانی یا بزرگسالی بی‌علامت باقی می‌مانند.



جایگزین قند

رطب

«افزایش انرژی و تنظیم کلسترول»

توت خشک

«کمک به گوارش و بهبود عملکرد کبد و کلیه»

خرما خشک

«افزایش انرژی و کنترل قند خون»

مویز

«سم‌زدایی بدن و بهبود سیستم ایمنی»

کشمش

«سم‌زدایی کبد و کاهش اشتها»

انجیر خشک

«کمک به هضم گوارش و درمان‌کننده یبوست»



چیزهایی که نمی دانید

اگر غذای تان سوخت، اول از همه سریع قابلمه را از روی شعله بردارید تا بدتر نشود. بعد غذا را خیلی آرام، بدون این که قسمت های سوخته را هم بزنید، با قاشق از بالا جمع و به یک طرف دیگر منتقل کنید. مهم این است که ته دیگ سوخته را دست نزنید تا بو و طعم سوختگی به باقی غذا نرسد. حالا برای از بین بردن بوی سوختگی، چند روش ساده وجود دارد. می توانید یک عدد پیاز را نصف کنید و داخل قابلمه جدید که غذا را در آن ریخته اید، بگذارید و چند دقیقه صبر کنید؛ پیاز بو را جذب می کند.

برای شستن کتری یا سماور، بهتر است از روش هایی استفاده کنیم که رسوب ها را از بین ببرد. ابتدا اگر درون کتری یا سماور رسوب آهک یا جرم دیده می شود، داخل آن را با مقداری آب پر کرده و حدود یک استکان سرکه سفید یا چند قاشق جوش شیرین به آن اضافه کنید. سپس آن را روی شعله بگذارید تا چند دقیقه بجوشد. این کار باعث می شود رسوب ها نرم شده و راحت تر جدا شوند. بعد از چند دقیقه، شعله را خاموش کنید و اجازه دهید محلول کمی خنک شود. سپس با یک اسفنج نرم یا برس مخصوص داخل کتری را بشویید.

میوه آرایی یعنی خلاقیت با طعم میوه

میوه آرایی فقط برای سفره های مجلل و مراسم خاص نیست. حتی در یک مهمانی ساده خانوادگی هم می توان با چیدن درست رنگ ها و شکل ها، فضایی زیباتر و خاص تر ساخت. مثلا تصور کنید چند سیخ چوبی ساده دارید و روی هر کدام چند تکه میوه رنگارنگ مانند خربزه، هندوانه، موز، توت فرنگی و انگور چیده اید. فقط همین ترکیب ساده می تواند نگاه مهمان ها را جلب کند و باعث شود به جای رفتن سراغ شیرینی های پرکاری، اول میوه بخورند. این یعنی هم هنر به خرج داده اید، هم به سلامتی جمع کمک کرده اید. گاهی هم می توانید با کمی خلاقیت، از خود میوه به عنوان ظرف استفاده کنید. مثلا اگر یک هندوانه

یکی از بخش هایی که می تواند حسایی فضای یک مهمانی را زیباتر کند و لبخند روی لب مهمان ها بنشانند، میز پذیرایی است. در میان تمام خوراکی ها و شیرینی ها، میوه ها همیشه جای ویژه ای دارند؛ هم به خاطر رنگ شان، هم به دلیل حس طبیعی و سالمی که منتقل می کنند اما اگر این میوه ها به جای این که ساده در بشقاب چیده شوند با کمی خلاقیت و سلیقه در ظرف قرار بگیرند، زیبایی میز چند برابر می شود. این کار همان «میوه آرایی» است؛ هنری شیرین و دوست داشتنی که نیاز به وسیله خاصی ندارد و هر کسی می تواند با کمی حوصله آن را انجام دهد.

باران حیدری

روزنامه نگار

بزرگ دارید، آن را از وسط نصف کنید، داخلش را به شکل توپک دریاورید، پوست آن را شبیه سبد طراحی کنید و دوباره توپک ها را داخل آن بچینید. این روش ساده برای مهمانی های تابستانی فوق العاده است و کودکان هم با علاقه بیشتری میوه می خورند. حتی می توانید از پوست سیب یا انبه نواری بلند برش بزنید و آن را شبیه گل رز بیچید و کنار میوه ها بگذارید؛ این گل های خوراکی کوچک، میز شما را مثل تابلو نقاشی می کنند. در کل باید گفت که میوه آرایی فقط برای زیبایی میز نیست. در واقع، این کار یک دعوت



جعبه فرهنگی

در این بخش چند فعالیت فرهنگی و هنری سرگرم کننده و آموزنده را به شما معرفی می کنیم. این موارد را بخوانید، ببینید و بشنوید و اگر تمایل

داشتید شما هم می توانید یک فیلم، تئاتر، گالری، پادکست و... به ما و دیگران پیشنهاد دهید.

پادکست

مثنوی خوانی یکی از مواردی است که افراد عاشق ادبیات ساعت ها زمان خود را به آن اختصاص می دهند. پادکست «مثنوی معنوی» با صدای علی عرفانیان یکی از شنیدنی ترین و آموزنده ترین پادکست های فارسی در حوزه ادبیات عرفانی است که به طور ویژه به شرح و تفسیر کامل مثنوی معنوی مولانا می پردازد. در این پادکست، علی عرفانیان با بیانی روان، هر بیت از مثنوی را به صورت منظم می خواند و بعد با نگاهی تحلیلی، مفاهیم عرفانی، فلسفی و اخلاقی آن را برای مخاطب توضیح می دهد. ویژگی ممتاز این پادکست این است که نه تنها برای علاقه مندان به عرفان اسلامی و ادبیات کلاسیک فارسی جذاب است بلکه برای مخاطبانی که آشنایی کمتری با زبان مثنوی دارند هم بسیار قابل فهم و استفاده است. در اینجا عرفانیان با تسلط بر منابع عرفانی، فضایی فراهم کرده که مخاطب در دل دنیای پر رمز و راز مولانا قدم بگذارد و به درک عمیق تری از آموزه های او برسد. این پادکست در پلتفرم هایی مانند کست باکس، اسپاتیفای و اپل پادکست در دسترس است و می تواند همراه روزانه ای باشد برای آنها که می خواهند به تأمل و معنویت پناه ببرند.

ادبیات

کتاب «یک گفت وگو» اثری خواندنی و ماندگار است که حاصل مصاحبه ناصر حریری با نجف دریابندری، مترجم برجسته ایرانی است و توسط نشر کارنامه منتشر شده است. این کتاب فرصتی استثنایی برای آشنایی با نگاه و تجربه یکی از تأثیرگذارترین چهره های ادبیات معاصر ایران در زمینه ترجمه، ویراستاری و زبان فارسی است. گفت وگوها با زبانی صمیمی اما عمیق و دقیق پیش می روند و نجف دریابندری با نثری روان و گاهی طنز، از خاطرات، دغدغه ها و دیدگاه های حرفه ای اش درباره ترجمه آثار ادبی، نویسندگان ایرانی و روند نشر در ایران حرف می گوید. در این مصاحبه ها، خواننده نه تنها با تاریخچه کاری دریابندری و ترجمه های ماندگارش آشنا می شود بلکه با پشت پرده تصمیم گیری ها، چالش های زبانی و تفاوت های فرهنگی در فرآیند ترجمه هم مواجه می شود. این کتاب با ۲۳۲ صفحه، منتشر شده و تاکنون به چاپ چهارم هم رسیده است. یک گفت وگو را می توان به علاقه مندان جدی ترجمه، نویسندگی، زبان فارسی و دوستداران تاریخ ادبیات معاصر ایران پیشنهاد کرد.

تئاتر

نمایش عروسکی «شش جوجه کلاغ و یک روباه» به نویسندگی بهروز غریب پور، اثری خاطره انگیز و آموزنده برای کودکان و خانواده ها است که با بهره گیری از تکنیک های عروسکی سایه ای و موسیقی زنده، داستانی پرهیجان و آموزنده را روایت می کند. در این نمایش، مادر بزرگ برای نوه هایش قصه ای تعریف می کند که؛ روباه های مکار با حیله گری سعی دارد شش جوجه کلاغ یک مادر ساده دل را شکار کند. او با ترفندهای مختلف، جوجه ها را فریب می دهد اما در نهایت، با کمک حیوانات جنگل، روباه شکست می خورد و جوجه ها به آغوش مادر برمی گردند. شش جوجه کلاغ و یک روباه به کارگردانی مهدی رضایی و طراحی عروسک های جذاب، فضایی دلنشین و آموزنده برای کودکان فراهم می آورد. رضا گرچی، رها عادل، عارفه راسخی، هانیه تقی، پریشان کبریایی و مانده کمیجانی از بازیگران این نمایش هستند. این نمایش نه تنها کودکان را سرگرم می کند، بلکه پیام هایی ارزشمند درباره هوشیاری و اهمیت خانواده به آنها منتقل می کند. تماشای این نمایش، تجربه ای شیرین و به یاد ماندنی برای تمام اعضای خانواده است.

سینما

فیلم «زیبا صدایم کن» به کارگردانی رسول صدرعاملی، یکی از لطیف ترین فیلم های امسال است که با داستانی آرام اما عمیق، هر تماشاگری را میخکوب می کند. این فیلم روایتگر رابطه ای انسانی، واقعی و تأثیرگذار است که در سکوت و فاصله، شکل می گیرد و کم کم مخاطب را درگیر خودش می کند. اگر اهل فیلم هایی هستید که بیشتر از دیالوگ، با نگاه و حس و تصویر حرف می زنند، زیبا صدایم کن قطعاً برای شماست. بازی های درخشان بازیگران، مخصوصاً بازی ظریف و پر حس امین حیایی، شما را تا انتهای داستان با خودش می برد. کارگردانی دقیق، نورپردازی ملایم و موسیقی دلنشین، فضا را طوری می سازد که انگار خودتان در دل قصه زندگی می کنید. این فیلم برای کسانی که به رابطه های انسانی، تنهایی، امید و صدای درونی خودشان فکر می کنند، تجربه ای خاص خواهد بود. صدایم کن یک دعوت است؛ دعوت به دیدن، شنیدن و احساس کردن. اگر دوست دارید ساعتی آرام از هیاهوی روزمره فاصله بگیرید و در دل یک داستان جذاب غرق شوید، تماشای این فیلم در سینما راز دست ندهید.

